

میزان نصرت الدوله و آذای سردار معظم التماس و تصریح می کنم که مشی عالی گنیم نه بشی آرزو و نه مشی که مجلس شورایی می تواند او را بروز دهد پس شما اگر خیلی علاقمند بایران هستید و البته همه علاقمند هستید و خطبه همان اصلاح کردن این روزهای تیره است بمحمدالله خودتان بصیرتر و بهتر از ما میدانید که باید فعلا يك قدمهای مفید بحال مملکت برداشت و مرحمی روی زخمها و جراحات امروزه باید گذاشت نه اینکه بیاییم به بنییم در چند سال قبل افغان چه کردوثر نیات زمان صفویه چه بوده است .

رؤیس - این توضیح نبود شما اظهار مخالفت با پیشنهاد سردار معظم فرمودید و حال اینکه اینجا پیشنهاد فرموده اند بر دو یکسوزن مبتکرات یا کمبسون دیگر باستی بدو ملز کرانی بفرمائید و توضیح دهید آقای سردار معظم (اجازه)

زود و برای اینکه حمل نشود که زانهای پنده آتشین است یا حرفهای آهنگین خصوصاً که زانک هم وسیله شده پنده و تکیه آقا سید فاضل فرما میفرمودند خیال میکریم که مغالط در خودم است که آیا سلسله رسیدگی عملی در دوره قمری یا بعد بیکسیون مبتکران ارجاع یا بیکسیون دیگر و بالاخره خیال میکریم بعد از

آنکه در اطراف این قضیه مذاکرات طولانی شده و حرفها رد و بدل شد که باید رسیدگی باعمال زمامداران دوره فترت بشود دیگر در میان آقایان نباشد گمان

مخالفی پیدا نخواهد شد ولی آقای آفا سید یعقوب زحمت بنده را زیاده تر کرده متأسفانه معلوم شد با اصل مطلب مغایرت هستند و خیال میکنند در آتیه ما تقصیر کار داریم که نخواهیم توانست به عملیات دوره فترت رسیدگی کنیم بنده تصور میکنم اگر این اصل را اعمال نکنید یعنی رسیدگی بعملیات دوره فترت نکنیم

زمانه معاصر از آن دوره فترت این است که بینیم کی گندم خرد شده
و ریزه خورده است یا ذغال معامله کسریه یا آهن و برنج

فروخته است بنده متأسفانه با نظر آقای آقا سید
مغایب مغایلم بنده هم معتقدم که تعدی و ظلم برقرار
است ولی باید دانست که این تعدی ها ریشه و اساس
از گذشته است تاوقتیکه درستک و معسط و جامعه

مجازات نباشد هیچ چیز جلوسیل تعدی و ظلم را نخواهد

گرفت. ظالم برای چه ظالم میکند برای اینکه بخوبی میدانند مجازاتی در کار نیست و میداند مظلوم منتهی کاری که میکند این خواهد بود که عریضه ب مجلس داده و امر با رجوع بوزارتخانه شده و وزارتخانه هم عریضه را بخود ظالم و متمدی رجوع خواهد کرد و از همان شخص توضیح خواهند خواست آنوقت مطالب تمام است پس باید اصولی اتخاذ شود که کسی که تعدی میکند و بمقوق ملت تجاوز میکند اگر بخواهد ظلم و روی کاغذ بیاورد دستش بلرزد و بداند که بازخواست بدو ملک هست از شما می پرسد اگر مجازات نباشد کی است که از پول یا از مقام بدش بیاید فرد بنده هم در خیال کودتا مراقم و چند نفر هم سد می کشم

ایادی من هم در تهران آسوده نشسته باطمینان
اینکه لایه در مجلس يك وكيل پیدا میشود و میگوید
ما این قدر کار داریم که نباید رسیدگی باعمال آنها
کنیم. خیر؟ اولین وظیفه مجلس شورای
ملی رسیدگی باعمال گذشته است و تا رسیدگی به

دشمنه بشود هر چه شما داد و بیداد بکنید که باید
چلو گیری از تعدیات حالا وآینه بکنیم مصنوعی است
کسی اعتقاد نمیکند پس برای اینکه مردم بدانند
در مدیریت در مملکت هست که بدکارا هر جا که هست او
اگر گرفته و مجازات میکنند باید تصمیم بگیرند که
حالات مردم را که غافل بکنند

دست بگذشته اتخاذ نکنیم هیچ اصلاحی واقع نخواهد شد و مستندی از تمدنی خویش صرف نظر نخواهد کرد. نتیجه وشبه گذشته است گذشته رابطه کامل به تبه دارد تا گذشته را درست نکنیم آن به رابطه با برقی می درست نخواهیم کرد و موفقیت هم حاصل نخواهد شد اما اینکه آقامیرزا باید کارهای عملی کرد از برای عمل درست و کار خیر و اصلاحات

تصویب قوانینی که از طرف دولت پیشنهاد میشود
رها را گذاردن يك فراخوانه خرابه است به مسجد
قانونی هم فرادخواهد آمد راجع بناسیس کسب و
کاری اضافه کردن یک عده اشخاص که باید بآنها
وفای داده شود اینها کارهای عملی است که ما
نکنیم خوب فرمایند به بینم بوده به مجلس آورده
است که مانع از اجرای این مقصود باشد کارهای
دیگری عجلان در مجلس موجود است که مانع
رسیده کمی به عملیات ادوار گذشته باشد . خیر پس

ت است پس خوب است اگر در میان اعضاء
مندان این پیشنهاد کسی دیگر هم با آقای آقا
هم عقیده هستند بفرمایند و اگر هم
نمایند که دیگر آقای این بیان و منطق را
ند که چون در آنیه زیاد کار داریم بگذشته
می کنیم .

قدین - کسی با اظہار ایشان موافق نیست

سر دراز عظمیٰ خوب پس معلوم شد سایر آقازبان
هاد کنندگان در اصل مطلب موافقتند. باین دیگر
در اصل مطلب بیش از این عرض نمی‌کنم زیرا اگر
به اختلاف نظری بین آقازبان پیشنهاد کنندگان
باشد شود در فروغ است بنده تصور نمیکنم اگر در
یاد ما کلاسا دفعی کردند پیشنهاد ما همان پیشنهاد
مان بود با اندک تفاوتی منتهی ما شاید یک قدری
بمان زحمت داده و نظامنامه داخلی را مطالعه کرده
که امروزه بدانچه چه نوع از مسائل بایند به
یون مبتکرات رجوع شود یا نشود بلی اگر این
در طرح قانونی بود ما خودمان بخوبی میدانستیم
چند نفر آنرا امضا کرد با آقای رئیس مجلس
نمایند ایشان هم ممکن بود در مجلس عنوان
یا عنوان نفر رجوع فرمایند بکسیون مبتکرات
و بنده در قابل توجه بودن مطلب اظهار عقیده
د آن وقت بمجلس آمده و رأی گرفته می‌شد و

سه چهار روز بعد جزء دستور گذارده شود در آن صورت همان مطالعه را که یک کمیسیون پنج باشنظر خواهد کرد تمام ذوات محترم وقت خواهند داشت که در ظرف سه چهار روز یا یک هفته مطالعه بکنند در فرا کمیسیونها بادر خارج بطور دوستانه صحبت کنند و تبادل افکار نمایند باینر ممکن است بطریق دیگری که نا بحال معمول و متداول بوده رفتار شود آن زیاد حرف زدن است آقای رئیس مامم الحمد لله خیلی بردبار و صلیم و حلیم هستند و هر گونه حرفهای ما را تحمل خواهند نمود و تمام آقایان نمایندگان عقیده خود را اظهار خواهند نمود آنوقت بقول عثمانیه از اساطیر افکار با توجه حقیقت چنین خواهد کرد اگر مقصود مخالفت کردن با اصل مطلب است واضح باید گفت منتظر کمیسیون نباید شد برای اینکه حقیقتا کمیسیون مانند چاهی است که اگر مطلبی در آن داخل شود بیرون آوردن آن بنظر من کار مشکل و صعبی خواهد بود اگر مقصود این است که صلاح نیست رسیدگی شود دلائلی احواله فرمایند مامم قانع شدگان نیست پیشهاد خودمان را پس بگیریم و باره کنیم و اگر اصل مطلب مخالفت نیست و حفظ مطالبه در اطراف و ر و اتناض و وسایل اجرا ایست که تقاضا فرمایند دستور امروز خارج شود پس یکی از این شقوق که بنده هم موافقم باید اتخاذ کنیم و از مذاکراتی صرف نظر نموده و داخل در اصل مطلب شویم یکی از آقایان نمایندگان در ضمن مذاکراتشان مودند اشخاصی که عضو این کمیسیون خواهند بود سستی از اشخاصی انتخاب شوند که در دوره فترت نمدار نبوده اند بنده اساسا باین مسئله موافقم مجلس رای ملی الحمد لله یک عده و کلاه و نمایندگی که در تمام دوره فترت در طهران نه بوده اند نه یکم اجبار بلکه میل و دلخواه خود در ولایت خودشان بول قلاحت و زراعت و تجارت بوده اند میسرند اعضا کمیسیون رسیدگی باعمال زمامداران دوره فترت را از این اشخاص انتخاب نمایند که با اذهان و توانمندی درجه بی طرفی و بی فرضی داخل در نوع شوند و رسیدگی باعمال اشخاصی نمایند خوب و ب و باره بد گویند نظرات شخصی نداشته باشند این کار هیچ مانعی ندارد و با کمال سهولت توان یک عده از این اشخاص را در این انتخاب کرد.

هم و اگر مخالفت در اصل مطلب نیست بلکه در
ع و کیفیت مطلب است شما در پيشنهاده خودتان
تا همین نفروید مامعین کردیم و گفته ایم مجلس
اقای ملایک کمیسیون دوازده نفری معین کند و
خود این کمیسیون صلاحیت خواهد داشت که
وع هر چه مقتضی بداند مصالحه بکند يك دليلی
اقامه شد این ترتیب که در مسائلی که
به سیاست مملکت است باید رقت کرد بسیار
بدنه هم باشا و پادشاه پيشنهاده کنندگان موافق که
در کلیه مسائل مملکت رفت شود این هم دوره
یابانکه مجلس شورای ملی باید از آقای رئیس
میر کند که به دستورات و

پس بنا بر این ممکن است اصل موضوع را
بجای فرمائید و در فرومائش در خارج از اطاق
تبادل نظر بکنند و بعد باتفاق آراء دوازده
رای عضویت این کمیسیون انتخاب نمایند به علاوه
دوره شش ساله قنرت را باید منقسم به ادوار
ششگانه و بقضا اشخاصی که در یک دوره زماندار
نشدند در دوره دیگر زماندار نبوده اند مثلا آقای
الدوله در یکی از ادوار دوره قنرت رئیس الوزرا
نشد و چهار ماه زمانداری کرده اند در اینصورت
بگوئیم که آقای مشیرالدوله عضوا این کمیسیون
در برابر فرض بواسطه نهایت درجه خستگی و

در دوره چهارماهه زمامداری خود قضاوت بکنند ولی آیا می توان گفت که در ادوار دیگر شش ساله هم حق قضاوت ندارند ؟

خیر بلکه بالعکس من معتمد که ایشان داخل در جریان امور بوده اند و بهتر از بنده و شما که از مرکز دور بوده ایم و اطلاعاتمان فقط منحصر به آرتیکل های روزنامه ها و با مر قومات دوستان خودمان بوده است می توانند در این مسائل قضاوت بکنند پس برای این ایراد اخیرا هم بنده رد میکنم و در خاتمه عرض میکنم خوب است عجلت از کمیسیون منتظر نماند و در اصل مطلب داخل شویم و بر ترتیب موافق و مخالف بیان کنیم و بگوئیم که من مخالف رسیدگی افعال زمامداران دوره قنوت هستم و در این صورت البته تشکیل کمیسیونی لازم نخواهد بود ولی کسانی که موافقند قهراً اگر صدور دیگر هم فکر کنند بقیته و بالاخره خواهان گفت لازم رسیدگی مطاعه است و بالاخره بایستی کمیسیونی تشکیل شود که مأمور انجام امر گردد پس خوب است مطلب را اساساً از کمیسیون مبتکران تجاوز بدهیم و وارد در مهیت موضوع بشویم

رئیس - آقای نصرالدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده چون با پیشنهاد موافقم بعد از يك مخالف هرایش خود را عرض خواهم کرد رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله با پیشنهاد ثانوی موافقت ؟

حاج شیخ اسدالله - بلی با یک قسمه آن که تعیین طرز رسیدگی را بکمیسیون مخصوص راجع نموده موافقم

رئیس - مقصودتان این است که بایستی این امر بیک کمیسیون مخصوصی مراجعه شود

حاج شیخ اسدالله - بلی

رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - بنده قبلاً عرض کردم خوب است نسبت بقابل توجه بودن این پیشنهاد رای گرفته شود ولی چون فرمودید لازم است مسکوت عنه ماند

در صورتی که بنده این عقیده را ندارم بلکه عقیده ام اینست که کلاً باید راجع بقابل توجه بودن او مذاکره و رای گرفته شود بعد از آن در همه امضاء و چگونگی رسیدگی مذاکره شود

رئیس - من نکتم نظامنامه میگوید چون این طرحی نبود که از کمیسیون مبتکران بمجلس آمده باشد چون پیشنهادات تعیین تکلیف آن با خود مجلس است

حاج شیخ اسدالله - عراضی که کردم از نظریه مجلس نبود بلکه نظریات شخصی بودم مذاکره در این است که آقایان پیشنهاد کرده اند این مطلب برود بکمیسیون مبتکران و فرمایشات آقای رئیس کاملاً جواب این پیشنهاد را می دهد زیرا اگر بنا بود بکمیسیون مبتکران برود پس قبلاً بایستی در قابل توجه بودن او رای گرفته شود اگر قابل توجه بود بکمیسیون مبتکران برود پس چون این مطلب لازم نیست بکمیسیون مبتکران برود زیرا طرح

قانونی نیست و انگی برای چه بآن کمیسیون برود این مسئله که پیشنهاد شده مشتمل بر چندین فقره است يك فقره آن راجع بر رسیدگی بمحاسبات است که اصلاً مربوط بکمیسیون مبتکران نیست کمیسیون مبتکران چه تصمی اتخاذ نمایند پس بنابر این بنده بارجوع این مطلب به کمیسیون مبتکران مخالفم و نسبت باصل قضیه که رسیدگی بافعال زمام داران دوره قنوت باشد بنده کاملاً عقیده دارم مگر هم عرض کرده ام که این مسئله عملی است و اگر هم ما موفق بجایزات خائن بشویم اصلاً یک سلسله حقایق بگوش افراد این ملت میرسد و انمخاص خائن و صالح تمیز داده میشود و اشخاص شناخته میشوند و البته نتیجه هم خواهیم برد بهیچ وجه مانعی در کارهای مجلس نیست مجلس بعد از آنکه داخل در کار شد کمیسیون هم خودش مشغول بمطالعه میشود و ممکن است اعضاء کمیسیون هم از اشخاص انتخاب شوند که در کمیسیونهای دیگر عضویت نداشته باشند و با اگر عضویت داشته باشند جاساتشان را طوری قرار دهند که مزاحم هم دیگر نشود و بعد از رسیدگی راپورت عملیات خود را بمجلس تقدیم دارند پس بااصل مطلب بنده موافقم و موافق مرام و آمال بنده و رفقای من است و در پروگرام عملی و مرا خودتان هم این مطلب قید شده است و اما چیزی را که آقایان پیشنهاد کرده اند گمان میکنم بارش ناقص است و درست توضیح داده نشده اگر مقصود مطلبی باشد که بنده عرض می کنم بنده کاملاً موافقم و تصور میکنم رفقای من هم موافقت بکنند ممکن است از پیشنهاد کنندگان و رفقای خود تقاضا بنمایم که ایشان هم باین امر موافقت نمایند و آن مطلب این است که طرز رسیدگی مختلف است مثلاً در این لایحه اولی عده متتبعین را دوازده نفر پیشنهاد نموده اند که بحساب زمام داران دوره قنوت ...

رئیس - آقای تدین

تدین - بنده موافقم و بعد از يك مخالف نظریات خود را عرض کنم

رئیس - آقای آقا سید فاضل هم موافقت ؟

آقا سید فاضل بلی

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده یکی از پیشنهاد کنندگان یعنی یکی از امضاء کنندگان پیشنهاد اولی هستم ولی همانطور که گفتم منتظر اومدم که بعد از يك مخالفی اظهار عقیده نمایم ولی طرز فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله تکلیف بنده را مشکل کرد چون تحقیقاً نتوانستم کشف کنم دیگر اینکه ایشان جزو موافقین من هستند باجزه مخالفین ؟

دیگر اینکه ایشان بنام جمعیت از طرف رفقا اظهاری فرمودند و اشاره کردند که در اصل مطلب موافق و در طرز اجرای آن با پیشنهاد اول مخالفند ولی با این حال بنده نظریات خود را عرض میکنم و در قسمت اخیراً اظهارات ایشان عقیده شخصی خود را میگوئیم و گمان میکنم پیشنهاد کنندگان دیگر هم اگر این عقیده را داشته باشند خودشان اظهار خواهند نمود اولاً در اصل مطلب یعنی رسیدگی بافعال زمامداران دوره قنوت گمان نمی کنم مخالفی باشد فقط آقای آقا سید یعقوب در ضمن اظهارات خود مطلبی فرمودند که گمان می کنم قدری

برود و بالاخره معلوم نشود نتیجه آن چه خواهد بود و بالاخره بجای وی برود و برنگردد بنده باین عقیده مرام نیستم بکلی برخلاف تصبیه و عقیده است که ما راجع بر رسیدگی بافعال زمامداران دوره قنوت داریم حال اگر این مطلب را توضیح میدهد و با بنده موافقت میکنند والا باید گفت که مجلس شورای ملی نباید شروع باین عملیات نماید

رئیس - جناب عالی نظریات بنده را سه تعبیر نمائید بنده نکتم چون بکمیسیون مبتکران نیایستی قایل توجه بشود بلکه عرض حکرم نظامنامه برای من یک تکلیفی معین نموده و در موقع سکوت آقایان نمایندگان باید موافق آن رفتار نمایم مثلاً وقتی يك عهد نامه بمجلس تقدیم میشود بنده میگویم موافقم نظامنامه داخلی باید عهد نامه بکمیسیون خارج رجوع شود ولی ممکن است رای میدهند بکمیسیون داخل رجوع شود در موقعی که آقایان سکوت میکنند بنده موافق نظامنامه عملی میگویم ولی اگر مجلس خواست طرز دیگری عمل کند البته مختار است در موقعی که آقایان این مسئله را پیشنهاد کردند بنده گفتم چون طرح قانونی نیست نمیتوانم آنرا بکمیسیون مبتکران بفرستم ولی اگر مجلس میخواهد رای بدهد مختار است مقصود بنده این بود لایحه

آقای ارباب کیخسرو - بایشان موافقت میکنم یا مخالف ؟

ارباب کیخسرو - عراض بنده راجع پیشنهاد اولی است

رئیس - آقای تدین

تدین - بنده موافقم و بعد از يك مخالف نظریات خود را عرض کنم

رئیس - آقای آقا سید فاضل هم موافقت ؟

آقا سید فاضل بلی

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده یکی از پیشنهاد کنندگان یعنی یکی از امضاء کنندگان پیشنهاد اولی هستم ولی همانطور که گفتم منتظر اومدم که بعد از يك مخالفی اظهار عقیده نمایم ولی طرز فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله تکلیف بنده را مشکل کرد چون تحقیقاً نتوانستم کشف کنم دیگر اینکه ایشان جزو موافقین من هستند باجزه مخالفین ؟

دیگر اینکه ایشان بنام جمعیت از طرف رفقا اظهاری فرمودند و اشاره کردند که در اصل مطلب موافق و در طرز اجرای آن با پیشنهاد اول مخالفند ولی با این حال بنده نظریات خود را عرض میکنم و در قسمت اخیراً اظهارات ایشان عقیده شخصی خود را میگوئیم و گمان میکنم پیشنهاد کنندگان دیگر هم اگر این عقیده را داشته باشند خودشان اظهار خواهند نمود اولاً در اصل مطلب یعنی رسیدگی بافعال زمامداران دوره قنوت گمان نمی کنم مخالفی باشد فقط آقای آقا سید یعقوب در ضمن اظهارات خود مطلبی فرمودند که گمان می کنم قدری

فکر خودشان را سه تعبیر و تفسیر نموده و شاید خواسته اند از نقطه نظر الا هم فالاهم این مسئله را در درجه قانونی گذارده باشند والا تصور نمی کنم کسی متکر این باشد که يك مجلس بعد از شش سال دوره قنوت با اتفاقاتی که در این دوره واقع شده مراجعه بکند ولی باز برای اینکه توضیحی عرض کرده باشم اگر چه آقای سردار معظم کاملاً جواب فرمودند می خواهم بگویم که از این پیشنهاد را مجدداً قرائت کنم که شاید در ضمن مذاکرات این ماده از نظر ها مجور شده باشد در ماده ۲ میگوید کمیسیون تقشیش مزبور اولاً باین کمیسیون اسم تقشیش داده شده نه اینکه اشخاصی که در اینجا عضویت دارند قاضی هستند می گوید کمیسیون تقشیش مزبور بتمام تصدیقات سیاسی و استیازات و اجازات و انتقالات و معاملات و عوارض بر فرار شده برخلاف قانون و مصارف تصویب شده از طرف دولت های مختلفه دوره قنوت رسیدگی کرده راپورت رسیدگی خود را دوره بعدی بمجلس شورای ملی تقدیم دارد و این سکتاری که میشود راجع بپوادی است که در نظر پیشنهاد کنندگان حق داخل در صلاحیت کمیسیون می باشد آنچه بنده می بینم اغلب سدهای است که مربوط بوخایف اصلی و خاص مجلس شورای ملی است در ماده پنجم گفته میشود مجلس شورای ملی پس از مطالعه راپورت کمیسیون تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد نمود از این ماده معلوم میشود که در نظر پیشنهاد کنندگان انتخاب از این کمیسیون مربوط بنظر خود مجلس بوده و کمیسیونی که تقاضا شده کمیسیونی است که باید بتاریخ تاریخچه شش ساله جرات این مملکت رسیدگی نماید همانطوری که يك نفر از آقایان نمایندگان فرمودند البته در شش سال امور زندگانی يك مملکتی بواسطه غیبت مجلس شورای ملی نمی تواند موافقت باشد این مملکت ۶ سال زندگانی کرده و در این ۶ سال متأسفانه یا بدبختانه بواسطه غیبت مجلس شورای ملی منفعت ندیده و کمیسیون باید بمطالعه تمام دوره ها رسیدگی کند و دوره بعدی بمجلس شورای ملی راپورت دهد گمان میکنم که این مسئله از وظائف مهم مجلس است و تأثیرش در آتیته مشهور خواهد شد چون بعضی چیزهایی است که تأثیرش در آتیته باقی میماند مثلاً امتیازاتی که داده شده بمجور تمام دوره قنوت از بیت نمیرود ممکن است بعد هم امتیازاتی داشته باشد و باید بمجلس شورای ملی در این باب اظهار عقیده نماید یعنی اگر فلان امتیاز منحصر باشد اساساً لغو نماید و اگر مقدمات خود مجلس این امتیاز را بعد از اینطور فکر کرده ایم و حالا هم تصور نمی کنم که هیچ يك از پیشنهاد کنندگان امضاء کنندگان این لایحه حتی آقای سید یعقوب هم که اظهاراتی کردند با اصل مطلب مخالف نباشند پس باید تأمل بتفکیک مسائل این لایحه شده و مذاکره در اصل مسئله ختم نمایم و بقسمت قانون بپردازیم و آن قسمت طرز رسیدگی است مثلاً ما در این پیشنهاد تقاضا کردیم که دوازده نفر تعیین شوند و عضو این کمیسیون باشند حالا ممکن است بعضی دوازده نفر را بدانند و بعضی کم بدانند ما پیشنهاد کردیم از آخر دوره شروع بر رسیدگی کنند

شاید بعضی ها پیشنهاد می کنند از اول شروع شود چنانکه می بینیم بعضی می فرمایند این ترتیب منطق ندارد من مخالف هستم و تصور می کنم يك منطق هم می شود از برای این ترتیب فرض کرد حالا اگر اکثریت مجلس بگویند از اول باید شروع کنیم يك مطلبی است بهر حال این مسائل قابل مذاکره است و اگر مذاکرات خودمان را باین قسمت محدود کنیم چنانکه آقای سردار معظم فرمودند ممکن است خیلی زودتر توافق نظر حاصل شود ولی بنده بگوش خود شنیدم که يك شق ثالثی را قابل هستند و اساساً می خواهند طرز رویه این رسیدگی در خارج در يك کمیسیونی مطالعه شود و بعد راپورت آن به مجلس بیاید . آقایان در پیشنهاد خود اسمی از کمیسیون مبتکران یا يك کمیسیون خاصی نبرده بودند آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند مجلس پنج نفر تعیین کند و سه نفر پیشنهاد کنندگان هم نبوده ضمیمه بشوند و يك کمیسیون مطالعه برای این پیشنهاد تشکیل بدهند و این پیشنهاد را نسبت بقسمت عملی و کیفیت رسیدگی اصلاح کنند و بمجلس بیاورند حالا قبل از آنکه اظهار عقیده بکنیم تصور میکنم خوب است ناطق معترضی که بعد از بنده در کرسی خطاب حاضر می شود مطلب را کاملاً روشن کند و باین ترتیب که اول از آقای رئیس تقاضای تفکیک بکنیم و نسبت بقسمت اول که راجع بلزوم رسیدگی باشد رای بگیریم آنوقت نسبت بقسمت ثانی یعنی راجع باختلاف نظر باین پیشنهاد کنندگان اول که شاهزاده سلیمان میرزا و آقای سردار معظم و بنده هستیم بایشان پیشنهاد کنندگان ثانی که میفرمایند برای تعیین طرز رویه رسیدگی بپروا کمیسیونی معین شود و بامی گوئیم همین جامعین شود مذاکره می کنیم و در این باب اظهار عقیده می کنیم و ضمناً عرض می کنم آقایانی که پیشنهاد دو برابر امضاء کرده اند نسبت بپیشنهاد کنندگان اول يك قدری بی التفاتی کرده اند برای اینکه در مقدمه پیشنهاد خود ذکر کرده اند که چون در این پیشنهاد باید تأمل و تفکر شود مثل این است که پیشنهاد کنندگان اول تأمل را روا نمیدانند در صورتیکه ممکن است از حیث طرز رویه و سلبقه مختلف باشد ولی در اساس تأمل و تفکر کرده اند و برای استظهار باینکه ما خیلی تأمل کرده ایم عرض می کنم يك جمعیتی در این مجلس هستند که يك پروگرام جایی هم دارند کالان حاضر است و آقای حاج شیخ اسدالله هم که آن اظهارات را می فرمودند جزء همان جمعیت هستند مخصوصاً رسیدگی بمطالعه دوره قنوت مخصوصاً در آن نوشته شده و پیشنهاد فقط از طرف امضاء کنندگان نبوده حالا اگر در طرز رسیدگی اختلافی باشد بنده هم مخالفی ندارم و البته قابل بحث و مذاکره است حکایت آقای حاج شیخ اسدالله هم از برای بنده و آقای سردار معظم از نقطه نظر اینکه عضو این جمعیت هستند شاید قابل باشد

آقا سید یعقوب - آقای سردار معظم يك نسبتی بنده دادند اجازه فرمایند رفع نسبت از خود بکنم از بدیک است دیوانه شوم

رئیس - می خواهید توضیح بدهید

آقا سید یعقوب - بلی

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - آقای سردار معظم میفرمایند ما می خواهیم رسیدگی کنیم به عملیات زمامداران دوره قبل و عملیات کسی که آمده است هشت گروه ضرر زده است اگر رسیدگی نشود فلان طور می شود و يك و كیل خواهد گفت نباید رسیدگی بشود آقای سردار معظم بنده نوکیل بودم نوزیر بودم نه لیدر بودم نه طرفدار سیدضیاء بودم بنده کسی بودم که سید ضیاء مراد نبر کرده بود حبس کرده بود

سردار معظم - آقا کسی بنده هیچ عرض کردم

رئیس - خطاب به آقای آقا سید یعقوب مقصود شما چیست است ؟

آقا سید یعقوب - بنده عرض می کنم من کسی هستم که سیدضیاء مرا حبس کرده بود بنده خودم را به کشتن انداخته بودم آنوقت بنده يك کسی نیستم که مانع باشم از این که بمطالعه آن ها رسیدگی بشود

سردار معظم - بنده کی هیچ عرض کردم بنده قویاً تکذیب می کنم و در اظهارات خودم ایداً یکس نسبت سوغندادم

آقا سید یعقوب - فرمودید يك و کیلی پیدا خواهد شد که بگوید رسیدگی نشود

سردار معظم - بلی يك و کیلی ممکن است باشد که این عقیده را داشته باشد که به عملیات دوره قنوت نباید رسیدگی کرد البته در دوره قنوت سید ضیاء هم هست بنده مقصودم سر کار نبودید و عقاید آزاد است و از حالا عرض می کنم در تمام هرایش خود هیچوقت هیچ شخصی را در نظر ندارم

رئیس - (خطاب به آقا سید یعقوب) قانع شدید ؟

تدین - اجازه می فرمائید

رئیس - بفرمائید مختصر است بافضل

تدین - شاید يك قدری مفصل باشد

رئیس - پس اگر میل دارید بماند برای بعد از تنفس

(جمعی اظهار نمودند ممکن است قبل از تنفس بفرمایند)

تدین - قبل از آنکه داخل مطلب بشوم برای این که جای هیچگونه سوء تفاهم در خارج باقی نماند و بطور دیگر تعبیر شود (همانطور که مخالفت با ماده واحده تشکیلات مایه در خارج اینطور وانمود شده بود که ما مخالف با اصلاح هستیم در صورتی که ایداً اینطور نبوده و ما کاملاً موافق اصلاحات بودیم نهایت باطر بقیه که ماده واحده معین کرده بر دو مخالف بودیم نهایت امروز هم عرض می کنم که بنده و رفقای خودم کالان پیشنهاد را امضاء کردیم کاملاً موافقم که باید بمطالعه دوره قنوت رسیدگی شود (بعضی گفتند صحیح است) این موضوع يك موضوعی است که فوق العاده بوقیعت دارد و مؤثر در اصلاحات مملکتی میباشد و بلکه با اندازه مهم است که میتوانم عرض کنم اگر انشاء الله مجلس موفق بانجام این مقصود شد حتی فساد اخلاقی این محیط را هم کاملاً تقابل خواهد داد برای چه ؟

برای اینکه وضعیات اخلاقی در این دوره فترت مطلوب شود مرکز نقل افکار ملی نبود حکومت وقت بوسیله پارتیهای مختلف در پی کارهای آمد و سبب احتیاجات مخصوص در روی کار آمدن آنها مؤثر بوده فقط میتوانیم بگویم آن حکومتی که مردم مایل و شایق بودند و باطمینان روی کار آمد و بدون نظریات پارتی بود فقط کابینه آقای مشیرالدوله بود باقی کابینه ها عموماً در تحت تأثیر پارتی بود بدیهی است آقایان خوب میدانند که یک کابینه که در تحت تأثیر پارتی روی کار می آید مجبور است تقاضای غیر محدود پارتی را انجام دهد و انجام آن هم غیر مقدور است طبعاً ناراضی میشوند وقتی ناراضی شدند متأسفانه بواسطه سوء اخلاق یک کلمات خیلی شلیخ و خیلی مهم بدست آن حکومت پرتاب میشود عرض اینکه مدارک مستند و صحیح در این باره فوراً کلامه خان - دزد متقلب و کلماتی که در فضای دنیای متعصبان فوق العاده مؤثر است و اگر بنشاید گویند این کلمات توانمندانه و اثبات برآید کلام مجازاتی می شود از پس این کلمات بدون مدرک یا با مدرک گفته شد و بر آن توبیخ اثری داده نشد متأسفانه تأثیر آن کلمات از بدین رفت بنده مستقیم که انجام و اعمال این مقصود حفاظتی را روشن میکند و آن اشخاصی که حقیقتاً خدمت بنوع خود کرده اند معلوم خواهد شد و آن حرفهای که در اطراف آنها زده می شود معلوم می شود از نقطه نظر قضیه شخصی نبود و اشخاصی هم که برخلاف رفتار کرده اند و مصالح و منافع مملکت و ملت را صرف تمیش خود کرده اند معلوم خواهد شد و تمام ملت از حقایق امور آگاه میشوند و البته در نتیجه آن مجازاتی که مقتضی باشد برای اشخاص مقصر و یک نوع پاداشهایی برای اشخاص خدمتگذار منظور خواهد شد بنده موضوع را می خواهم توسعه بدهم نسبت دادن این کلمات غش بقدری زیاد شده که اختصاص با شخص درجه اول و زمامداران هم ندارد و با شخص درجه دوم و سوم و چهارم هستند نیز بر تپ می شود چه عیب دارد مسئله معاکه اشخاص و افرادی که این نسبت ها را می دهند در میان نباید تا اینکه حقیقتاً معلوم شود هر کس چه کرده و دارای چه عملیات بوده است و هر کس در آتیه جرات نکند یک نسبت نامی با شخص پاک وی آلاش بدهد و در خارج یک چیز نامی که دانا نیستند مشهور شوند بیش از این نمی خوانم در قسمت محسبات این پیشنهاد را در عرض می کنم کلاماً موافق هستم و علناً هم عرض می کنم که طرفدار هیچک از حکومت های سابق هم نیست فقط طرفدار حقیقت هستم حقیقت هم آنست که از محکمه صالحه بیرون می آید آن کسی را میتوان خائن گفت که محکمه رأی دهد خائن است علی الاغراء و علی العمایه حرفهای در فضا پرت شود و هر چه بخواهند بگویند لکن بنده عقیده ام این است که موضوع باین همی که تصادف هم سابقه ندارد فقط مجلس دوره چهارم میخواهد این اقدام را بکند و رسیدگی به معانیات زمامداران دوره فترت بنماید خود این مسئله یکی از مسائل است که موجب خواهد شد مجالس آتیه دوام پیدا کند برای

اینکه تعویق مجلس هم یکی از جمله چیزهایی است که تا حدی مرکز نظر حکومت های سابق بود موضوع باین مهم است و برای موضوع باین مهم تقاضای کمیسیون تقش شد آقای سردار معظم فرمودند که این کمیسیون با کمیسیونهای دیگر چندان فرقی ندارد بنده عرض می کنم خیلی فرق دارد وظایفی برای این کمیسیون معین شده است و هیچ نمیشود مقایسه کرد با سایر کمیسیونها مثلاً با رسیدگی بانتهاب کسی یا تحقیق انتخاب فلان کس هیچ نمی شود مقایسه کرد مانند اول پیشنهاد می گوید برای رسیدگی به عملیات دوره فترت که از تاریخ تعطیل مجلس شورای ملی دوره سوم تقنینیه شروع میشود کمیسیون را که از ۱۲ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی انتخاب می شود دارد دوم راجع بوظایف کمیسیون است و این یک وظیفه فوق العاده بزرگی است که کاملاً در میان و تقریر نمیشود گفت میگوید کمیسیون تقش مزبور بنام تصمیمات سیاسی و امتیازات و اجازات و انتقالات و معاملات و عوارض برقرار شده برخلاف قانون مصارف تصویب شده از طرف دولتهای مختلف دوره فترت رسیدگی کرده راپورت رسیدگی خود را در دوره دوم مجلس شورای ملی تقدیم می کرد این کمیسیون یکی از معتبرترین کمیسیونها است که در مجلس تشکیل خواهد شد بنا بر این بنده معتقد هستم که باید عملی باشد در مقام عمل نباید انسان باید قبلاً خیلی دقت کند و اطراف کار را ملاحظه کند و وسائل اجرای آنرا تهیه کند آنوقت شروع نماید تا به نتیجه برسد اگر ما می خواهیم یک حرفی زده باشیم که گفته شود کمیسیون برای رسیدگی با عمل زمامداران دوره فترت تشکیل شد و بقول بعضی از آقایان مثل بعضی از کمیسیونها مطالب در جاهای فرود و امروز فرود پس فرادشود و بالاخره تا آخر دوره چهارم تقنینیه یک نتیجه از آن مرتب نباشد در این صورت تصور می کنم رأی دادن یک چنین کمیسیونی لازم نیست ولی باید بحرف قناعت کنیم و عقیده آقایان این است که باید عمل رسیدگی شده و این نظریه بدفع اجراء گذارده شود و قبل از انقضای دوره چهارم تقنینیه این مجلس این موقعیت را دارا باشد بنا بر این بنده در کیفیت تشکیل این کمیسیون یک نظریاتی دارم که در طرز عمل بطرز عمل کاری ندارم کمیسیون می خواهد از اول شروع کند می خواهد از آخر شروع کند می خواهد از وسط عقیده ام این است که هر جا می خواهد شروع کند این مسئله چندان فرقی ندارد حرفی که داریم راجع بکیفیت اعضاء کمیسیون است و شرایطی که باید در آنها منظور شود چرا؟ برای اینکه ما بخواهیم افراد این کمیسیون طوری انتخاب گای هیچگونه شک و تقییدی در خارج نباشد مثلاً ما میخواهیم یک کمیسیون تقش تشکیل بدهیم که رسیدگی کند بکارهایی که زمامداران دوره فترت کرده اند این بدیهی است اگر افراد تقنینیه در این کمیسیون خودشان جزء زمامداران باشند هر قدر هم صالح باشند بهتر خواهد بود که آنها نباشند برای اینکه در خارج سوء

در مجلس شورای ملی اشخاص هستند که جزء زمامداران دوره فترت بوده اند و بعد شان خیلی قلیل است سه یا چهار نفر بیشتر نیستند اگر لفظ زمامدار را بر رئیس الوزراء یا وزیر تفسیر نمایند سه نفر بیشتر نیستند و هیچکدام در این کمیسیون حاضر نیستند عضویت داشته باشند ولی اگر بخواهند زمامدار را توسعه بدهند و لیدر حزب و سیاستمدار و غیر آنها تفسیر کنند تصور میکنم انتخاب هم کمیسیونی از این مجلس ممکن نشود باید فکر دیگری کرد برای اینکه اغلب آقایانی که اینجا تشریف دارند همه بینا بانی داخل در سیاست مملکت بوده اند و گمان نمیکند در این مدت فترت زندگانی آقایان متوقف بوده همه یک کاری داشته اند یکی جزء حزب بوده یکی سیاستمدار بوده یکی روزنامه نویس بوده همه داخل بودند و اگر این توسعه ها را قائل بشویم بنده ام چه خواهد شد بهر جهت اینجا مذاکره شود بهتر است و ممکن بود اگر این مذاکرات پیش نمی آمد بنده از نقطه نظر شخصی مخالفت نکنم ولی حالا که این مطلب مذاکره شد گمان میکنم هم تکلیف بنده مشکل شده هم تکلیف آقایان حتی آقای حاج شیخ اسدالله هم بطور موافقت از طرف یک جمعیتی اظهار کردند تصور می کنم اینطور نباشد چرا؟ برای اینکه کمیسیون مجلس در بسته و پس برده است آقایان تماشاچیا روزنامه نویسها در آنجا هستند که به پیوند یک کمیسیونی در کیفیت انتخاب اعضاء و طرز جریان آن از روی چه مدرک نتیجه می گیرند و اگر قائل بشوند که بالاخره آن نتیجه مجلس می آید و مباحثه می شود پس چه مانع دارد که حالا همین جا مذاکره بشود و اگر میفرمایند مذاکراتی که اینجا میشود در این جا گفته نشود من کاملاً مخالفم و تصور نمی کنم هیچکدام از رفقای جمعیتی من هم المی شهاب موافق باشند چرا؟ برای اینکه ماوکلای ملت هستیم وظیفه ما این است که حرف را رو بروی مردم بزنیم فرمودند این یک توپ بزرگی است و باید طوری بزنیم که به هدف و شاهانه بخورد بنده عرض می کنم نه فقط این توپ را باید اینطور خالی نکنیم بلکه تمام توپها را باید اینطور انداخت نظر بنده هم این است که توپ را در هوا نباید انداخت پس در اطراف این توپ و در اطراف این قضیه یک حرفهایی است چه می بیند آن حرفها اینجا گفته شود شاید بعضی آقایان یک ملاحظاتی دارند بنده اینطور احساس می کنم که شاید یک قسمت از این ملاحظات مربوط باشد بمقامات سیاسی که بعضی بر آن مسائل استثناء قائل هستند ولی شخص بنده اساساً استتار را قائل نبوده و اگر خاطر آقایان باشد در اینجا در موضوع پروگرام دولت و در وقتی که پروگرام دوات مطرح بحث بود در عدم استتار مطالب سیاسی شرح مبسوطی عرض کردم و از دولت تقاضا کردم که استتار سیاست را ترک کند و بلاواسطه مسئله تعیین کمیسیون و صلاحیت اشخاص طرز رسیدگی و شروع از اول یا آخر یک چیزهایی بنده نمی بینم که مذاکره آن سیاست مملکت بر می خورد و اگر یک چیزهایی در این هست خوب است گفته شود که بنده هم ملتقت شوم تا بعداً اگر نظریه داشته باشم عرض

کنم یک نکته دیگر هم عرض می کنم که در پایان آن مذاکرات بنده تمام شود و آن این است که بنده از نقطه نظر عمل عرض میکنم که اگر این کاری را که اگر امروز متفقاً می خواهیم بکنیم مجلس سوم کرده بود زمامداران کابینه های دوره فترت آسوده بودند و تا اینکه تکیه گاه ملی نداشته و در نتیجه نمی توانستند در ایام فترت با تفکر و موسمی مجلس شورای ملی تکیه کنند یا مواقع فوق العاده و دستاویز کیتی جنگ بین المللی و سیاستهای مختلفی که سر تا سر دنیا در عرض ایران را هم فرا گرفته بود ای بسا اشکالات که از گردن آنان ساقط می شد این است حالا که بنده استدعا می کنم که اکثریت مجلس شورای ملی موافقت کند و هر حرفی در این مدت در اینجا گفته شود چون میدانم بالاخره رأی کمیسیون هم هر چه باشد بمجلس شورای ملی بر خواهد گشت و اگر یک مخالفتی هم فرضاً پیدا شود چاره جز تبعیت نخواهد داشت

رئیس - آقای تدین (اجازه)

قلین - بنده ناچارم مختصری راجع بفرمایشات شاهزاده نصرت الدوله عرض کنم والا بنده عرض می کردم که در کمیسیون مطالب قطع شود و عرض مجلس برسد بدیهی است بدو مطالب در کمیسیون دقت کامل شده و در واقع پخته و حلاجی میشود بعد راپورت کمیسیون بمجلس خواهد آمد و بعد از اینکه راپورت کمیسیون بمجلس آمد البته مجلس شورای ملی حق خواهد داشت آنرا جرح و تعدیل را رد کند

رئیس - بنده خیلی میل دارم که مسائل در همین جا گفتگو شود و بنده از جمله اشخاصی هستم که همواره معتقد باستتار سیاست نیستم و اگر مجلس رأی می دهد در اینجا گفتگو و بحث بشود چندان فرقی نخواهد داشت تنها فرقی که هست این است که مذاکراتی که در کمیسیون می شود مقتضی تر خواهد بود و آنوقت نتیجه آن بعرض مجلس خواهد رسید حالا اگر مجلس رأی می دهد در اینجا مذاکره شود ما هم عقیده خود را نسبت به طرز اجرای این پیشنهاد و اشخاص منتخب آن اظهار خواهیم نمود در حال بنده شخصاً و اساساً هیچ وجه علاقمندی استتار حقایق نبوده و در آن مواقعی که هیچ کس جرأت و قدرت اظهار عقاید خود را نداشته بنده با صدای رسا و منتهی وی پروا می گفتم

رئیس - گویا موقع تنفس رسیده باشد در این وقت که دو ساعت از شب گذشته بود جلسه برای تنفس تعطیل و دیگر تشکیل نشد

جلسه چهارم صورت مشروح مجلس یوم شنبه یازدهم شهر ربیع الاول مطابق

نیمه عقرب ۱۳۰۰

مجلس تقریباً با ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید

رئیس - آقای آقا میرزا ابراهیم قمی (اجازه)

آقا میرزا ابراهیم - بنده کتباً اجازه خواسته بودم مهذبا در صورت مجلس غایب نوشته اند رئیس - برای چه؟

آقا میرزا ابراهیم - امروز بنده برای ضرورتی بیرون رفته بودم شرحی هم حضور مبارک عرض کردم

رئیس - بنده اجازه ندارم زیرا تشریف بریدید و مجلس از اکثریت افتاد

نصرت الدوله - بنده یک اصلاح عبارتی را میخواهم تقاضا کنم راجع به جمع اتفاق ملل بنده وقتی بنا کردم جامعه ملل عرض کردم چون مجمع اتفاق ملل ترجمه غلطی است جامعه ملل نوشته شود بهتر است استدعا دارم اصلاح شود

رئیس - اصلاح میشود نصرت الدوله - عرض دیگر آنکه در موضوع پیشنهادی که بنده و سردار معظم و سلیمان میرزا کردیم عین عبارت پیشنهاد رسیدگی به عملیات دوره فترت است

قلین - در صورت مجلس نوشته شد رسیدگی به عملیات زمامداران دوره فترت

رئیس - لفظ زمامداران حذف می شود دیگر اعتراض نیست (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس را این دو فقره اصلاح تصویب شد دستور امروز بقیه مذاکرات در پیشنهاد آقای سردار معظم راجع بشکلی کمیسیون برای رسیدگی به عملیات دوره فترت است ولی آقای وزیر مالیه تقاضا کرده اند شش روز ماده واحد راجع بشکلیات مالیه نیز جزو دستور امروز باشد چندی قبل در ضمن شور اول اینطور احساس فرموده بودند که کمیسیون با ماده واحد مخالف است و قبلاً ایشان باین خیال کثرت گیری نموده بودند ولی بعد از آنکه رأی داده نشد داخل شور دوم بشوید بر ایشان معلوم شد که اکثریت مجلس با ماده واحد مخالف نیست باین لحاظ ایشان مجدداً شغل روزات مالیه را قبول و برای خدمتگذاری بمملکت حاضر شدند و شور دوم همان ماده واحد را که پیشنهاد کرده بودند تقاضا کرده اند حالا برای اینکه ماده واحد قبل از پیشنهاد آقای سردار معظم جزو دستور شود مخالفتی نیست (بعضی گفتند خیر) آقای زنجانی

(اجازه نطق)

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - از جمله مخالفین ماده واحد بنده بودم ولی چون یک مدتی پیش شور اول و دوم فاصله شده در بین این فاصله بعضی چیزها نوشته شده و بعضی چیزها گفته شده که بکلی از مقصد ما خارج بودند بعضی گفته اند مادر وزیر لقائه مخالفت با ماده واحد با کابینه یا وزیر مالیه مخالفت می کنیم این مطالب را بکلی تکذیب می کنم من کسی هستم که اگر مخالف با کابینه یا وزیر باشم بی باکانه در اینجا می گویم ما کسی هستیم که با استبداد سینه سپر زده ایم حالا می خواهیم با کابینه مخالفت بکنیم آنهم در زیر لقائه خیر با کابینه مخالفت ندارم - با وزیر مالیه هیچ

وجه مخالفت اندام و عروقت مخالف عدم اظهار می گنم فقط بنده باین ماده واحد مخالفت دارم از باب اینکه مقصود این بوده که بپایان مجلس اعتبار تمام بکسی داده نشود علاوه این ماده چندین دارد اولاً بنده مخالف قانون اساسی می دانم که باین وزیر هم قانون وضع کند هم اجرا کند اگر فرمایند این قانون نیست و نظامنامه است بنده می گویم اینهم صحیح نیست زیرا که اینک از ترتیب اطلاع دارم می دانند اول قانون وضع میشود بعد برای جریان آن نظامنامه وضع می کنند و وزارتخانهها نظامنامه برای قانون است باینکه نظامنامه را برای امور داخلی بنویسند اگر قانون نیست پس این نظامنامه برای چیست و اگر قانون است باینکه وزیر نمیتواند هم قانون وضع کند هم اجرا نماید.

ثانیاً - منماً قانون است آیا در این ۳ ماه وزیر مالبه مسئولیت دارد یا نه ؟ مسئول چه چیز است کدام مامور مسئولیت او را میسراند آیا ما مادر را دیده ایم که از او سؤال کنیم چرا این مادر را اجرا نکرده اند ؟ آیا مطابق این ماده رفتار کردی یا خیر ؟

ثالثاً - اگر در اینجا رأی دادیم که آقای مصدق السلطنه نظامنامه را که میخواهند برای امتحان بفرستند اجرا نکنند چیزی که در ذهن وزیر است رأی دادیم و من این را صحیح میدانم رأی مجهول مطلق است.

رابعاً - آیا در این ۳ ماه هرگاه وظایف اجرای ادارات و قضائی را که باید مالبه بپردازند معین کردند اگر اجزاء یا معاونان مالبهات تعین کردند برای آنها مجازاتی خواهند نوشت و جری خواهند کرد یا خیر ؟ اگر قرار میدهند خیلی بعید است که یک نفر وزیر در نظامنامه مجازات قرار دهد و اجرا کند اگر مجازات قرار ندهد هیچ چیز اجرا خواهد شد مثلاً اگر فلان مأمور مالبه بوظیفه خود عمل نکرد مجازات نخواهد داشت ما میخواهیم یک همچو چیزی را رأی داده عمل کنیم.

خامساً - هرگاه در این مدت تمام که بنا است وزیر مالبه يك نظامنامه با قانون امتحانی بنویسند و بپایان بیاورند کسیران پیدا کرده و خودشان بنویسند فرمودند این نظامنامه که نوشته بودم کافی ندیدم آیا يك نظامنامه دیگری برای يك سه ماه دیگری پیشنهاد خواهند کرد یا بهین قانون بر خواهند گشت اگر بخواهند باین قانون برگردند نمیتوانند چون آن را کافی و صلاح نمی دانند چطور چیزی که قابل اجرا نمی دانند برمی گردند ؟

وقتی که برگشتند و خواستند يك نظام نامه دیگری بموقع اجرا بیاورند تقاضا خواهند کرد که در يك سه ماه دیگری نظامنامه دیگری بنویسند و به موقع امتحان بیاورند آنوقت اگر آن سه ماه نشد يك سه ماه دیگری وقت میماند.

سادساً - فرضاً اگر يك وزیر مالبه دیگری آمد و گفت من این نظامنامه را نمی پذیرم و تقاضا می کنم برای سه ماهه يك نظامنامه بنویسم و بموقع اجرا گذارم مجلس را چه خواهد گفت اگر تقاضای او را بپذیرد می گوید وزیر سابق چرا اختیار دادید آنوقت باید علی الاموال بوزرای مالبه اختیار نوشتن

نظامنامه داده شود همچنین سایر وزراء مثلا وزیر معارف بپاید بگوید این قانون و تشکیلاتی که در وزارت معارف است بنظر من قابل اجرا نیست می خواهم يك نظامنامه بنویسم و سه ماهه اجرا کنم آیا باو اختیار نمی دهید و می گوید آن وزیر بهتر از شما بود شما اختیار نمی دهید مکنذا وزیر دیگر آنوقت باید هفت نظامنامه در عفت وزارتخانه بنویسند و مجلس ببیند نتیجه این نظامنامهها بکجا خواهد رسید از این بابت بود که بنده مخالفت کردم.

علاوه بر این بقصد من خرابی مالبه از این نیست که این قانون خوب نبوده من کسی نیستم که بعضی مطالب را بطور تنیدی بگویم ایران را نمیگویم بکسی برنخورم کدام دولت است که قانونش را بهتر و مالبه آن را مرتبتر می داند دولتی که قانونش هم خیلی منظم باشد هرگاه يك وقتی کابینه او بنده است - بندها و مسجد شاه و حضرت عبدالعظیم رفتن ها تشکیل شد و وزرائی داخل شدند بلا حظه اینکه فلان اگر وزیر شد در خارج فساد می کند فلان بواسطه خویش و فلان بواسطه نوکری آن وقت يك پولی گرفتند و مأموری فرستادند مأمور بعضی کارها کرده بچسک اظهار میکنند که مالبه ما از این بابت خراب است که قانونش خوب نیست ؟ خیر پس خوب بود می نوشتند این قانون تشکیلات بموقع اجرا گذارده شده و در فلان جا مورد اشکال شد.

مثلاً فلان مسئله از خزانه به حسابات رفت در محاسبات فلانجا مورد اشکال شد لذا تقاضا می کنم فلان ماده را تغییر بدهیم یا اینکه فلان کاغذ رنگش خوب نبوده باید فلان رنگ باشد یا فلان مأمور مالبه باید مأمور فلان چیز باشد دوست سید سال است پارلمان ها قوانین وضع میکنند وقتی می بینند فلان قانون تولید اشکال کرد بمجلس پیشنهاد میکنند و تغییر می دهند اصلاح میکنند.

اینجا هم همینطور اگر اشکالاتی در قانون پیدا شد آن اشکال را باید بنویسند بشرط آنکه بپایان افتاده باشد و بموقع اجرا گذاشته شده باشد آنوقت بگویند فلان ماده فلان اشکال را دارد و من برای رفع این اشکال فلانجا را پیشنهاد میکنم بنده چون می دانم که اکثریت مجلس باین ماده واحد رأی خواهند داد با اینکه بنظر خودم مخالف قانون اساسی می آید خیلی ممنون خواهم شد که بهین نظامنامه مالبه ما اصلاح شود و بپایان بیفتد و من بیایم در همین جا و از وزیر مالبه تشکر کنم که با این نظام نامه مالبهها وصول شد و دخل و خرج تعدیل پیدا کرد مأمورین صالح انتخاب شده روابط ادارات بایکدیگر خوب شده آنوقت در آن نظامنامه ماده باده رأی بگیریم و قانون بشود.

رئیس - آقای سلطان العلماء موافق هستید؟
سلطان العلماء - بلی با ماده موافقم.

رئیس - بفرمایند
سلطان العلماء - بنده عرض میکنم قوانین موضوعه در عالم دو صورت پیدا می کند یکی قوانین مقدس آسمانی است که آن را ناموس شریعتش نامند

و دیگری قوانینی است که بشر وضع میکنند و ناموس طبیعتش گویند قانون مقدس الهی هم در موافقی که بمشکلات برخورد بحکم خود مقنن موقوف الاجرا می شود.

زیر الضرورات بتبع المعذرات المصطورات مثلا مرض می کنم قانون آسمانی ما بنای اسلام و دیانت اسلام را بر چند چیز می گذارد منجمله صوم است و صلوة است و حج است و جهاد در همین روزه ماه مبارک رمضان اگر مکلف باشکالاتی برخورد بحکم خود مقنن نباید عمل کند بلکه اگر روزه بگیرد معصیت کرده.

پس در قوانینی هم که بشر وضع می کند حکم موضوع آن قوانین مکلفین بآن قوانین هستند یعنی امانه و پیشکاران مالبه که در دوائر دولت و مرکز می باشند آن وقت اگر این قانون مثلا سه ماه موقوف الاجرا نماید و تشکیلاتش تجدید شود ما باید خیلی برای آنها تأسف بخوریم که مالبهات آنها خیلی شمشع مبادا خدای نخواست و منی بر آنها وارد شود از این نقطه نظر است چون هر قانونی در مالبه يك موضوع و يك نتیجه دارد موضوع قوانین خدا امان مکلفین است و نتیجه اش رسیدن بمسارح عالی و فوز بسعدت و از این قوانینی هم که بشر وضع می کند همینطور است مثلا قوانین مالبه موضوعاتی داشته که یکی از موادش راجع بامانه و پیشکاران مالبه است که در ولایات میروند بنده می خواهم يك مختصری در دخل صحبت کنم و عرض کنم در سنه ۱۳۲۵ که مجلس شورای ملی و نمایندگان آن دوره رأی دادند مالبهات را از روی جزو جمعی قدیم بگیرند اگر آنرا با سال گذشته ۱۳۲۹ مقایسه کنید خواهید دید که نصف یا قطعاً ثلث کسر شده است پس مکلفین باین تکلیف از عهد تکلیف بر نیامده اند این يك چیزی بوده که حساب داشته و آن چیزهایی که بسون حساب بوده است نه ورقه چاپی داشته نه تمبر دولتی داشته چه حالی داشته از قبیل ذابیح نوافل تعدید تریاک و غیره و غیره وقتی حساب این چیزها را مطالعه و مدافه کنیم می بینیم نصف یا یک ثلث کسر شده اما راجع بادارات و وزیر مالبه از مجلس شورای ملی نخواست است اختیارات جمع و خرجی را بپایند چیزی که خواسته همان است که در دوره سوم هم مورد مطالعه بوده و خود مقنن آن دوره می فرمودند باید این قانون بموقع اجراء برود و معایش ظاهر شود ببینیم عملی است یا خیر بعضی ها هم در آن دوره عقیده باین تشکیلات با هوش و طول نداشته ولی در اقلیت بودند حالا عرض می کنم که آیا این قانون مالبه مملکت را اصلاح و با جوگیری از خراب کاریهای مرکز و ولایات کرده این قانون بحساب مملکت را روشن کرده و با ادارات مثلا اداره خزانه داری ، اداره تطبیق حوالجات ، اداره محاسبات در عرض این پنجاه که مقنن حاضر نبود آیا کاملاً ایفاء وظیفه کرده و حقیقه در این مملکت بحسابها رسیدگی کرده اند که حالا دانستی حاصل میکنم مبادا خدای نخواست این مواد نه گانه از بین برود و مانعی شود خوب بدقت ملاحظه بفرمایید در آن دوره ما در مرکز بودیم و در همان اوقاتی که بانی کی هاتصدی بودند

بغاطر آقایان می آورم که در همین طهران درجاریه مرکز می فریاد می زند که چند رژیمان از اجزاء خزانه داری می توانیم تشکیل دهیم بعد که این قانون وضع شد اجزاء را کم کردند بهترین قوانین دنیا قانون مقدس الهی است وقتی بدست مکلف بد افتاد سوء استعمال می کنند این آقا (اشاره بوزیر مالبه) می گوید مکلفین باین قانون ایفاء بوظیفه نکرده اند من می خواهم اختیارات بگیرم و تشکیلات صحیح بدهم و آمده است این ماده واحد را پیشنهاد کرده که اختیار بگیرد و جوگیری از این هرج و مرجها بکند من نمی دانم چه مانع دارد از آنطرف اگر صحبت در اصل قانون است و می گویند مخالف قانون اساسی است من نمی دانم کجای قانون اساسی همچو چیزی هست ایجاد و نسخ قانون از وظائف اصلی مجلس شورای ملی است و اگر نباشد قوانینی که بشر برای زندگانی خود وضع می کند همیشه ثابت باشد فرانسه باید مقصد خروار قانون داشته باشد البته عمل می کنند وقتی باشکال بر خورد کردند و اصلاحاتی لازم دانستند هیئت دولت و وزیر مملکت پیشنهاد می کنند مقنن هم اگر صلاح مملکت را در نسخ و انشاء دید انشاء می کند حالا چه مانع دارد يك وزیر که همه باو اعتماد دارید و من می شنوم در بهارستان بلکه در فضای تهران همه ایران همه اظهار تشکر از او می کنند اختیار نمی دهید این شخص میگوید اختیار تشکیلات مالبه را بنده بدینا بودجه را اصلاح کنم بنده عرض می کنم مانع این کار چه چیز است بر من گردید برض اولیه بنده عرض می کنم هر قانون به معذورات بر می خورد مقنن حق دارد اصلاح کند بحکم مقنن اصلی و اولیه الضرورات بتبع المعذورات ما دینیم قبل از این تشکیلات يك تشکیلاتی بود که نسخ نموده حالا هم آقایان نمایندگان دوره سوم حاضرند به مناسبت قانون ۲۲ جو را نسخ کردند بواسطه مشکلاتی بود که پیدا شده بود مواد قانون گنای نکرده بود مکلفین بقانون کنه کار بودند این قانون هم همین طور مکلفین باین مواد هیئت مملکت را مستأصل و بریشان کرده اند مکلفین باین مواد حال مالبه مملکت را باین روز انداخته اند از دوره اول مجلس تا بهال که شانزده سال است و چهار سال مجلس داشته تا کنون مقنن فریاد زده بودجه مملکت را می خواهم و حال آنکه اگر در يك تجارتخانه دوست کروریا سید کرور سادات و واردات داشته باشد رئیس آن حساب می خواهد در ظرف چهل و هشت ساعت خیلی طول بکشد يك هفته حساب این صادرات و واردات با جزئیات کار را می دهد و این دوره هم که پنجاه است از هر مجلس شورای ملی می گذرد هر قدر کلاه و روزنامه جات فریاد می زند تعقیب می کنند بجای نرسد و پنجاه دیگر هم که بگذرد ما بجمع و خرج نخواهیم رسید در این صورت اگر يك اختیاراتی باین وزیر مالبه بدهیم که يك سروصورتی بدهد چه ضرر دارد ؟ فرضاً وقتی هم که خیلی خراب وارد بیاورند تازه مثل امروز خواهند بود

رئیس - آقایان نصیرت الدوله و محمد هاشم میرزا و آقا سید یعقوب و آقای حاج شیخ اسد الله موافقت آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده آنچه باید بگویم در موقع شور اول گفتم ولی متأسفانه از موافقین محترم بهیچوجه جواب شتولات خود را نشنیدم مثلاً آقای سلطان العلماء در موقعی که می فرمودند قوانین را بدو قسمت نمودند قوانین آسمانی و قوانین نوع بشر بنده بایشان عرض می کنم همان قوانین آسمانی تکلیف ماده واحد را معین کرده حالا تعجب خواهند فرمودند که در قرآن چه طور تکلیف ماده واحد معین شده حالا يك آیه میخوانم ملاحظه فرمایید چه طور تکلیف ماده واحد معین شده است خداوند کریم ببینیم برض می فرماید ما ننسخ من آیه او ننسهاوات بغير منها او منشا و الله علی کل شیء قدیر خداوند تبارک و تعالی ببینیم بر محترمش وقتی می خواهد يك قانونی را نسخ بفرماید بفرماید یا يك قانون مثل آن قانون از برایت می فرستم یا يك قانونی بهتر از آن قانون غرضی و مذهبی دستورش همین است هر قانونی نسخ شده یا مثل او یا بهتر از او آمده مثلاً در جهاد اول بنا بود يك نفر مسلمان در موقع جنگ از مقابل دغفر ظاهر آ فرار نکند و جهاد کند بعد خداوند تعزیه داده فرمودند الان خفف الله عنکم و علم آن فیکم ضعفاً بجهت اینکه دید مسلمانها ضعیفند دغفر در عرض يك نفر از داد و آن حکم اولی را نسخ فرمودند در این صورت مقتضی نیست يك قانونی را که ما نسخ می کنیم چیزی بجای آن نگذاریم این يك سؤالی است و قبول بعضی از آقایان آتشین هم نیست يك قانون تشکیلاتی هست حالا بصحیح یا ناقص یا غلط يك چیزی درست هست حالا می خواهم آن را نسخ کنیم اگر بترتیب قانون گذاری آسمانی و مذهبی است که دستور آزاد داده اند و همانطور که عرض کردم مثلش را وضع کنیم یا بهتر از آن را اگر ترتیب قانون گذاری مجلس و نمایندگان است آنهم که همین طور است آقایانی که قوانین اروپا را می دانند آری می توانند يك موقعی پیدا کنند که در مجلس شورای ملی يك قانونی را نسخ کرده باشند و چیزی جایش نگذاشته باشند آقای سلطان العلماء در همان مقصد خروار قوانین فرانسه يك سطر که دو مثقال وزنش باشد پیدا کنند که يك قانونی را نسخ کرده باشند و چیزی جایش نگذاشته باشند آقای سلطان العلماء در فرمایشات خودشان خرابی مالبه و تقصیرات مأمورین مالبه را بگردن قانون گذاشته اند آیا مالبه خراب است تقصیر قانون است ؟ در قانون رهوه گرفتن نوشته شده ؟ غیر قانون بهیچوجه هیچ چیزی نگفته اگر مالبهات بنده را وصول نکرده اند قانون نصیر دارد ؟

اگر درست مطابق صرفه مملکت مخارج نکرده اند قانون نصیر دارد ؟ تقصیر مأمورین قانون را روی قانون نباید گذاشت اینهم يك سؤالی است که بنده مکرر در این فضای بهارستان در روی این سکرسی خطابه کرده ام حالا باز هم خیلی شمرده و بدون حرارت از آقایان موافقین و از آقای وزیر مالبه سؤال می کنم که آیا این قانون را که ما نسخ می کنیم (نسخ نمی کنیم بلکه آنرا موقوف الاجرا می گذاریم مکن است تولید سوء فقام کند چون اول ایشان این طور فرمودند بنده هم همانطور عرض کردم باید اول بدانیم این

قانون را که ما سه ماه موقوف الاجرا گذاشتیم معایش کجا است ثانیاً در این سه ماه همانطور که آقای زنجانی فرمودند اگر خطائی در این ماده دیدند یا اشتباهی پیدا شد ترتیبات تازه پیش آمده که بر ضرر و خسارت مملکت بود آیا مسئولش رأی دهندگان باین ماده واحد هستند یا خیر ؟ و آیا يك وكيل باز حق دارد سؤال با استیضاح بکند که چرا این طور شد یا خیر ؟ ثالثاً در ظرف این سه ماه که قانون موقوف الاجرا میشود و اختیار به آقای وزیر مالبه داده میشود اگر این تشکیلات بر ضرر مملکت شد مسئولش کی است ؟ باز هم بنده بطور فرست عرض می کنم و مقدمتش را کنار میگذارم.

اولاً آنکه این قانون را که میخواهیم موقوف الاجرا بگذاریم معایش چیست ؟ دوم اینکه در ظرف این سه ماه وظیفه وكيل چیست ؟ سوم اینکه مسئولیت وزیر مالبه در تغییراتی که در این سه ماه میدهند تا چه اندازه است ؟ اگر یکی از آقایان لطفاً جواب این سؤالات بنده را بدینوشده و افغان نماینده خیلی تشکر می شوم باز هم عرض میکنم که اگر قانون بموقع اجرا گذارده نشد آن قانون مقصر نیست و دلیلی برای موقوف الاجرا بودن آن قانون نمی توان فرض کرد و اگر این اصل را در نظر بگیریم که هر قانونی بعمل اجرا نیامده آنرا باید موقوف الاجرا بفرمایید بشما عرض میکنم هیچ کدام از قوانین گذشته نیست بموقع اجرا آمده باشد یا نامش بعمل اجرا نیامده یا سه ربع در حد شاید بعمل اجرا آمده باشد پس از قانون اساسی گرفته تا سایر قوانین تماماً باید موقوف الاجرا گردد این يك فاسده و اصل غریبی است که فعلاً در مجلس اتخاذ میشود اگر این دلیل را فردا عمومیت بدهند و همانطوریکه که عرض کردم سایر قوانین را که بعمل عمل نیامده پیشنهاد بکنند موقوف الاجرا بگذاریم چه جواب خواهیم داد این يك مسئله است که اگر جوابش را از روی دقت بنده در دفع اشتباه از بنده میشود و بنده هم موافق میشوم همانطور که آقای زنجانی فرمودند در این چند روزیکه این قانون مطرح بود يك اشخاصی که هر چیز را سه تفسیر می کنند يك چیزهایی گفته اند ملت هم اینکه این مجلس شش سال از نظرها دور بود و مذاکرات مجلس را فراموش کرده اند و برای هر کدام از طرفین با مخالف یا موافق يك مقاله های عجیب و غریب نوشته اند مثلاً یکی مینویسد تا کی مخالفت البته تا وقتی که مجلس شورای ملی است اساس مخالفت و موافقت هست تا کی مخالفت تا آنوقت که اساس مشروطیت باشد بنده بیشتر بنده مخالف با وزیر دیگری مانده است اما اینجا برای همینکه يك قسمت موافق باشیم يك قسمت مخالف اگر فرض بفرمایید که وزیر یا وكيل هر کدام پیشنهادی کردند تمام بگویند صحیح است احسن این مجلس نخواهد بود اصل مجلس بترتیبی است که نظامنامه معین کرده بطور موافق و مخالف اگر يك موافقت و مخالفتی نباشد و آقای رئیس راجع يك چیز بگویند مخالفتی نیست ؟ کسی اظهار نکند آنوقت معنایش بر روزی کند و کاملاً تصفیه و تنقیح

نمی شود این است که بنده اهمیت باین صحبت ها نمی دهم و تصور می کنم چون هنوز ترتیبات مشروطیت ما نوس نشده ایم و به علاوه چون ما با آزادی مطبوعات کاملاً موافق هستیم و متأسفانه فقط آرزو و آمال است بنا بر این ترتیب روزنامهجات موافق و مخالف را می گذاریم بخیال خودشان که آنها مشغول همین کار شوند دسته مخالف دسته موافق شوند و آنقدر بگویند تا حقیقت پیدا شود ما هم در قسمت خودمان اینجا مشغول باشیم در دفعه سوم باز هم تکرار می کنیم مستعد هستیم که هر یک از نمایندگان معتمد یا آقای وزیر یا آقای معتمد که بعد از بنده این جا تشریف می آورند جواب این سوالات بنده را بدهند تا بنده تکلیف خودم را بدارم

رئیس - آقای نصرت الدوله

(اجازه)

نصرت الدوله - بنده می خواهم سنی کنیم که سوالات حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا جواب عرض کنم حالا نمی دانم بنده سوالات ایشان را درست فهمیده باشم یا خیر ولی باین اندازه که خودم از این سوالات مطلب درک کرده ام بهمان اندازه جواب می دهم: قسمت اول را که فرمودند جواب آثرانی گذارم بآقایانی که از بنده متخصن ترند که آن آیه را تعبیر میکنند شاید اگر بنده درست خاطر می باشد مقصود از آیه خود قانون گذار است و شنیده بودم که مقصود از آیه بفرمان و رسولهائی هستند که در دوره های مختلفه می آیند تا موقعی که بوجود مقدس خاتم انبیاء (ص) ختم می شود ولی در هر صورت ما حالا حرف از قانون عرفی یا قانون بشری می زنیم اینکه فرمودند آیه باشد یا نه قانون را نسخ کرد یا موقوف الاجرا گذارد بدون آنکه بجای آن قانون دیگری گذارده شود تصور می کنم اینجا محتاج سؤال و جواب نیست اگر کسی پیدا شده بود و می گفت یک قانونی را انقاع می کنیم و موقوف الاجرا می گذاریم بدون این که هیچ چیز جای آن نگذاریم البته منطقی نبود ولی بنده فرض می کنم که ماده واحد قائم قانون تشکیلات است چون مکرر در مکرر در شورای اول مذاکره شد که قانون تشکیلات عملی نیست مقصود از این ماده واحد این است که وقتی ما آن قانون را موقوف الاجرا می گذاریم یک اختیاراتی بوزیر مالیه داده شود آن وزیر یک تشکیلاتی را بطور موقت و برای تجربه بموجب نظامنامه تأسیس کند پس نمی شود گفت قانون موقوف الاجرا شده و بجای آن چیزی نگذارند پس اگر ایراد نکنند و بگویند این اختیار را نمی شود بوزیر مالیه داد موضوع دیگری است حضرت والا داخل آن موضوع نشده اند همیشه گفتند یک قانونی را موقوف الاجرا می گذارند در صورتی که چیزی بجای آن گذاشته نمی شود و حال آنکه بنده می بینم یک اختیاری بموجب تصویب خود مقنن (که خود حضرت والا هم فرمودند مقنن مختار در حذف و تغییر قانون است) یک وزیر داده میشود تا آن وزیر یک اقدامات موقت بکند و آن ترتیب هم برای اینکه یک صورت فطری و قانونی پیدا کند البته باید مجلس بپایند و در مجلس تصویب شود.

سؤال دوم اینست که فرمودند اگر بنده فراموش نکرده باشم حضرت والا سنی داشتند که بگویند خرابی مالیه از قانون نیست و از عدم اجرای قانون و از اشخاص است که مجری آن مانع هستند و مربوط بغیر قانون نیست بنده تصور می کنم که این مذاکره از طرف مخالفین و موافقین در شورای اول بقدر کفایت شده و کسی نیست منکر باشد که قسمت اعظم خرابی ها بواسطه اجراء کنندگان و اشخاص بد عمل و بدکار است اما اگر در بین تمام قوانین بگردیم و ببخواهیم ببینیم آیا یک قانونی پیدا می شود که خودش هم مقدر باشد گمان می کنم قانون تشکیلات مثل منحصراً بفرورد باشد زیرا باید دانست نتیجه قانون تشکیلات چیست و البته باید برای همین هم وضع شده باشد یعنی برای وصول و از روی کنترل و مرتب خرج شدن عایدات و آقای وزیر مالیه در شورای اول مکرر گفتند که این قانون این تصور را دارد و اینکار را بطوریکه باید نکرده اگر آقای وزیر مالیه شکایتی از این قانون دارند برای همین است که می بینند اگر بخواهند بموجب این قانون مقاصدشان را انجام دهند خود این قانون مانع و رافع خواهد بود و از طرفی نخواسته اند یک وزیر یا بنده مثل وزرای مالیه دیگر که اعتقاد قانون نداشته اند و اگر هم میخواستند خود را مقید این قانون نکنند آنطور که ما میخواستیم نمی توانستند اجرا کنند و از طرف دیگر نخواسته اند بدون معافانه و تأمل یک پیشنهاداتی بمجلس بکنند یا اینکه یک دفتری در وزارت مالیه بپایند بدون اینکه بتوانند اصلاحاتی بکنند آنها البته نه از برای مجلس خوب است نه از برای ایشان اینست که از برای اختیار از این سلسله یعنی اول ما من در وزارت مالیه بدون اینکه قادر اصلاح خرابی ها باشند دوم آوردن قوانینی بمجلس که هنوز نسبت بآنها تجربه حاصل نشده و شاید از آنها زحماتی در آیه تولید شود خواستند از این راه عمل کرده باشند و البته این ماده اگر راجع بیک قوانین کلی و بشق قوانین هم که مربوط باساس مالیه بود خود بنده هم موافقت نمی کردم ولی چون راجع بیک تشکیلاتی است در این صورت بنده تصور کردم و موافقت باین هم دارم این عقیده هستند که یک وزیر مالیه که کمال اعتقاد را بایشان دارند می شود این همراهی را بایشان کرد مسئله سوم که بهر اندازه و مسئله مشغولیت وزیر مالیه بود که حضرت والا سؤال کردند (مشغولیت وزیر مالیه بر طبق چیست) بنده درست این مطلب را مستحضر نشدم ولی خودم تشریح می کنم برای اینکه در ضمن عقیده خود را عرض رسانده باشم مقصود از مشغولیت وزیر مالیه چیست کلبه وزرای یک ملک مشروطه همیشه در مقابل مجلس شورای ملی مسئول اعمال خوب و بد خودشان هستند یعنی اگر یک عملیاتی بکنند که مخالف مصالح و منافع مملکت باشد بموجب تفریط مالیه دولت باشد مؤاخذه مجلس هر بر طبق اصول مقرر که سابقهش در تمام دول مشروطه هست و در ایران هم کم و بیش اجرا شده و سبب اصلی برای مؤاخذه دارد و

مواخذه و استیضاح و سؤال خواهد بود پس نسبت باین مطلب کلی یعنی مشغولیت و وزراء بودن و نبودن قانون تشکیلات چیزی بر مشغولیت آنها اضافه و کم نمی کند اما مشغولیت دیگری وزیر مالیه فرض کنیم که مخصوص بوزیر مالیه باشد یعنی حفظ عایدات دولت و سعی در تفریط نشدن عایدات است این مشغولیت وزیر مالیه هم در قانون تشکیلات مشخص نشده که بگوئیم اگر این قانون موقوف الاجراء بماند مشغولیت وزیر مالیه ازین می رود اگر مقصود از مشغولیت وزیر مالیه این است که فلان اداره را برداشته و فلان اداره را بجای آن گذاشته چون ما بموجب این ماده واحد و باو اختیار داده ایم آیا اگر بنده حق اعتراض داریم یا خیر بنده عرض می کنم البته وزیر مالیه مشغولیت دارد بلکه بالعکس با خواستن این ماده واحد وزیر مالیه بیشتر مشغولیت دارد و ما هم بیشتر قادر خواهیم بود که اگر ایشان اداری را که تأسیس میکنند بهتر از اولی باشد از ایشان مؤاخذه کنیم و در این صورت تمام موافقین با ماده واحد با حضرت والا و با مخالفین شریک خواهند بود که وزیر مالیه را در تحت استیضاح بیاورند و او را مشغول کنند و باید بواسطه رای دادن باین ماده واحد خود را مقید میدانند پس اگر مقصود از مشغولیت همین طریق مختلفه بود که آنچه بنظر بنده رسید در جواب عرض کردم ولی اگر چیزی دیگری باشد محتاج بتوضیح است اما نسبت بآن قسمت دیگری که اشاره فرمودند و آقای رجحانی هم در بدو نطق خودشان فرمودند این سوء تفهیمها که میشود ما هم می بینیم گاهی درست است گاهی غلط است هر کسی بعقیده خودش تفسیری میکند گاهی این تفسیر غلط میشود و گاهی درست هیچ ضرری ندارد در هر صورت همانطور که ما آزادی را برای خودمان قائلیم باید برای دیگران هم قائل باشیم

رئیس - آقای آقامیرزا سید حسن کاشانی موافقت

یا مخالف

آقای میرزا سید حسن - مخالف

رئیس - بفرمائید

آقای میرزا سید حسن - بنده آنچه از ابتداء تا بحال در باب ماده واحد مذاکره شد گوش رادم می بینم موکلین ما اجازه بمانند که ما چنین اختیاری را از خود منسوب کنیم و بدیگری بدهیم ما با شخص وزیر مالیه هیچ مخالفتی نداریم با کابینه هم هیچ مخالفتی نداریم بلکه بنده باین ماده مخالفم چرا؟ برای اینکه یک قوانینی که از مجلس شورای ملی گذشته ما می بینیم بواسطه اشخاصی که مواظبت در جریان قانون نکرده اند وضع قانون باین جا رسیده است و امیدوار بودیم آقای مصدق - السلطنه وقتی وزارت مالیه را قبول کردند این قانون را بهترین وضعی بجز این پیدا نداشتند آنرا آنچنان روز بلکه متجاوز فریب روم است که باین کابینه رای اعتماد داده شده و برای هر وزارت خانه یک کمیسیون تشکیل شده کمیسیون بودجه و کمیسیون قوانین مالیه هم است عوض اینکه صورت بودجه را زودتر بیاورند و صورت مالیاتهای عقب افتاده را بیاورند و آنوقت

بگویند اشکال وصول آنها چیست است یک ماده واحد آورده اند و در آن ذکر کرده اند که یک نظام نامه بنویسند و در مدت ۳ ماه اجرا کنند پس از آن بشکل لوایح قانونی بیاورند بمجلس پیشنهاد کنند بطور می توان یک قوانینی را که مقنن در وقت دیوول و عمر صرف آنها شده است اینطور سه ماه سه ماه موقوف الاجرا گذاشت تأیید کنیم چه می شود با کمال اعتمادی که بآقای وزیر مالیه هست باز بنده احتیاط را از دست نمی دهم و عرض می کنم شاید نتوانست اداره کند آنوقت چه خواهد شد درباره خواهیم گفت بصورت اول باشد چرا از اول چنین کاری بکنیم اگر قانون دیگری را روی کار بیاورند آنها هم بطور شاید سه ماه طول بکشد و نتوانستند بجزایران بیاورند بنده بطور اختصار عرض می کنم که آقای وزیر مالیه خوب است مشکلات قانون را ذکر کنند تا اینجا از روی بصیرت اگر باید تغییر بدهند تغییر بدهند **سر دارم مقام** - در فرمایشات نماینده محترمی که آنرا مخالفت میفرمودند با ماده واحد فقط یک یک قسمت آن قابل سوء تفاهم است چون فرمودند موکلین ما با حق نداده اند باین ماده واحد رای بدیم بنده این قسمت را درست نفهمیدم زیرا موضوع اختیار و کلا که از طرف موکلین بآنها واگذار میشود مطرح بحث میشود مطلب خیلی ساده است بنده از آقای سلیان میرزا اظهار امتنان می کنم که امروز اشکالات خودشان را خلاصه بیان کردند و تقاضای جواب نمودند و معلوم است روی چه زمینه مکانه و بحث می کنیم شاید بعضی باشند که بگویند مقنن حق ندارد یک قانونی را نسخ کند یا موقوف الاجراء بگذارد آیا با تمام مقصودشان همین بود و برای این تصور فرمودند موکلین بایشان چنین اختیاراتی را داده اند؟ بنده برای استحضار خاطر ایشان عرض می کنم که داشتن سمت نماینده کسی این حق را بنمایند میدهد یعنی هر نماینده بدون (فرماندم) بدون مراجعه بموکلین خود این حق را دارد که هر ماده از قانون را نسخ کند یا موقوف الاجرا بگذارد این یکی از حقوق مسلمه نمایندگان است مجلس شورای ملی یعنی هیئت مقنن حق ندارد هر قانونی را نسخ کند و هر قانونی را موقفاً موقوف الاجرا بگذارد و الزامی هم ندارد در عوض قانون نسخ شده قانون دیگری وضع کند مخصوصاً در قوانین عرفی می شود خرابی قوانین را نسخ کرد و هیچ چیز هم بجایش نگذاشت ملازم اینچنین قانون نیک را نسخ کردند و چیزی هم بجایش نگذاشتند کسی هم ایراد نکرد که چرا یک قانون موجود را نسخ کردیم و هیچ چیز جای آن نگذاریم این حق از برای مقنن هست که یک قانونی را نسخ کند و یک قانونی را موقوف الاجراء و هیچ چیز هم بجایش نگذارند نه قانون اساسی جاری ما را می گیرد و نه قوانین عادی هیچ چیز جلوما را نمی گیرد آقای وزیر مالیه هم ممکن بود یک لوایحی را که قبلاً در دفتر خودشان تهیه کرده اند بیاورند بمجلس شورای ملی و ما هم در آن بحث کنیم ولی اگر این کار را می کردند عمل میشد بهمان ترتیبی که در باب قوانین در این مملکت مجری است یعنی قوانین مملکت ایران از روی تجربه و فرمودات و بنده سنی خواهم کرد که بقدر قوه بیان

احتیاجات مملکتی وضع نشده فقط بواسطه امیدواری بعضی نتیجه وضع مرشده است در صورتیکه در جاهای دیگر فقط و فقط اکتفا بامیدواری نمیکنند ما در اینجا خیال می کنیم انشاء الله این قانونی که می نویسم خوب خواهد شد پس میشود برعکس نتیجه بدی بخشد در سایر جاهای و وقتی یک قانونی می نویسند احتیاجات آن مملکت را در نظر میگیرند و آنوقت می نویسند و همین ملاحظه است که در مملکت دیگر هیچوقت قانون غیر مجری نمی ماند چرا برای اینکه قانون را از روی احتیاجات عمومی تدوین و اجرا می کنند بالعکس در مملکت ما قانون برای کتابخانه نوشته می شود زیرا اگر قوانین ترجمه است حالا هم ممکن بود آقای وزیر مالیه قوانین تشکیلات مالیه فرانسه و انگلیس و سایر جاها را هم بزنند و بعد یک ترتیب منطقی از روی آنها درست کنند و پیشنهاد کنند ما هم رای می دادیم و تشریف می کردیم ولی ایشان نخواهند این کار را بکنند و خواهند برخلاف عادت ما مطابق معمول سایر جاها که مطابق احتیاجات قانون وضع می کنند عمل کرده اند احتیاجات هم فقط در موقع آرمایش می توانیم بسنجیم البته مقنن در ضمن وضع این قانون مقصودی داشته والا چندان عقیده بتفلیق الفاظ نداشته و ایشان مدعی هستند که آن مقصود عمل نایمده و می گویند این قانون تازه ماه موقوف اجراء بماند یعنی مطابق حق که داریم بین اختیاراتی بدهیم من در ظرف سه ماه یک تجربیاتی می کنم و پس از آنکه با نظریات خودم موافقت کردم آنوقت یک قانون تأیید می کنیم پیشنهاد مجلس شورای ملی می نمایم چون ایشان خودشان را باینده بقانون میدانند می گویند همینکه مجلس شورای ملی اختیار در موقوف الاجراء ممانع قانون تشکیلات مالیه را نمی داد خودش در حکم قانونست و در واقع یک قانون تازه ایست بنابراین من اکتفا می کنم بهمان اختیاری که مجلس بمن داده است و در ظرف سه ماه تجربیاتی می کنم و بعد یک قانون دیگری که بموجب یک تشکیلات مالیه باشد بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهم نمود بنده هم همانطور که عرض کردم نمی دانم در این امیدواری ایشان موافقت حاصل خواهد نمود یا خیر شاید موافقت حاصل نکنند ولی ایشان می گویند من هم می بینم با موقوف اجراء بودن این قوانین صدمه و سبک باساس حیثیات اجتماعی این مملکت وارد می شود آنوقت بنده هم در حدود اختیارات نمایندگی که دارم یک قانونی را موقوف الاجراء می گذارم و میگویم بسیار خوب من هم در در این قدم باشم همراه و سماع هم بشما مهلت بدهم خود شما اگر قادر شدید یک تشکیلاتی که در عمل هم تجربه شده ترتیب بدهید ما هم غیبی خوششان می آید والا شما باید اعتراف بفرمائید که نظرشان ساده بوده است و شانزده ساله بماند میرزا سه سال فرمودند و بنده از روی کافه نوشتم و بخود ایشان هم نشان دادم و دیدند که این سه سال عین آن سه سؤال خودشان است الا را بر سر بند ملت این قانون چیست دوم فرمودند اگر مشروطیتی در ظرف این مدت متوجه بشود باحکمی است سوم رسیدند اگر وکیل می خواهد سؤال بکند از کسی سؤال بکند این سه سؤال ایشان بود که در اینجا فرمودند و بنده سنی خواهم کرد که بقدر قوه بیان

خودم باین سه سؤال جواب دهم آقایان تشکیلات مالیه چه بوده است؟ بعقیده من قانون تشکیلات مالیه یک عیب بزرگ دارد و یک عیب کوچک عیب بزرگ قانون تشکیلات مالیه این است که آن مقصودی که این قانون برای آن نوشته شد انجام داده نشده و بعقیده من این بزرگترین عیب ما در قانونست وقتی ما در مجلس سوم که هم حضرت والا بودند و هم بنده این قانون را می نوشتم آیه مقصود داشتیم اگر ما اینست را حل کنیم آنوقت خود ایشان معترف خواهند شد باینکه آن مقصود انجام داده نشده ما در قانون تشکیلات معتقد شدیم بشخص عایدات و اداره خزانه برای اینکه تا فائز شدیم باینکه آنکسیکه باید شخص عایدات را بدهد و مالیات را معین کند خودش نباید مداخله در وصول کند این بود مقصود ما که اگر پول بدست همان اداره که مشخص عایدات است برسد ممکن است جلب منافع شخص آن اداره را وادار کند که عایدات مملکت را کمتر از آنچه هست دریافت دارد و اگر اداره تشخیص عایدات را از اداره وصول بماند تا فائز هیچ کدام صرفه خود را در تقلیل وصول و تقبیل تشخیص عایدات نمی بیند و عیب مذکور حاصل نخواهد شد این بود نظریه ویرسب اصلی که در قانون تشکیلات منظور شده بسیار خوب می بینم آیا ادارات تشخیص عایدات و محاسبات و خزانه داری و طبقه را که بآنها رجوع شده انجام داده اند یا خیر؟ بعقیده بنده خیر چون اگر انجام داده بودند در ظرف این شش سال مملکت باید دارای مالیاتهای منظم و دارای ضرورتی از مالیات دهندگان مطابق همان ترتیبی که قانون تعیین نموده با مقدار بدی شان باشد و بالاخره رولهای مالیاتی و جزو جمعهای مالیاتی منظم داشته و همیشه در مواضع معینه طبع و منتشر بشود که تمام مالیات دهندگان معین از تعبدات پیشکاران و مأمو رین مالیه باشند آیا این ترتیبات در این مملکت مراعات شده یا خیر اگر خزانه داری ما مطابق و ظایف خود عمل میکرد ما بقایای مالیاتی در محل نمی داشتیم و تفریط کاریهای کدر این مملکت معمول است ادامه پیدا نمی کرد اگر اداره محاسبات بوظایف قانونی خود عمل مینمود ما دیگر محاسبات غیروشن نمی داشتیم حالا بقین دارم که شاهزاده سلیمان میرزا خواهند گفت تمام این بی - قانونها صریح است و این ادارات وظایف لازمه خود را انجام نداده اند لیکن برای این است که قانون اجرا نشده و بقایا مدعی هستند که اگر این قانون تشکیلات مالیه اجرا شود تمام این مقاصد انجام خواهد گرفت جزو محاسبات خواهد شد بقایای وصول و عایدات مملکتی معلوم خواهد شد بلی اگر ایشان با اظهار این عقاید فوری مقام وزارت مالیه را افعال می نمودند البته بنده هم در مقابل وزیری که مدعی باشد با این قانون تمام این مقاصد را انجام خواهد داد اظهاری نمی کردم و هیچ حق نداشتم این عراض را اینجا عرض کنم اما متأسفانه وزیری که باید این قانون را اجرا نماید بواسطه همین قانون استنکاف می نماید و اختلاف نظر دارد بنده هم که یک نفر خارجی هستم می بینم و افکار این قانون این مواد را انجام نداده است زیرا در ادار

مختلفه وزرای مختلفه که روی کار بوده اند اگر يك فستشان طفاً متكر اجرائی قانون بودند باید تصدیق کرد كه قسمت دیگرشان بآن سمت متكر اجرائی قانون نبوده اند آنوقت این نظریه بمن حق می دهد كه بگویم يك قسمت از معایب در خود قانون و قسمت دیگر آن را جسد بشر و در باطن ادارات مختلفه وزارت مالیه است گمان می كنم وزارتى كه در این اداره مختلفه روی كار آمده اند يك قسمتشان شاید حقیقتاً قابل بودند كه قانون را اجرا و در این وزارت مالیه را وادار بانجام وظایف مرجعه خود نمایند ولی موفق نشدند پس بنا بر این اگر دو تئت علت در عدم اجرائی قانون است ممكن است اعتراف نمایم كه يك ثلث دیگر آن در بدنی قانون تشکیلات مالیه است و آن قسمتی كه راجع به عدم اجرائی قانون است به عدم مجلس شورای ملی یا اتخاذ اصل مجازات و مخالفت و باغوب گفتن خوب و بد گفتن بدی انشاء الله موفق اصلاح آن خواهند شد ولی باید دید كه این يك ثلث معایب را كه از بدنی قانون پیدا شده باجه میتوانیم رفع كنیم . بعقیده من موافقت با وزیر مالیه و رفع ترغص قانون در حق عملی تواند رفع این علت را بتعمیر يك بدی دیگر هم كه قانون تشکیلات مالیه دارد این است كه این تشکیلات برای این مملكت دربار است بنده بعد از تغییر بهائی كه از تماشاچی بودن حوادث پیدا نمود بعقیده ام این است كه این مملكت ادارات و عرض و طوطی و توتور و تورا نمی پسندد هر چه ادارات را در بر باشد نزدیکتر بروح و اخلاق و اختیارات این مملكت می باشد این يك حقیقتی است كه در نظر من مسلم است و شاید خیلی از آقایان مخالف این عقیده باشند و بمن نسبت اشتباه بدهند و من قبل اعتراف میکنم كه ممكن است اشتباه کرده باشم و آنچه بنظر خود درك کرده ام این است كه هر چه در این مملكت اداره ساده تر و بی شاخ و برگ تر باشد نزدیکتر به طبیعت ماست قانون تشکیلات وزارت مالیه ما بمن مقصود را انجام نمی دهد و بنده بقدر سمع خود بقای وزیر مالیه عرض می كنم كه اگر در تشکیلات تازه كه خیال دارند در وزارت مالیه بدهند باز معتقد بتكثیر شباهت و ادارات زیاد باشند و منافاه و موقبت نخواهند یافت ولی اگر در اصل سادگی را كه لازمه اش حسن جریان كار است معتقد بشوند شاید قسمت اعظم از مشکلات مالیه مملكت مرتفع شود

زاد تر تأمین می شد یا حال سابق بقایای معلی کمتر بود یا حالا یقیناً بدون هیچ گفتگو سابق بقایا خیلی کمتر بود بلکه در حكیم صفر بود ولی حالا ابتدا بقایا وصول نمیشود و این یکی از معایب قانون تشکیلات است ادارات مختلفه مثل يك ماشین میماند كه دارای چرخهای متعدد باشد و باطوری كه برای يك ماشین يك مكانسین و استاد ماهر لازم است كه آنها را بكار اندازد و مادام كه آن استاد ماهر نباشد چرخها بیک دیگر اصطكاك حاصل نموده و گیر می كند و بالتبع نتیجه تولید هرج و مرج میشود ادارات ما بمن دارای چرخهای متعددی است و مكانسین ماهر لازم است كه آنرا بكار اندازد حالا ملاحظه فرمائید آقایان قسمت از اشكال بالاجرا شدن قانون رفع میشود ؟ خیر ! قسمت اول را ممكن بود در وزیر سیرو نوسل به عدم اجرائی قانون جواب گفت لیكن این قسمت بقدری واضح و روشن است كه دیگر بعقیده من توسل به عدم اجراء قانون هم این عیب را رفع نمی نماید برعكس حالا كه این قانون اجرائی شده این است خرابی این مملكت و یقیناً اگر اجرا میشد صدر تبه خرابتر و بدتر بود این دولت راجع به بدی قانون تشکیلات بنظر من بسیار حالا اگر مخالف محترم در حدود معسرات قانون تشکیلات مالیه در همین زمینه بیاناتی بفرمایند و سعی نمایند كه وارد در کلیات معایب مملكتی نشوند (وزیر اعظم از معایب مملكت مذاكراتی کرده ام و این دواشكال بنده را رفع نمایند البته بنده هم اگر توانستم بكجوابی بایشان عرض خواهم كرد و البته كه اعتراف خواهم كرد كه قانون تشکیلات مالیه هیچگونه معایبی ندارد و بالاخره ایشان معتقد خواهند شد كه عیب در خود قانون است ! قسمت ثانوی كه ایشان سؤال فرمودند راجع به این بود كه اگر مسئولیتی در ظرف سماء متوجه شود راجع به كسب ؟ اگر چه در این موقع شاهزاده نصرت الدوله جواب خیلی کافی بیان نمودند و باوجود این بنده هم باز چند كلمه عرض میکنم مقصود از این مسئولیت راجع بكداميك از قسمتهای مالیه مملكت است مسلم است اگر راجع به حسن اداره مالیه كلیه مملكت است بموجب همین ماده واحده وزیر مالیه مسئول خواهند بود البته هر وزیر قبول و وزارت می نمایند قبول مسئولیت هم می نمایند و مخصوصاً در تشکیلات و حسن نتیجه تشکیلات وزیر مالیه در مقابل مسئول است زیرا مسئولیت نتیجه داشتن اختیار است و هیچوقت منطقی نیست كه انسان تصور يك مسئولیتی را بدون داشتن اختیار برای کسی بنماید همان وزیر مالیه كه در مدت سماء اختیار دخل و تصرف در تشکیلات وزارت مالیه را از مجلس می گیرد چون در قسمت تشکیلات دارای اختیار است همین جهت دارای مسئولیت هم هست و اما نسبت بسایر قسمت های مالیاتی ایشان مثل سایر وزراء بای نوكان مسئولیت دارند و هر چه درجه اختیارات زیادت باشد درجه مسئولیت زیادت خواهد بود و امیدوارم ایشان هم پس از ختم مذاكرات من بر نخواهند خواست و بنده را تكذیب نخواهند نمود و نخواهند فرمود من مسئول نیستم پس بعقیده بنده این اشكال مرتفع شد بنده عرض میکنم از حالا

تاسه ماه دیگر یعنی تا انتضاء مدتی كه قانون تشکیلات مالیه موقوف الاحراء و قانون تشکیلات دیگری برای اصلاحات مالیه بموقع امتحان و عمل گذارده می شود آقای وزیر مالیه بانوع ایشان مسئول هستند و از حیث تصویب ماده واحده هیچ نوع مسئولیتی از ایشان مرتفع نمیشود و اما اینکه فرمودید اگر و كجایی بخواهد سؤالی بكنند مخاطب او كی است ؟ جواب این سؤال بعقیده بنده در ضمن جواب سؤال دوم داده شده كلیتاً جواب سؤال نمایندگان متوجه شخصی است كه مسئولیت دارد و وقتی كه وزیر مالیه مسئول مالیه مملكت بشود كلیه سؤالات متوجه شخص ایشان است و ایشان مجبور خواهند بود كه جواب تمام سؤالات را بدهند ولی باید دانست كه بتصویب این ماده واحده جابوی اینگونه سؤالات گرفته می شود كه اسم فلان اداره چرا فلاطور شده یا بعد آن چرا آنقدر معین شده زیرا مقصود از تصویب این ماده این است كه این ادارات و آن ترتیباتی كه حالبه می بینیم دیگر موجود نباشد پس اگر يك وكیلی در مدت این سه ماه حق اینگونه سؤالات را نداشته باشد گمان نمی كنم سكته بعقود و كذاك وارد آید و بایك حقراز و كلا ساقط شود و لواشكه بنده عقیده دارم بكجوابی الان هم حق ندارد این قبیل سؤالات را از وزیر بنماید مداخله بك نفر و كیل در كارهای اداری اسباب اختلال كار و منافات با مسئولیت وزیر دارد علی الخصوص كه وزیر مالیه حق داشت حذف این ادارات را در موقع تقدیم بودجه درخواست بنماید پس بنا بر این حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا مثل بنده و سایر آقایان مجاز خواهند بود در صورتی كه با وجود تصویب ماده واحده رفع نواقص از وزارت مالیه شود از وزیر مالیه سؤال نمایند و وزیر هم حق استنكاف از جواب را نخواهد داشت بنابراین تصور میکنم كه این سه سؤال حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا جواب داده شد امیدوارم اگر اشكالاتی داشته اند مرتفع شده باشد .

رئیس - آقایان ملك الشعراء و عدل السلطنه پیشنهاد کرده اند مذاكرات کافی باشد .

آقای میر سید حسن كاشانی - بنده میخواهم توضیحی بدهم .

رئیس - بفرمائید .

آقای میر سید حسن كاشانی - بنده عرض نكردم موكلین ما بنا اجازه نداده اند كه يك قانونی را نسخ بنمائیم بلکه عرض كردم موكلین ما اجازه نداده اند اختیاراتی را كه داریم از خودمان سلب كنیم و در غیر حدود قانون بكسی بدهیم تا این مسئله برای سایر وزارتخانه ها سابقه شود .

رئیس - رای میکنیم بگانی بودن مذاكرات آقایانی كه مذاكرات را کافی می دانند قیام فرمایند . (اغلب قیام نمودند)

معلوم می شود مذاكرات کافی است آقای حاج شیخ اسد الله پیشنهاد نمودند كه در ماده واحده لقب آقای وزیر مالیه اضافه شود . (آقای سهام السلطان پیشنهاد مزبور و بحدود ذیل قرائت نمودند)

بنده پیشنهاد میکنم كه در ماده این قسم نوشته شود (آقای مصدق السلطنه وزیر مالیه مجاز است الى آخر) (الا حشر شیخ اسد الله)

رئیس - آقای حاج شیخ اسد الله - تصور نمی كنم آقایانی كه راجع بماده واحده موافقت کرده اند نظرشان بشخص آقای مصدق السلطنه است ممكن است حوادث كایت به اشخص وزیر مالیه را تغییر بدهد و در این صورت اگر مجلس این اختیار را برای هر وزیری تصویب کرده باشد شاید در آنجه دچار اشكال بشویم و ممكن است يك وزیری بر سر كار آید كه اكثریت مجلس موافق با دادن اختیارات بآن شخص می باشد اینست كه بنده پیشنهاد نمودم باین ماده اضافه شود كه این اختیار بشخص آقای مصدق السلطنه داده شده تا هر زمانی كه ایشان تشریف نداشته باشند وزیر مالیه دیگری این اختیار را نداشته باشد جهت این پیشنهاد بنده این بود كه در سابق اختیاراتی مجلس بشوستر داد و در آن اختیارات به تصریح شده بود این اختیار مخصوص شوستر است این بود كه بعد از او چهار مشكلات شدیم و هر خزانهداری روی كار آمد آن اختیارات را از دولت می خواست و بلكه اجراء می نمود در صورتی كه مقصود مجلس این نبود كه هر خزانهداری آن اختیارات ۲۳ جور را دارا باشد این است كه بنده لازم می دانم در این ماده اسم آقای مصدق السلطنه اضافه شود و بقین دارم بیش از این توضیح لازم نیست .

رئیس - رای کمیسیون در این خصوص چیست ؟

سردار معظم - مخبر کمیسیون قوانین مالیه گمان می كنم کمیسیون باین پیشنهاد رای ندهد زیرا این مطلب در کمیسیون مطرح شد ولی بدلیل و علی این رویه اتخاذ نشد چون ما می دانیم آقای مصدق السلطنه وزیر مالیه بود ولی با وجود این در این قبیل مسائل قانونی ما با شخص کاری نداریم كلیتاً ما این اختیار را بوزیر مالیه نموده ایم

محمد هاشم میرزا - اجازه بفرمائید .

رئیس - عضو کمیسیون نیستند .

محمد هاشم میرزا - خیر .

رئیس - راجع به پیشنهاد می خواهد مذاكره كنید .

محمد هاشم میرزا - بلی .

رئیس - بموجب نظامنامه حق ندارید .

حاج شیخ اسد الله - این پیشنهاد بنده و در آقای مخبر قبری اسباب اشكال فراهم كرد و تصور می كنم كه اگر آقای مخبر این پیشنهاد را قبول نكنند بعضی از آقایان مجبور شوند از رای دادن امتناع نمایند زیرا نظر اكثریت بشخص آقای مصدق السلطنه بود كه حالا نمی خواهم این مسئله را زیادتیر تعقیب كنم و اشكالاتی را كه از این و ممكن است تولید شود توضیح دهم . یکی از مشكلات ۲۳ جور همین مسائلی است كه الان در آن مذاكره میشود و همان قانون ۲۳ جور ما را

مجبور بوضع این قانون امروزی كرد زیرا در آن موقع كه در این جا شروع بمذاكرات شد مبارزه میکردند بعضی میخواهند اختیار خزانهدار را مطابق همان قانون ۲۳ جور تصویب نمایند و بعضی می خواستند این اختیارات را بوزیر بدهند بالاخره پس از مشاجرات زیاد این قانون وضع شد این است كه بنده عرض می كنم این اختیاراتی را كه بوزیر مالیه می دهیم بشخص آقای مصدق السلطنه است و اگر ایشان برونند بنده عقیده ندارم این اختیارات بشخص دیگری داده شود مگر اینکه يك شخص قابل وفادری باشد كه نمی تواند مالیه این مملكت را اصلاح نماید و بالاخره من مطمئن باشم اگر این پیشنهاد را قبول ننمایند ممكن است تولید اشكالاتی شود و شاید بالاخره رد شود بنده در صورت رد این پیشنهاد از ادان رای امتناع مینمایم و شاید جمعی هم باخته كه باین عقیده من همراه باشند و امتناع نمایند .

سردار معظم - اولاً تكبیه آقای حاج شیخ اسد الله بقانون ۲۳ جور می باشد در صورتی كه برعكس در آن قانون اسم شخصی برده شده بود معذرتا در تحت تأثیرات حوادث آن اختیارات بشخص دیگری داده شده علاوه عرض می كنم من كه باین پیشنهاد رای نمی دهم سوء تعبیر نشود زیرا طبعاً وقتی ما بوزیر مالیه اختیاری می دهیم لازمه اش اعتماد و اطمینان بآن شخص است این مسئله گفتگو ندارد و محتاج بیعت نیست لیكن در این موقع بنده اگر اشخاصی را حتی الامكان زیاد می دانم زیرا این مطلب از مقام رسیت و حیثیت قانون می كاهد این ماده برای چه بود ؟ در این ماده اختیاراتی برای مدت سه ماه بوزیر مالیه داده میشود و امید می رود كه نه تنها این سه ماه بلكه تا آخر دوره تقنینیه این وزیر بوزارت مالیه باقی باشد و العدله هیچ نوع علت بحرانی هم دیده نمیشود كه بآن مناسبت بشود پیش بینی كرد كه آقای وزیر مالیه كه امشب از این جا تشریف برده دو روز دیگر در خانه می نشیند و كناره گیری میکنند و در هر حال خود مجلس شورای ملی حاضر و ناظر است اگر شخص دیگری وزیر مالیه بشود كه دارای این اطمینان نباشد ممكن است تا باین مجلس این قانون را نقش و لغو كند علاوه بنده حق ندارم از جانب کمیسیون امضا یا پیشنهاد را قبول كنم زیرا بنده مخبر کمیسیون هستم امضا یا پیشنهادی كردم فقط بقایید شخص من نیست چنانچه در کمیسیون هم این مطلب مذاكره شد و اکثریت اعضا رد كردند و خود آقای وزیر مالیه هم تشریف داشته و موافقت فرموده كه این ماده باسم شخصی نوشته نشود بنده چگونه میتوانم منفرداً از طرف کمیسیون این پیشنهاد را قبول نمایم حالا اگر آقای رئیس صلاح و لازم میدانند ممكن است اجازه فرمایند در موقع تنفس کمیسیون قوانین مالیه تشكيل شود تا اگر اكثریت حاصل شد بنده بنام اكثریت این پیشنهاد را بپذیرم ولی شخصاً خود من مخالفم

رئیس - اگر تقاضای تشكيل کمیسیون مینمایند ممكن است تشكيل شود

سردار معظم - عرض كردم اگر آقای حاج شیخ اسد الله كه پیشنهاد خود را پس نمی گیرند اجازه میخواهم در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشكيل گردید .

رئیس - (خطاب با آقای سردار معظم) نتیجه مذاكرات چه شد

سردار معظم - کمیسیون با حضور پیشنهاد كننده محترم داخل بحث در پیشنهاد ایشان شد و بالاخره چون آن مقصودی را كه ایشان در نظر داشتند آن پیشنهاد تأمین نمی كرد لذا کمیسیون لازم ندانست اسم وزیر مالیه باده اضافه شود زیرا تصور نمیشد كه ایشان در مدت سه ماه غداي نخواسته بخوابند روی كار خود باقی باشند نمایندگان حاضر باشند اختیاراتی كه مطابق ماده واحده بایشان داده شده درباره آن شخص غیر معلوم موقوف الا جراء بماند باین ملاحظات بود كه کمیسیون لازم ندانست چیزی بر ماده واحده اضافه شود

رئیس - آقای حاج شیخ اسد الله (اجازه نطق)

حاج شیخ اسد الله - بلی متأسفانه کمیسیون با پیشنهاد بنده موافقت نكرد ولی بنده چون مثل سایر آقایان نمایندگان باصلاح مالیه علاقه فوق العاده دارم و اطمینان كامل دارم كه آقای مصدق السلطنه هم در این مدت سه ماه در كایت تشریف دارند و اگر هر آینه پیشنهادی را كه کرده ام تعقیب نمایم این اختلاف منجر باین بشود كه بواسطه همین پیشنهاد بعضی از آقایان از رای دادن امتناع نمایند لذا بنده آن پیشنهاد خود را مسترد می دارم تا آقایان نمایندگان بهمان رایورت کمیسیون رای بدهند و بنده چون علاقه كامل باصلاحات مالیه مملكت دارم موافقم

رئیس - باید رای بگیریم باده واحده چند نفر از آقایان نمایندگان پیشنهاد کرده اند كه اخذ رای باورده باشد . آقایان پیشنهاد كننده عبارتند از شاهزاده سلیمان میرزا - آقا میرزا طاهر تنكابنی فتح الدوله - آصف الممالك آقا میرزا ابراهیم می آقا شیخ ابراهیم زنجانی . شیخ الا سلام نماینده ملایر آقایانی كه رایورت کمیسیون را تصویب می كنند و رفته سفید و آقایانی كه تصویب نمی كنند رفته كبود

كمیسیون قوانین مالیه متعقد و این مطلب مطرح شود و بعد از امتداد بنام کمیسیون عقیده کمیسیون را نقیاً باینان اظهار كنم و اگر غیر از این باشد بنده نمیتوانم این پیشنهاد را قبول نمایم

رئیس - تشكيل کمیسیون را باید خود سر كار درخواست نمایند اگر میخواهند کمیسیون تشكيل كرد ممكن است تقاضا كنند تنفس داده شود و بعد از تنفس نتیجه را معلوم نمایند

سردار معظم - بسیار خوب بنده برای این كه نمی خواهم حتی در این مسائل جزئی هم تا آقای حاج شیخ اسد الله اختلاف نظری داشته باشم در موقعی كه ایشان بر می خیزند بنده نشسته باشم تقاضا می كنم اجازه فرمائید کمیسیون تشكيل شود و ضمناً تنفسی هم بشود

رئیس - اگر آقایان موافق باشند بیست دقیقه تنفس است

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشكيل گردید .

رئیس - (خطاب با آقای سردار معظم) نتیجه مذاكرات چه شد

سردار معظم - کمیسیون با حضور پیشنهاد كننده محترم داخل بحث در پیشنهاد ایشان شد و بالاخره چون آن مقصودی را كه ایشان در نظر داشتند آن پیشنهاد تأمین نمی كرد لذا کمیسیون لازم ندانست اسم وزیر مالیه باده اضافه شود زیرا تصور نمیشد كه ایشان در مدت سه ماه غداي نخواسته بخوابند روی كار خود باقی باشند نمایندگان حاضر باشند اختیاراتی كه مطابق ماده واحده بایشان داده شده درباره آن شخص غیر معلوم موقوف الا جراء بماند باین ملاحظات بود كه کمیسیون لازم ندانست چیزی بر ماده واحده اضافه شود

رئیس - آقای حاج شیخ اسد الله (اجازه نطق)

حاج شیخ اسد الله - بلی متأسفانه کمیسیون با پیشنهاد بنده موافقت نكرد ولی بنده چون مثل سایر آقایان نمایندگان باصلاح مالیه علاقه فوق العاده دارم و اطمینان كامل دارم كه آقای مصدق السلطنه هم در این مدت سه ماه در كایت تشریف دارند و اگر هر آینه پیشنهادی را كه کرده ام تعقیب نمایم این اختلاف منجر باین بشود كه بواسطه همین پیشنهاد بعضی از آقایان از رای دادن امتناع نمایند لذا بنده آن پیشنهاد خود را مسترد می دارم تا آقایان نمایندگان بهمان رایورت کمیسیون رای بدهند و بنده چون علاقه كامل باصلاحات مالیه مملكت دارم موافقم

رئیس - باید رای بگیریم باده واحده چند نفر از آقایان نمایندگان پیشنهاد کرده اند كه اخذ رای باورده باشد . آقایان پیشنهاد كننده عبارتند از شاهزاده سلیمان میرزا - آقا میرزا طاهر تنكابنی فتح الدوله - آصف الممالك آقا میرزا ابراهیم می آقا شیخ ابراهیم زنجانی . شیخ الا سلام نماینده ملایر آقایانی كه رایورت کمیسیون را تصویب می كنند و رفته سفید و آقایانی كه تصویب نمی كنند رفته كبود

بایستی بدهند
(در این موقع اخذ آراء بعمل آمده و آقای سهام السلطان ش.ع)
(با استخراج آراء نموده و ترتیب ذیل نتیجه حاصل گردید)
عده حضار - ۵۹ ورقه سفید علامت قبول ۴۱ ورقه سفید باقی شخص مصنف السلطه ورقه کبود ۱۴ امتیاع ۳)

اسامی قبول کنندگان

میرزا ابراهیم خان ملک آرائی - اقبال السلطان - شیخ المراقین زاده عماد السلطه طباطبائی عماد السلطه - محقق العلماء و سردار معظم مستشار الملک نسررت الدوله - صدر الاسلام - مستشار السلطه - حاج مقبول السلطه - عبدالملك - امین الشریفه - رکن الملك - آقا سید یعقوب - سردار معظم خراسانی متوجه الدوله - حاج شیخ اسدالله - محمد هاشم میرزا امیر ناصر - حائری زاده - احتشام الدوله و قاضی الملک مؤمن السلطه - سهام السلطان - نصیر دیران - بیان الدوله - سلطان العلماء - سردار معظم - آقا سید فاضل - مشیر الدوله - شیخ محمد جواد - غوث فرخان - رئیس التجار - میرزا علی کازرونی - عماد السلطه خراسانی - فهیم الملك - آقا میرزا محمد نجات ملک الشعراء بیان الملک

اسامی رد کنندگان

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - آقا شیخ الاسلام اسفهان - آقای آقا سید محمد تقی - آقا سید محمد رضای مساوات - آقای دکتر لقمان - آقا میرزا سید حسن محمد کاشانی - آقای سلیمان میرزا آقامیرزا هاشم آشتیانی - آقای شیخ الاسلام ملایری آقای آصف الملک - آقای فخر الدوله - آقای حکیم الملك - آقای میرزا طاهر تنکابنی - آقامیرزا ابراهیم قومی

رئیس - عده حضار ۵ نفر اشخاصی که راجورت کمیسیون را تصویب کرده اند چهل و یک نفر هستند بنابراین ماده واحده تصویب شد
پیشنهادهایی که جزو دستور بوده بجهت آتی به موکول می شود

فلا چند فقره سؤال هست که باید از آقایان وزراء بشود یکی سؤال آقای سلیمان میرزا است از آقای وزیر فوائد ملی و گویا قبلا مسبوقشان کرده اند

سلیمان میرزا - البته مذاکراتی را که در موقع بحث دربرو گراموسایر موافق آقایان نمایندگان اظهار فرمودند فراموش نفرموده اند چنین اظهار داشتند که وظیفه هر شخص این است که حتی الامکان تمایک شغلی را ممکن است بپایانی مجهول نمود بگری یعنی بخارجی نیایستی داد - طبیعتا است مملکت ما بالاخره بایستی یک روزی بدست ایرانی اداره شود و اگر فرضا امروز رای می دهیم متخص و مستشار برای مالیات مملکت بیاورند برای این است که اگر ایرانیها امروز برای اصلاح مالیات وسایر کارها استعداد کافی نداشته باشند باید البته دارا باشیم که هر چه زودتر روزی برسند که مامستغنی از ستمداران خارجی باشیم

و آن روز روزی است که کاملا ما بتوانیم بگوئیم از هر حیث استقلال ما کامل و انسان مستقل واقعی هستیم و تار سیدن آن روز البته برای اصلاح کارهایمان مستشار و متخص خواهیم خواست ولی این نظریه را نباید فراموش کنیم که حتی الامکان نباید اهالی مملکت خودمان را از کارهایی که بر می آیند معزوم بکنیم زیرا اگر انصافا این نظریه را نداشته باشیم دیگر هیچکس در مملکت امینوار نبوده و زحمت نمی کشد که تحصیل کند و وسایل ترفی خود را فراهم نماید چون بنده خود از اشخاص هستم که این نظریه را دارم و می گویم حتی المقدور باید سعی کرد که ایرانیان همیشه مصدر کار و شغل باشند و چون یک مسئله بنده شنیده ام که برخلاف این نظریه است و برای اینکه بدانم صحیح است یا مستقیم وجه مصاحبتی در این باب فرض شده این بوده که در صدر برآمد از آقای

وزیر فواید عامه سؤالی بکنم و آن این است که البته آقایان هم مطلع هستند که چندین نفر اروپائی بعنوان مهندس با سایر مشاغل دیگر که بنده درست جزئیاتش را نمی دانم در وزارت فواید عامه بایک حقوق های زیادی در ایام قنوت مستخدم شده اند و با اینحال یک کاری را که هر ایرانی هم می تواند اداره کند و شاید در همین طهران عده زیادی از این قبیل اشخاص داشته باشیم که بخوبی از همه اداره کردن آن کار بر آید مملکت تصمیم گرفته اند آن کار را بیک نفر اروپائی که در دوره استخدامش هم سابقه خوبی نداشته بهمند بنده اینطور شنیده ام شاید هم اساس نداشته باشد در صورتی که سابق اعدال اشخاص اروپائی هم تا اندازه ای بر همه مکشوف است شنیده ام آقای وزیر فواید عامه خیال دارند اندو را مصدر آن شغل قرار دهند و یک ایرانی بپارچه را از یک کاری که تا اندازه اهمیت دارد محروم سازند و آن کار عبارت است از طرق و شوارع که تا اکنون در دست ایرانی ها بوده است اگر چه مامهندسین اروپائی هم داریم ولی برای سرکشی آن هم خیال دارند مسبو شمس بلژیکی را معین کنند که سابقه کار ایشان بر همه بینا است

بعضی گفته و بعضی است بلی اگر بنده اسمش را عوض بگویم خود آقای وزیر اصلاح می فرمایند در صورتی که سابقه این شخص در خزانه و اوراق چندان خوب نیست نمی دانم چه میشود بکنند که از اروپا بایران می آید ذی قنون می شود اگر متخص در گمرک است چه می شود که یک مرتبه در کار دیگر متخص می شود اگر در نانوائی متخص است چطور بگریزیم معمار باشی و متخص و رئیس راه می شود من نمی دانم این ها چه عصری هستند وجه اختصاص این اشخاص داده شده که از هر شاخی بخوانند بشاخ دیگر می برند و متخص اول میشوند و ایرانی بدیقت با وجود همه تعصباتش باید بکند هوس برای نداشته باشد این است که بنده از آقای وزیر فواید عامه سؤال میکنم اگر خواهی نخواست این مطلب حقیقت دارد که بکنی اسباب بآس بنده است و اگر حقیقت ندارد توضیح بفرماید

وزیر فواید عامه - در این موضوع هنوز اقدامی نشده ولی تصور میکنم بشود
سردار معظم - تصور میفرمایند در مدت زودی اقدام بشود
وزیر فواید عامه - بلی

رئیس - یکی از آقایان سؤالی راجع بحق انتظار دارند ولی صورت سؤال امضاء ندارد
آقا سید یعقوب - متعلق به بنده است چون خط

اینطور صلاح دانسته که بسوایمتس که مستخدم وزارت مالیات است موقتاً بر ریاست راه منتخب خود تادراتیه یک قرار اساسی برای این کار داده شود و اینکه فرمودند مستخدمین خارجی دروزارت فواید عامه زیاد هستند عرض می کنم که فقط دو نفر بلژیکی و یک نفر اطریشی بیشتر نیست

سلیمان میرزا - متأسفانه معلوم شد مطالبی را که بنده بطور تردید مشتبه بودم این قدر اهمیت پیدا کرد که برای یک نفر بلژیکی که هر روز از شاخه بشاخه میرود و عیشت دولت نشسته اند و مذاکراتی کرده تصمیم گرفته اند و ایشان را بیکار منصوب نموده اند چون بنده سؤال می کنم نمی توانم زیاد تر عرض کنم خیلی خرد داری می نمایم که از حدود سؤال خارج نشوم والا و اسفا بیک مملکتی که معاوضش هم خارجی باشد با اینکه اعتراف می فرمایند دو نفر از این نوع بلژیکی در اداره دارند و یک نفر هم گویا فرمودند اطریشی سه نفر از نژاد اروپائی در اداره دارند با وجود این شغل سرکشی را هم بیک نفر ایرانی داده نمیشود و می فرمایند موقتاً باید بماند تا یک تصمیمات دیگری گرفته شود در صورتی که بنده گمان نمی کنم سرکشی راه این نژاد کار می باشد خوب بود لطفاً برای اینکه یک نفر ایرانی هم بکار برسد موقتاً این کار را بایرانی واگذار میکردند شاید از همه بر می آمد و اگر ایرانی از همه بر نمی آمد آنوقت با اروپائی که در همه کار متخص است میدادند

سردار معظم - بنده می شنیدم که دولت تصمیم گرفته است برای اداره کردن راههای شوسه مملکت مثل سایر ادارات متوسل بچلب مستخدم اروپائی بشود و منتظر این تصمیم دولت که خیلی شایان تقدیس و تقدیر است هر چه زودتر بموقع اجراء گذارده شود زیرا باید اعتراف کنیم که عمل پمانشان داد هر ایرانی سر هر کاری آمد نتوانست آن کار را اداره کند و قادر نبود موجبات حسن اداره را فراهم کند و شاید راه شوسه کل از آن کارها باشد بنده می خواستم از آقای وزیر فواید عامه سؤال کنم این تصمیم دولت در جلب متخصین اروپائی یا خارجی که البته برای محفوظ ماندن نیست اصل پروگرام باید از دول غیر همجوار باشد و آیا وزارت فواید عامه هم ابلاغ شده و آیا فوائد عامه هم برای جلب متخص و اداره کردن راه اقدامی کرده است یا خیر و اگر اقدامی نکرد آیا تصمیم گرفته است اقدامی بکند یا خیر

وزیر فواید عامه - در جلسه آتی جواب این سؤال عرض خواهد شد - چون قبلا بنده را مسبوق نکرده بودند

وزیر پست و تلگراف - در قانون اساسی چنین چیزی نیست

آقا سید یعقوب - قانون اساسی معارف و اوقاف

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

بنده می خواهم بکنم آقای آقا سید یعقوب نمودند مقصود این بود چرا اویاج قانونی را بمجلس نمیفرستند مدتی است کمیسیون معارف تشکیل شده و ما بیکاریم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - در جلسه آتی جواب این سؤال عرض خواهد شد - چون قبلا بنده را مسبوق نکرده بودند

وزیر پست و تلگراف - در قانون اساسی چنین چیزی نیست

آقا سید یعقوب - قانون اساسی معارف و اوقاف

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

بنده می خواهم بکنم آقای آقا سید یعقوب نمودند مقصود این بود چرا اویاج قانونی را بمجلس نمیفرستند مدتی است کمیسیون معارف تشکیل شده و ما بیکاریم

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

استخدام اتباع خارجه البته باید در تحت يك كك كك كك قرار دادی باشد که بمجلس بیاید و مجلس در اونظر كك و مطابق اظهارات آقای وزیر پست و تلگراف كك كك كك مسوولیت منقضی است و بر حسب يك حکمی که از طرف وزارت مشغول کار است البته وزیر حق دارد موقتاً بواسطه حفظ نظم اداره اقداماتی بعمل آورده لیکن استخدام اوباید مطابق كك كك كك باشد و مجلس هم باید آن كك كك را تصدیق كك این است که از آقای وزیر سؤال می کنم كك كك مسوولیت را آیا خیال دارند تجدید فرمایند یا خیر در صورتی که خیال دارند چرا بمجلس پیشنهاد نمی کنند

وزیر پست و تلگراف - اگر نماینده مستعمر مراجعه فرمایند بجواب سابق بنده گمان می کنم این سؤال جواب داده شده است ولی چون سؤال خود را تجدید کردند بنده هم جواب را تجدید میکنم از طرف ریاست وزراء در موقعی که كك كك كك مسوولیت منقضی شد شرحی نوشته شد که مسوولیت موقتاً مشغول کار باشد تا كك كك مشارالیه بمجلس پیشنهاد شود وزارت پست و تلگراف هم نظر بامر ریاست وزراء بمسولیت ابلاغ کرد که مشغول کار باشد برای اینکه انتظام امور از هم نیاید تا وقتی كك كك اوبمجلس تقدیم شود

رئیس - (خطاب با آقای حاج شیخ اسدالله) باز اظهاری دارید؟

حاج شیخ اسدالله - بلو زیاد تر عرض نمیکنم فقط عرض میکنم بی چاره ایرانی بنده سؤالی کردم و جواب بنده را آقای وزیر پست و تلگراف نفرمودند عرض کردم خیال تجدید كك كك دارند؟ اگر خیال دارند یکی كك كك او را تجدید خواهند کرد و بمجلس خواهند آورد

وزیر پست و تلگراف - اولاً آه و ناله که آقای حاج شیخ اسدالله میکنند بنده هیچ موردی برایش نمی بینم مثل این میماند که فقط ایشان شیر خواه ایرانی هستند و افراد وزراء که بایک مسوولیت هائی باین عظمت نشسته اند و کار میکنند دل و سر و غیر خواه ایرانی نیستند بنده کاملاً این اظهاراتشان را تکذیب میکنم اما اینکه اظهار نمودند كك كك او را تجدید خواهند کرد یا خیر عرض کردم بمجلس پیشنهاد خواهد شد اما اینکه قطعاً معین کنم در چه روز و چه ساعت پیشنهاد خواهد شد نمی توانم این کار را بکنم و گمان نمیکنم هیچ و کبلی هم از هیچ وزیری بتواند چنین سؤالی بکند این مسئله نظر بمصلح است و هر وقت وزیر صلاح بداند برای انتظام اداره اش كك كك او را بمجلس پیشنهاد كك خواهد کرد

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

این مملکت منظور نشود هیچ کاری در این مملکت امید اصلاح نیست تا در این مملکت تحصیلات و دبیر يك جوان تحصیل کرده باندازه توصیه بنده ارزش نداشته باشد آن مملکت رو بخوبی نخواهد رفت باز هم موقتاً عرض میکنم معارف در مملکت ما طرف توجه نیست و بزرگترین بدبختی ما است بدبخت معلمین بدبخت عرض اینکه وقتشان را در اطراف ابتدائی صرف کنند که بچه های شش هفت ساله را در آنجا تربیت کنند در همان آن باید در این فکر باشند حالا که مثل رفتند يك لقمه نان ندارند و جواب طلبکار را چه باید بدهد حقوق يك معلم ابتدائی شاید بیشتر از ۲ یا ۳۰ تومان نباشد

قدیم - خیر ۲۱ تومان است

سلیمان میرزا - دیگر بهتر بایست و يك تومان يك معلم یعنی يك کسی که مدتی زحمت کشیده و تحصیل کرده و می خواهم اطفال ما را طوری تربیت کنند که در آتی بهر این مملکت بخورد و محتاج با اروپائی نشویم شیخ علیه الرحمه می فرماید کسی که گرفتار ویای بند عیال است وقتی بیش غذا میبرد عبادت كك توجه ندارد حال ملاحظه فرمایند این بدبخت معلم زحمت کشیده و تحصیل کرده اولاً متأسف است چرا وقتش را صرف تحصیل کرده اگر صرف يك توصیه از بنده بگیرد مدبر يك اداره میشد این يك افسوس که برایش هست افسوس دوم اینکه حالا که معلم است و می خواهد واقعاً خدمت کند بنده شاهه حقوق ناقلش عقب بیفتد فکر کنید چه قسم وصول كك تعطیل كك عریضه بنویسد این طرف و آن طرف بدود که این بیست و یک تومان حقوق را بایدهند بایدهند معقلاً وقتی که توجه ما نسبت بمعارف اینقدر باشد حال شاگردان آن مدارس هم معلوم است همانطور که آقایان می دانید معلمین که تعطیل کرده بآنها وعده واطمینان داده شد که حقوق عقب افتاده آنها پرداخته شود در صورتی که مدارس تقریباً بیست و یک هزار تومان و کسری گویا بودجه اش باشد در صورتیکه در این مملکت اگر درست توجه فرمایند هر تار کوچکی بیست و یک هزار تومان خرج دارد شاید مهندسین وزارت فوائد عامه هم همین اندازه مخارج داشته باشند با این حال معلمین بپارچه چهارم طلب دارند و علاوه بر این برج قوس هم که در تاریخ گذشته گرفته اند و بمعلمین گویا نرسیده با يك تربیات اداری گویا از بین رفته و چهار ماه هم حقوق عقب بیفتد باید اشخاص که در خانه های مزین زندگی می کنند قدری نظر بحال این بپارچه ها بکنند که این بپارچه که از صبح تا شام با بچه سر کذب زده در خانه اش چه قسم باید زندگی كك و چهارم این جماعه حقوق نگیرد حالا مطابق سؤالی که آقای تدین فرمودند معلوم شد کمیسیون تطبیق حوالجات اشکال کرده و آقایان وزراء هم تصویب نامه صادر فرموده اند که این پول داده شود نمیدانم این هشتاد هزار و یا هشتاد هزار تومان چه وقت باین معلمین خواهد رسید عبارت

آخری سؤال بنده دارای دو مطلب است. یکی این که این حقوق عقب افتاده را تا چه وقت تصور می نمایند با آنها هم رسیدگی می نماید. این که مجدداً بنده این سؤال را بکنم و معلم بپایه باشد که آخر هر ماه حقوقش دوی میز اطافش می باشد و نباید عقب حقوقش بدو چ که فکری کرده اند ؟

وزیر معارف - بنده اولاً خیلی از آقایان نمایندگان محترم تشکر می کنم که در باب معارف سؤالاتی می کنند زیرا بر بنده مدلل میدارد که خیلی دلائل معارف هستند در باب نرسیدن حقوق معالین بنده پیش از همه کوشش دارم که هر چه زودتر حقوق آنها برسد و از وقتی که متصدی معارف شده ام به وقت این کوشش را کرده ام و تا حال هم هر یولی وزارت معارف رسیده معالین داده شده است و اگر هم عقب افتاده آقایان هم می توانند بواسطه حسرت مالیه مملکت بوده اند تاکنون باین خدمت بنده باین حقوق عقب افتاده آنها رسیده باشد و امیدوارم تا آخرین برج باز یک مبلغی با آنها داده شود و همبطور هر وقت بخزانة دولت وجهی برسد قوری گرفته و بمعالین داده می شود و امیدوارم تازه پانزده روز دیگر آذری بنده حاصل شده یعنی حقوق عقب افتاده آنها را وصول کرده و درین بار آخر طلب آنها پرداخته شود و چنان که عرض کردم فقط نرسیدن حقوق آنها بجهت حسرت مالیه مملکت بوده و نمی توانم عرض کنم آنچه روزی تمام طلب آنها با آنها داده خواهد شد ولی باین دارم تا آخر این برج با آنها پول بدهم داده خواهد شد که برای نرسیدن آسوده باشند.

و اما راجع به اینکه در خانه های مزین می نشینند و فکر نیستند اینطور نیست بنده هم در خانه خود نشینم آسود نیستم و همیشه بخیال معالین هستم راجع به برج قریب هم باین عرض کنم که حقوق آن برج معالین حیف و میل شده است اخیراً مطابق تحقیقی که در دربارین باب شده است و مطالب معلوم شده این است که در موقع پرداخت حقوق برج قوس بعضی مخارج قوری و قوری دروزارت معارف پیدا شده و بعضی و وزیر وقت آن یمن برای آن مخارج مصرف شده و ترتیب آن درجرا باید منتشر خواهد شد که عموم اهالی باشند این پول حیف و میل نشده و سافت حقوق برج قوس هم به معالین خواهد رسید راجع به جوانه هم که فرمودند کمیسیون تطبیق حوالجات در کرده و تصویب نامه صادر شد عرض نکردم تصویب نامه جدیدی صادر شده عرض کردم کمیسیون تطبیق حوالجات بنده اینده وزارت معارف چنین جوابی داده است که باید تصویب مجلس برسد ولی این بودجه مربوط بسابق بود من بآقای رئیس الوزرا عرض کردم که کمیسیون تطبیق حوالجات چنین جوابی داده در صورتی که نایبانی چنین جوابی بنده قرار شد نوشته شود که این وجه مثل سابق داده شود تا بودجه جدید مجلس تقدیم گردد و همبطور که فرمودند بودجه وزارت معارف کم است و انوس که این بودجه کم است هم خیلی بی ترتیب می رسد و معالین عوض اینکه با خیال راحت در فکر

تدریس باشند پیوسته در این خیالند که کی حقوق آنها می رسد و در باب اینکه فرمودند بودجه کی تهیه شده و مجلس خواهد آمد عمداً قریب بودجه معارف به مجلس تقدیم خواهد شد و امیدوارم آقایان نمایندگان محترم همراهی کامل بفرمایند و بودجه معارف و اینک محل نقدی حواله بفرمایند که من بعد انشاء الله نه آخر ماه بلکه اول هر ماه حقوق معالین را بدهند.

سایمان میرزا - برای آقای وزیر از عبارت بنده سوء تفاهمی تولید شده اولاً بنده عمارت ایشان را دیده ام چندان مستزین نیست و خودشان گرفتارند بنده ایشان را عرض نکردم در عمارت نه تزیین می نشینند و فکر نمی کنند خود ایشان هم معلوم هستند و البته بفکر هستند آنچه بنده گفتم راجع باشخصی است که صاحب ملاینها هستند و باز هم ماهی هزار تومان دوازده هزار تومان شهریه می گیرند و اگر هم قوری عقب بیفتد وزیر مالیه را عاجز میکنند (و حال چون در این موضوع نیخوام داخل شوم عرض نمیکنم) آنها را عرض کردم که در خانه های مزین نشسته و هیچ فکر نمیکنند و این شهریه های زیاد را مالیه فقیر این مملکت می گیرند همانطور که چند شب قبل هم عرض کردم مجلس نباید این شهریه ها را به آنها بدهد و اگر بنده استعزیت داشتم معالین الان روی تمام آن شهریه ها را یک خط می کشیدم (شاید الان هم اکثریت بامن همراه باشد) که آن آقایان مایلند که بخواهی از عهده مخارج خودشان برمی آیند دست از گریبان این مالیه فقیر مملکت بردارند اینهم یک حمله مفرقه بود و آقای وزیر تصور نکنند که ایشان گفتم آن اشخاصی باید به نشینند و فکر کنند اما راجع به حقوق معالین بنده اول امیدوار شدم که هیئت وزراء جداً تصمیم گرفته اند این حقوق عقب افتاده را بدهند حال آنقدری نزدیک فرمودند امیدوارم با جدیتی که ایشان و تمام نمایندگان در امر معارف دارند بیشتر سعی کنند که هر چه زودتر حقوق آنها داده شود چون موضوع و موضوع سؤال است و بیشتر نمی توانم عرض کنم بهیچتر عرض میکنم خوب است آن فرمایشی که حضرت رسول ص فرمودند اول اولیاء امور در باره خودشان مجری دارند یعنی خودشان خرمانفورند بعد بدیگری بگویند نفرد سه چهارماه خودشان حقوق بگیرند بعد بمعالین بگویند نگیر

وزیر معارف - البته نادینار آخر حقوق معالین پرداخته خواهد شد و خود شاهزاده محترم هم میبوی هستند که بنده نهایت جدیت را دارم که هر چه زودتر حقوق آنها برسد در باب خرمانم همبطور است که فرمودند به بنده هم چندین ماه است نه از حقوق معالین و نه از غیر آن چیزی رسیده است

رئیس - سؤالات تمام تمام شد مجلس ختم می شود جلسه آنروز سه شنبه ساعت شش و پنج و دستور هم بقیه دستور امروز خواهد بود

جلسه ۴۱

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه بیست و سوم عقرب هزار و سیصد و هشتاد و پنج ربیع الاول ۱۳۳۰

مجلس نیم ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید.

صورت مجلس یوم شنبه بیستم عقرب را آقای تدین قرائت نمودند.

رئیس - آقای میرزا سید حسن کاشانی (اجازه)

میرزا سید حسن کاشانی - آقای جلیل الملک چند روز است مریض پستری هستند در صورت مجلس غایب بدون اجازه نوشته اند.

رئیس - با اجازه نوشته خواهد شد آقای حاج شیخ اسدالله

حاج شیخ اسدالله - شاهزاده شهاب الدوله وزیر پست و تلگراف در جواب بنده یک فرمایشی فرمودند غیر از این بود که در صورت مجلس نوشته شده و چون برخلاف وظیفه و خارج از نزاکت فرمودند باید باید همین عبارت ایشان نوشته شود و اظهار فرمودند که کثرت مسیوم و تلیر اهر وقت دولت دلت می خواهد به مجلس خواهد آورد و نباید همانطور که فرمودند نوشته شود.

رئیس - می فرمایند چون خارج از نزاکت بود همانطور نوشته شود

حاج شیخ اسدالله - بلی معض این عرض میکنم همین اظهاریکه فرمودند نوشته شود که معلوم شود نظریات یک نفر وزیر در مقابل مجلس چه بوده چه نظریاتی داشتند و در صورت مجلس همانطور نوشته شود که بماند.

محمد هاشم میرزا - بانه قدس **حاج شیخ اسدالله** - بلی بلی با

رئیس - خیلی خوب همبطور نوشته میشود غیر از این اعتراضی هست.

(اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تهریب شد دستور امروز سه فقره پیشنهاد است.

اول - راجع برسدگی مالیات دوره فترت است که در آن خصوص در جلسه گذشته مذاکرات تمام نشد پیشنهادی شده بود از طرف پانزده نفر از نمایندگان که طبع و توزیع شده و مفاد آن این بود که آن پیشنهاد اولی پرو به کمیسیون متکرات یا به کمیسیون دیگری و بعد به مجلس باید بقیه مذاکرات در باب این پیشنهاد دومی است. آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - حالا چون موقع مذاکرات است بنده در این پیشنهاد عرضی دارم اجازه می فرمایند.

رئیس - در پیشنهاد دومی **آقا سید یعقوب** - بلی در موضوع پیشنهاد

دومی است.

رئیس - موضوع بحث همان پیشنهاد دومی است بفرمایند.

آقا سید یعقوب - چون بنده کمتر در زمانجات معالی را می خوانم این است که بعضی مطالب در روزنامهجات نوشته شده و برخلاف حقیقت بعضی چیزها را به بنده نسبت دادند تا چارم در این جا دفاع از خودم بکنم تا در این محبت بهارستان رفیع سوء تفاهم ها که نسبت به بنده پیدا شده بشود و همه کس بدانند و حتی اهالی انصی بلاد ایران هم بدانند که در دوره فترت نه زمامدار بوده ام نه حاکم نه قائم جمعیت بوده ام نه لیدر جماعت بوده ام و عقاید من خیلی ساده است و گفته ام امروز بایستی عملی بکنیم و در وسعادت ملت یک قدمی برداریم در صورتیکه مامی شتویم در این بل رودخانه شور دزد هست هیچ توجه با رعیت اطراف نمیکنیم عقاید و افکار خود را متوجه بدوره فترت می سازیم اگر نظر باین مسئله است که بدوره فترت باید رجوع شود اولاً بنده عرض می کنم باید خود را متوجه بآن چیزهایی کنیم که ملت بواسطه آنها گرفتار است و بطور عملی وجدی قدم برداریم.

ثانیاً سه نفر از نمایندگان محترم که پیشنهاد این بود که چون فعلاً ما نمی توانیم این موضوع را در مقام عمل بگذاریم و کارهای زیادی داریم و علاوه در دوره های فترت هر کس مطابق میل خود نظامنامه هائی ایجاد و عمل میکند از قبیل زاندارمری و نظمی و غیره باید وزراء را بخواهیم و از آنها سؤالات بکنیم و خود را متوجه بآنها نورو و این نظامنامه هائی را که پیش خود نوشته اند تحت نظر فراردهیم تا مشی مامشی عملی بشود و همه مردم بدانند که ما مشی عملی میکنیم و رو بسعادت مملکت قدم بر میداریم تا این همه تلکرافات شکایت قطع شود و بدانند مجلس قدم برای اصلاحات بر میدارد مجدداً میگویم باید مشی عملی کرده باید رسیدگی کرد باشخصی که خدمت کردند یا داری بدهند و اشخاصی که خیانت کردند (خدا یا نمی توانم بگویم خیانت کردند چون نمی دانم) اگر خلاف وظیفه رفتار کردند و خدمت نکردند هر طور مجلس شورای ملی صلاح می داند در نظر دارد یک قانونی وضع کند که از روی دقت رسیدگی و احقاق حق بشود.

حال در روزنامهجات یک چیزهایی به بنده نسبت می دهند که بکنی قیرو واقع و حقیقت است بنده با کمال میل آرزو مند و از خدا بخوام یک روزی برسد که یک نماینده باید پشت تریبون و بگوید این مجلس برای چه در سنه ۱۳۳۴ تعطیل شد و بعد از آن تعطیل قدم بقدم و دوره بدوره تعقیب بکنند چون تمام این دوره ها مثل رشته زنجیر بهم پیوسته است سیزده نفر در دوره فترت رئیس الوزرا بودند و عملیاتی کردند بکدست هم قائمین ملت و اللهای ملت بودند که ملت را باین روز نشانده اند البته باید رسیدگی شود عرض کردم این دوره ها مثل رشته زنجیر بهم متصل است.

از آن روزی که مجلس تعطیل شده و بنای مهاجرت شده است و بدینخی مثل سبل به ایران رو آورده است تمام ماها مطلع هستیم از همان روز باید شروع کنیم معلوم است بعضی از آن امور اضطراری و برخی اجباری بوده است باید کمیسیونی تعیین شود که دوره بدوره بعد از انقصال مجلس مرتباً شروع برسدگی کند.

مثلاً دوره کودتا از اثر کابینه سابق بود تمام مثل زنجیر بهم وصل است بنده یک نفر متذنی بودم که همیشه فریاد می زدم باید دست ظالم را از گریبان مظلوم قطع نمایند حالا هم همین را عرض می کنم بنده دستی در روزنامهجات ندارم دوندگی هم ندارم فقط نظرم این بوده است که حقایق آشکار شود حال که اکثریت مجلس حکومت دارد و رأی می دهد که باید رسیدگی بعملیات زمامداران دوره فترت بشود باید از همان روز بدینخی ملت یعنی از همان روز استبداد مجلس شروع نمایند.

رئیس - آقای مستشار السلطنه مخالف هستید **مستشار السلطنه** - در این موضوع عرضی نداشتم در موضوع فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله عرض داشتم که در صورت مجلس تصویب شد و گذشت فعلاً عرضی ندارم.

رئیس - آقای آقا سید فاضل موافق هستید ؟

آقا سید فاضل - بلی بنده با پیشنهاد پانزده نفری موافق هستم.

رئیس - آقای نصرت الدوله مخالفید ؟ **نصرت الدوله** - با پیشنهاد بنده مخالفم ولی هنوز موافقی حرف نزده است آقای آقا سید یعقوب هم بارسیدگی موافق بودند.

رئیس - ایشان هم جزو امضاء کنندگان هستند.

نصرت الدوله - خوب است یک موافق حرف بزنند بعد بنده عرض خودم را عرض کنم بنده اجازه خود را معفوظ نگاه میدارم.

رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - بنده یکی از افراد پانزده نفری هستم که در موضوع رسیدگی بعملیات دوره فترت پیشنهاد کردند بکمیسیون متکرات یا بکمیسیون دیگری که مجلس تصویب میکند مراجعه بشود که طرز و طریق رسیدگی را پیش بینی نماید و مجلس پیشنهاد کند و در تشریح و توضیح این پیشنهاد مجبورم بعضی هراض را بر عرض آقایان برسانم.

من جرب الجوب حالت به التمامه این قضیه رسیدگی بشود فترت یکی از آمال قطعی الانجام علاقه مندان باین مملکت است (گفتند صحیح است) بنده گمان نمی کنم یک نفر در این مملکت پیدا شود که ادنی حسی داشته باشد و بارسیدگی بعملیات دوره فترت موافق نباشد حالا دائره این عملیات چه باشد و از کجا شروع کنیم از مبتای اول و تانی و ثالث و هم جرایخیر بعملیات یک دسته از آنها این مطلب را لازم است

کمیسیون توضیح بدهد.

بنده عرض می کنم تمام امیدواری ملت ایران این است که بعملیات دوره فترت رسیدگی شود که اینک در دنیای متقدم هم اگر یک موقعی تعطیل از برای مجلس ملی آنها واقع شود وقتی که مجلس تشکیل می شود فوراً هیئت وزراء امعالی که در موقع فترت مجلس اتفاق افتاده است بر عرض مجلس میرسانند ولی بدینخانه این پیشنهادی که بنده و چهارده نفر دیگر از نمایندگان محترم امضاء کرده ایم در خارج طور دیگر جلوه گر شد و در خارج چنین تصور کردند که ما پانزده نفر طرفدار رسیدگی نیستیم غافل از اینکه ماها از فرط علاقه مندی باین رسیدگی خواسته ایم با یک اساس واضح و آشکاری و با مطالعه و رویه و فکر صائب و بایک طریقه خیلی مشهور لا اطرافی که در اطراف افکار بشود که چطور رسیدگی بشود و که رسیدگی بکنند مباشر اوکی باشد و ترتیب چطور باشد و رسیدگی بشود همانطور که عرض کردم باید باعمال تمام اشخاص که متصدی بودند رسیدگی بشود بجهت اینکه معلوم است این رسیدگی حقیقتاً عبرت میشود برای خادم و خائن زیرا در این دوره فترت اشخاص خادم و خائن بسیار است وقتی که رسیدگی شد اشخاصی که خدمت نکرده اند معلوم می شود اگر چه معانی الفاظ در محبت ایران از بین رفته است و الفاظ در معانی خودش استعمال نمیشود با اشخاصی هستند که می گویند خدمت نکردند و وقتی رسیدگی شود معلوم میشود چه خدماتی کردند در آن صورت باید تشویق شوند و خدای نخواسته اگر اشخاصی پیدا شدند که خدمت نکرده بودند مجازات شوند اساس اصلاح مملکت بر روی همین رسیدگی است خلاصه بنده جداً طرفدار رسیدگی هستم و در عین حال عقیده دارم که موافق پیشنهادی که کرده ایم مجلس هر طور صلاح میداند اگر بنا نظام نامه موافقت می کند به کمیسیون متکرات و الا به کمیسیون دیگری رجوع شود که آن کمیسیون طرز و ترتیب رسیدگی و اینکه چه اشخاصی رسیدگی کنند معلوم نماید چون در خارج بعضی ها اشکال دارند که آیا مباشر این رسیدگی ممکن است اشخاصی باشند که در زمان فترت متصدی بوده اند یا خیر.

در اینصورت اگر این کمیسیون را مجلس تصویب کرده باید بفروری تشکیل شده و با دقت زیاد شروع نماید و چون یکی از اود پیشنهاد اول راجع به مالیه ای است بقیه راجع باجارات و اشجارات و معاملات و غیره است مثلاً راجع به مالیه در دوره فترت رسیدگی شود تقریباً چهارصد و بیست یا سی کرور می شود در دوره سوم نباشد به عملیات مرار در رسیدگی شود و کورانه گفتند یکصد و پانزده کرور مرار در دست و دست و کردند که باید برای بدیم کمیسیونی تشکیل شود و رسیدگی کند کمیسیونی هم تشکیل شد ولی بعد نه نامردی پیدا شد و حسابی و نواز کمیسیون خبری شد من باب اینکه دودنمه مبتلا بقضیه مرار در شوم عرض کردم (من جرب المعرب حالت به التمامه) که عقیده بنده این است که قبلاً کمیسیونی تشکیل شود و این پیشنهاد آقایان محترم آنجا برود و مطالعه کامل بکنند طرز و کیفیت رسیدگی

واشخاص صلاحیت دار را تعیین نمایند و به مجلس پیشنهاد کنند آنوقت هرچه مجلس رأی داد مطاع است

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - آقای آقا سید فاضل در ضمن دفاعی که از پیشنهاد خود فرمودند در قسمت اصل موضوع اظهار موافقت فرمودند روز قبل هم در این باب مذاکرات زیاد شد فقط اختلاف نظری که موجود است در طرز رسیدگی است در آن پیشنهاد اول یک طریقی برای رسیدگی گذاشته یعنی عنوان کمیسیون انتخاب همه اعضای کمیسیون حتی صلاحیت آن کمیسیون تمام اینها ذکر شد ولی باید دانست چرا آقایان موافقت نمیکنند

باین دلیل که میگویند بیشتر در اطراف این قضیه باید رسیدگی و مطالعه نموده و میگویند با معیوض ماندن آن اصل باید قبلاً این مطالعات در یک کمیسیونی بعمل آید حالا قبل از آنکه بنده جواب ایشان را در این باب عرض کنم میخواهم متذکر شوم که در اطراف مذاکراتی که در مجلس می شود متأسفانه یک حرف هائی زده می شود و یک انتشاراتی در خارج داده میشود حتی یک تعریفاتی می شود که حقیقتاً جای تعجب است چون بدینخانه یک ترتیب مرتبی امروز نیست برای اینکه نقاط و کلاً بطبع برسد و سندیت داشته باشد و مردم بدانند که در مجلس و کلاً چه گفته اند این است که در خارج هر کسی هر لاطیایی و هر بی معنایی که می خواهد می نویسد و هر چه هر کس بخواهد می بندد که فلان و کیل در کرسی خطابۀ فلان حرف را زده در صورتیکه بکلی برخلاف حقیقت است در این صورت باید بود کلاً وقت خود را صرف معاجره و مشاجره با ارباب جرائد و اشخاصی که در خارج مجلسی تشکیل می دهند و حرف میزنند بتوانند یا باید ساکت باشند سکوت هم که موجب رضا و تصدیق است حقیقتاً اسباب آساف است بنده در یکی از جرائد امروز چیزهای دیدم نوشته شده بود که در مجلس بنده نه هیچکس نه مخالف نه موافق بهیچ وجه من الوجوه آن مطالب را نگفته است یک مذاکره که در اطراف یک مسئله میشود وقتی یک کلمه اش را تعریف کنند بکسی معانی دیگر می دهد در خارج هر چه می خواهند می گویند ولی تعجب در این است که شاید در بین خودمان هم در همین زمینه یک سوء تفاهد شده است و آن این است که بعضی تصور کردند نظر پیشنهاد کنندگان (که بنده یکی از آنها هستم) این بوده است کمیسیونی که مجلس تشکیل می کند محکمه است و اعضای آن قاضی هستند و یک اشخاص مقصر بالا اول متهمی هستند باید باینطور مقابل این اشخاص توضیحات بدهند و اعضا کمیسیون آنها را معاکه کنند حتی بنده یک نفر را دیدم که می گفت شهود را چطور باید گذراند هیچ است نظر بنده که یکی از پیشنهاد کنندگان بودم این بود که همانطور که آقای آقا سید فاضل فرمودند در تمام نقاط دنیا این قضیه از وظایف اولیه هر دولتی است که وقتی مجلس تشکیل می شود (و اول یک مدت کمی هم

مجلس تعطیل باشد) در به شروع بکار یک رایورتی از عملیات زمان هب مجلس مجلس می دهد که مجلس نمایندگان مسبق باشند و بداند آنوقت اگر کارهایی که شده است خوب است مجلس بآنها موافقت می کند و تصویب میکنند در دوره فترت هم کارهایی که اتفاق افتاده ممکن است بعضی از آنها هم خیلی خوب باشد ولی از نقطه نظر قانونی و مجاری قانونی قانونیت نداشته باشد حالا اگر یک مسائلی باشد که موقتی بوده هیچ ولی اگر مسائلی باشد که اثراتش باقی می ماند برای اینکه صورت قانونی پیدا کند محتاج تصویب و تصدیق مجلس است و اگر هم بخواهد که باید در مجلس نقض و الغاء شود مقصود ما این بود کمیسیونی تشکیل میشود در این عملیات و اتفاقات از روی کتاب و دوسیه و توضیحات بدون احتیاج بهیچ توضیحی و تدقیقی مسائل را مطالعه نموده و برای اطلاع و کلاً رایورت دهد و بعد از مراجعه اگر آقایان نمایندگان بعضی مسائل را لازم می دانند نقض شود نقض می کنند و اگر مصادف شد با یک عملیاتی که محتاج به تحقیقات دیگری باشد البته محتاج یک تصمیمات دیگری خواهد بود امروز شاهزاده سلیمان میرزا قبل از اینکه جلسه تشکیل شود در طی همین مسئله بنده را متذکر فرمودند که آقایانی که این اظهارات را می کنند قانون را مطالعه نفرمودند چون زمامداران اغلب وزراء هستند و محاکمه وزراء را قانون اساسی پیش بینی کرده و معاکه آن ها در محکمه نمی باید بود مخالف این راهم کسی نمیتواند حرف بزند علاوه بر این قانون اساسی پیش بینی کرده که باید محاکمه آنها بر طبق یک قانون خاصی باشد آن قانون هم که هنوز مثل قانون هیئت متصفه از مجلس نگذاشته است پس اگر این پیشنهاد را دقت می کردند تصدیق می کردند که از نظر پیشنهاد کنندگان کمیسیون صورت محکمه و قضاوت نداشته حالا باین توضیحات در صورتیکه همه آقایان با اصل قضیه رسیدگی و تهیه و تقدیم رایورت مجلس موافقت دارند بنده در طرز و کیفیاتش عرضی ندارم تصور می کنم دو نفر دیگر از پیشنهاد کنندگان مستتر هم باین موافق باشند مثلاً بعضی ها میگویند چرا از آخر شروع شود باید از اول شروع شود بسیار خوب از اول شروع شود یا اینکه بعضی ها میگویند باید همه اعضایش شش نفر باشد ماسرفی نداریم دوازده نفر یا شش نفر باشد هیچ فرق نمی کند حالا که بخواهند کمیسیونی تشکیل دهند که بیشتر در این پیشنهاد مطالعه کنند و بعد عواد آن روضه و مفصلتر بمجلس بیاورند بنده یک نفر بقتل سهم خود مخالفتی ندارم ولی می دانم مذاکراتی که شده اغلب بواسطه یک سوء تفاهاتی بوده و خود این مذاکرات تولید یک رشته مذاکرات دیگری می کند که موافق با افکار هیچیک از نمایندگان نیست و تصور می کنم که هر قدر مسئله ساده تر مذاکره بشود بهتر است

رئیس - آقای زنجانی موافقت یا مخالف

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - بنده با پیشنهاد

پانزده موافقت
رئیس - بفرمائید

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - اگر چه بنده از امضاء کنندگان این پیشنهاد نیستم ولی همینکه مطلب اینجای رسیده و جریان پیدا کرد دلیل است بر اینکه پیشنهاد ناقص است و بنظر بنده (اگر جرات نباشد این پیشنهاد قدری بدون مطالعه و تأمل نوشته شده است این امر امر خیلی مهمی است از حیث اینکه به چه رسیدگی بشود بکار چه اشخاص رسیدگی بکنند چه اشخاص رسیدگی بنمایند نتیجه رسیدگی

چه باشد مثلاً رسیدگی را نمیتوان محدود کرد به عملیات وزراء زیرا یک وزیر تواند عامه که دو ماه وزارت کرده است باید بکار اورد رسیدگی بکنیم ولی یک حاکمی که چهار پنج سال در یک ایالتی حکومت کرده است رسیدگی نکنیم • بکار یک مأمور مالیه که پنجاه هزار تومان جیب و میل کرده رسیدگی نکنیم • اما عملیات یک وزیر معارف که دو روز وزارت کرده است رسیدگی کنیم • به علاوه رسیدگی عبارت است از معاکه و مجلس زیادی بر تقویت حق ندارد از این بیاناتی که امروز شنیده در دست مسبق نبود مثلاً یک مسئله این است که بعملیات اشخاصی که در حاکم بوده اند رسیدگی بشود کسانی که کار خیر کرده اند مکانات و آلهائی که عمل شر کرده اند مجازات شوند ولی عملیاتی که راجع بمجلس بوده است و باید به مجلس بیاید از قبیل معاهده قرارداد این قضیه دیگری است و باید رایورت خاصی نسبت باین مطالب بدهند آنوقت هرگاه مجلس بخواهد میکند میخواهد او را تصویب و یا رد میکند دیگر اینکه چه اشخاصی باید رسیدگی بکنند البته اشخاصی که داخل عملیات بودند نمی توانند رسیدگی میکنند مسئله خیلی مشکل و مبهم است و اگر داخل در کار بشوند معلوم خواهد شد کار شش ساله یک مینکنی در چنان موقع منقوش که چنگ بریا بوده ایالتی بعد از ایالتی و حکومتی بعد از حکومتی و وزیر بعد از وزیر فقط رایورت دادن آن چند سال وقت لازم دارد مثلاً وقتی بکار یک نفر رسیدگی میکنیم محتاج میشویم بایستاد آذربایجان رجوع کنیم تا ترتیب مطلب بدست آید • چه اشخاصی باید رسیدگی کنند - از همان مشوب نشود که شاید یک عده را ضعی نیستند باعمال گذشته رسیدگی شود این توضیح نمیخواهند بنده کلیه میگویم چه کلاه چه عمام مردم همه رسیدگی معتقد هستند البته باید تمام کارها رسیدگی کرد و خیانت کار را مجازات داد اینها جای بحث نیست بنده عرض میکنم این کار خیلی کار مهمی است و اهمیت دارد و باید در این کار دقت بشود عرض کردم این کار بی تأمل واقع شده جسارت کردم لکن این کار شعب مغتفره دارد فرض کنید همین پیشنهاد اینجاری دادیم و دوازده نفر را انتخاب کردیم بروند بعملیات وزراء رسیدگی میکنند آنوقت اگر تقویت کردند و گفتند چندین نفر باید معاکه بشوند - باید بدیوان تمیز ارجاع کنند قانونی نیست که تمیز معاکه کند آنوقت باید قانونی وضع کنند و دست محکمه تمیز را باز کنند و اگر فرضاً تمیز هم رسیدگی کرد اگر بعضی رایورتها برسد که فلانی باید مجازات شود اگر مجازات

نشود سوء اثر می بخشد آقایان اگر یکی از وزراء حاضر را ارجاع بدیوان تمیز بکنید دیوان تمیز نمی تواند معاکه کند زیرا رویه نیست - قانونی وضع نشده • اگر رسیدگی و تقویت هم شد و رایورت هم دادند آنوقت بدون معاکه میباید بدون معاکه هم نمیتوانیم بگوئیم فلان آقا خوب است باید است زیرا خواهد گفت کی مرا معاکه کردید - پس باید معاکه کامل کرد و بمجلس رایورت داد با رایورت معین نمیشود نیک و بد کی است باید معاکه شود والا مردم بطور کلی در این دوره فترت دانسته اند که عملیات خوب کرده است و کی عملیات بد کرده است اگر چه در این مملکت کسی خوب باید باشد اثری ندارد بنده مقصودم این است که این کار خوبی است و باید یک هیئتی معین شود و آن هیئت ترتیب صحیحی برای این کار بدهند بعد بعملیات نیک و بد اشخاص رسیدگی کنند و آن جرائداتی که واقع شده است بمجلس رایورت بدهند والا اگر پیشنهاد اولی در مجلس رأی داده شود و بروند بکمیسیون بی نتیجه میشود و خوب نیست یعنی خوب است یک هیئتی قبلاً این مسئله را صحیح و مرتب نموده بعد شروع بعمل نمایند •

سردار معظم - واقعا کم مانده است بنده

پیشمان بشوم که چرا این پیشنهاد را کردم بجهت اینکه نه تنها سوء تفاهد در خارج مجلس است بلکه آقایان نمایندگان هم قبول زحمت نفرمودند که یک قدری در اطراف این پیشنهاد مطالعه فرمایند آقای زنجانی فرمودند این پیشنهاد بدون مطالعه شده است و حال آنکه بنده امیدواری داشتم یک نماینده که در ادوار مختلفه در مجلس بوده است ما بین یک هیئت تقنینیه و یک هیئت قضائیه را تفکیک بفرمایند یک روز آقای آقا سید فاضل به مقرب چاره گذر دور دور چه او صدمه بوده حرفی زد اگر در خارج چیزهای عجیب و غریب گفته میشود دیگر ما بین خودمان چرا باید یک چیزهایی بگوئیم که در خارج از حدود مطالعات و عقاید خودمان باشد مطلب چیست مطلب خیلی مانده است مجلس سوم بسته شد تعطیل شد در جهت چه حوادث تولید شد کار ندارم میباید بود کار ندارم تقصیر با کی است اینها از موضوع ما خارج است ولی بای خود کنایه مرگ سیاست و یک جانی که زندگانی مل و امور اجتماعی را منظم میکند تعطیل شد یا باید بگوئیم زندگانی ملی ما باید موقوف الاجرا باشد تا وقتی که یک مجلس دیگری پیدا شود و اگر این حرف را بزنیم خیلی غیر منطقی است زیرا زندگانی یک ملت بازنده ملیونی یا بیست و پنج گروهی یا سی گروهی مثل ملت ایران یا یک ملت دیگر فرق نمیکند سیر خود را میکنند زیرا زندگانی هم احتیاجات دارد آن احتیاجات را اگر از مجاری قانونی تأمین نکنیم البته از مجاری غیر مشروع تأمین خواهیم کرد این گفتگو ندارد شش سال هم دوره فترت طول کشیده در این شش سال حکومتی مختلفه پیدا شده • همه در تحت تأثیر عوامل مختلفه بوده اند حکومتها بجهتیکه میدانم و کدام مرکز بعملیات آنها شکل قانونی پیدا بمجلس شورای

ملی که نبود طبعاً یک کارهایی هم شده است که فقط از طایف مجلس شورای ملی بوده و مادام که بتصویب مجلس شورای ملی برسد برخلاف قانون غیر مشروع است وضعیت حکومتی که آمده اند مختلف بوده حالا باید چه کرد باید تقنین کنند انگشت بانگشت بدهند که مادر دوره سوم خوب مجلس را بهم زدیم که هر حکومتی هم که بعد میباید مطابق سلبه خود را یا برای منافع شخصی خودش تصدیقاتی در امور ملی اتخاذ کند بهر حال هر طور که اسمش را بگذارید در گذشته تصدیقاتی برای زندگی گانی مسائل ایران اعمال نمودند و کم کم این اقدامات جمع شده حالا ما پیشنهاد می کنیم که آقایان باینده و بعملیات دوره فترت رسیدگی کنیم نمی گوئیم با افراد هم رسیدگی کنید و در وزیر را پای معاکه بیاورید آنقدری را که من در نظر داشته ام این بوده که بیائیم اعمال گذشته را منظم کنیم این قسمت را من بیشتر در نظر داشتم تا رسیدگی بعملیات و محاکمه یک اشخاصی معین مقصود من از این پیشنهاد منظم کردن عملیات دوره فترت است و آوردن آنها در تحت اصول قانونی حکومتی مختلفه که روی کار آمده اند در زندگانی سیاسی و اجتماعی این مملکت یک آثاری گذاشته اند این آثار را می خواهید بشناسید یا خیر شاید بعضی بگویند گذشته گذشته است باید ارجاع بوفایع اقتصادی و سیاسی گذشته ایران چشمهای خود را روی هم گذارده و تأمل و فراموش کنیم و بعضیها ممکن است بگویند فعل فعل است واقعه را باید شناخت و جرأت نزدیک شدن بواقعه را باید پیدا کرد مقصود ما از این پیشنهاد رسیدگی بعملیات دوره فترت بوده البته در ضمن رسیدگی بعملیات فقراً و اشخاص هم بر می خوریم وقتی افعال بد را می بینیم اشخاصی هم که افعال بد کرده اند می شناسیم البته بعد از آن غاصبین را هم باید معاکه کنیم اما طرز رسیدگی و معاکه و مجازاتهای مختلفه که بطور باید مجازات بشوند و درجه بدکاری آنها در سیاست مملکت چقدر بوده است • این مرحله دوم است حالا این مطلب باید سادگی را بعضی تغییر نمیکند چنانچه می کند بعضی تغییر بهیئت متصفه معاکه • بالاخره مذاکراتی که می شود نه پیشنهاد کنندگان در نظر داشته اند نه کسان دیگر ما نمی خواهیم والی یا حاکم را معاکه کنیم یا بحساب امین مالیه رسیدگی کنیم که شما می فرمائید دوسال کمیسیون متعیر خواهد بود و نخواهد توانست چه بکنند خیر کمیسیون هیچ حیران نخواهد ساخت تشکیل کمیسیون هم واضح و روشن است باعمال دوره فترت رسیدگی می کند بمجلس رایورت می دهد مجلس هم آنها را که موافق با مصالح مملکت است تصویب می کند و بشکل قانونی در می آوردند و آنها را که با منافع مملکت موافقت ندارد رد خواهد کرد اشکالی ندارد و لازم باینده گفتگو نیست حال بالاخره با وجود سادگی مطلب نه تنها در خارج سوء تفاهد می شود بلکه در مجلس شورای ملی هم گفته میشود این محکمه محکمه قضاوت است آنوقت قائل می شود باین که اعضاء محکمه باید دارای چه شرایطی باشند آیا

آقایان دقت فرموده اند که کلیه هیچکس نمی تواند برای افراد نمایندگان شرطی تعیین کند و بگوید فلان نماینده می تواند شرکت در فلان کار بکند و فلان نماینده نمی تواند این شرط را بمجلس شورای ملی هم نمی تواند برقرار کند زیرا که همه و کیل هستند و هر کس که کرسی خطابۀ را اشغال می کند با دیگران حقوق مساوی دارد و با سویه می تواند در تمام ترتیبات مجلس شورای ملی شرکت کند هیچ پیشنهاد هیچ مذاکره هیچ قیام و قعودی هم قادر نیست از حقوق یک نفر بقدر سرسوزن بکاهد • این حرفها یعنی چه • همه دارای یک حق هستند • این کمیسیون را که پیشنهاد کردیم مگر گفتیم شما بکمیسیون اختیارات نامه بدهید خیر • ما گفتیم دوازده نفر تعیین شوند و دوره بدوره رسیدگی می کنند حال میل دارید از اول شروع کنند یا از آخر فرقی نمی کند ولی دوره بدوره هر چه شده است باید رایتش بمجلس بیاید • حال عرض می کنم برای کوتاه کردن مذاکرات باید یک ترتیبی که بگوئیم خورد بعضی از نمایندگان میباید پیشنهاد بکنند موافق ولی با این قسمت پیشنهاد که ارجاع بکمیسیون مبتکرات بشود بنده مخالفم برای اینکه این پیشنهاد طرح قانونی نیست که بکمیسیون مبتکرات رجوع شود و نظامنامه داخلی هم این قسمت پیشنهاد پانزده نفری را رد می کند بنابراین بنده هم معتقد هستم که بکمیسیون خاصی رجوع شده و نظامنامه داخلی هم این قسمت پیشنهاد پانزده نفری را رد می کند بنابراین بنده هم معتقد هستم که بکمیسیون خاصی رجوع شود ولی اگر آن کمیسیون هم بدون شرکت پیشنهاد کنندگان اول مطالعه در طرین اجرای این پیشنهاد بکنند باز مخالفم ولی باین پیشنهاد ثالثی که شده یک کمیسیون شش نفری از طرف مجلس شورای ملی معین شده و سه نفر پیشنهاد کنندگان هم ضمیمه شده و ترتیبی برای رسیدگی بعملیات دوره فترت بدهند و رایت آنرا مقصودش روی کاغذ آورده بمجلس شورای ملی تقدیم نمایند موافق و اینهم برای رفع سوء تفاهد دای داخل و خارج هست • چون می بینم مطلب خیلی ساده است ولی دارای یک شاخ و برگهایی شده که بکلی از موضوع خارج است • حال اگر آن پیشنهاد شده است خوب است قرائت شود و بنده و شاهزاده سلیمان میرزا و نصرت الدوله هم با آن موافقت خواهیم کرد والا اگر مراد این باشد که یک کمیسیون مستقلی برای مطالعه در پیشنهاد ما انتخاب شده ما مخالف خواهیم بود •

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده در زمینه نظریات خود یک پیشنهاد تقدیم کردم اگر آقای رئیس صلاح بدانند قرائت شود در جلسه قبل هم نظریات خود را عرض کردم حال هم باین ترتیب پیشنهادی کردم آقای سردار معظم هم که میفرمایند ما مساعدت می کنیم - آقای آقا سید فاضل و آن آقایانی هم سخته پیشنهاد دوم را امضاء و تقسیم کرده بودند موافقت باینجهت بنده احتیاجی باین همه مذاکره نمی بینم • حرارت هم لازم ندارد پیشنهاد کردم که کمیسیونی مرکب از شش نفر معین شود با سه نفر آقایان مطالعه نموده زمینه عملیات آن کمیسیون را که بعد انتخاب میشود

روشن و صاف کند چون اول باید بینم رسیدگی به عملیات چه اشخاصی باید بشود فقط رسیدگی به عملیات اشخاص درجه اول است یا توسعه باید داد و نسبت به درجات دوم و سوم هم باید رسیدگی کرد؟ رسیدگی به جنبه سیاست است یا رسیدگی بیک سلسله عملیات دیگر هم لازم است؟ مثل رسیدگی به حسابات و جوهی که در مدت فترت دولتهای وقت به صارف رسانده اند و هم چنین نسبت به خلاف قانونهایی که شده است به عقیده بنده باید آنها را هم رسیدگی بکنند و به عملیات اشخاصی هم که در این مدت داخلی و سیاست بوده است بفرماید همه اینها باید رسیدگی و واضح شده نسبت به نتیجه هم که باید مجلس همین گفت ممکن است نظریات فرق کند.

زیرا اگر مقصود رسیدگی به عملیات وزراء و زعمایان باشد آنوقت به عقیده بنده بکدام از آقایان وزراء که در مجلس هستند حق انتخاب شدن در آن کمیسیون را ندارند و اگر مقصود رسیدگی نسبت به عملیات مستخدمین دولت باشد همه از آنها فعلاً در مجلس هستند و آنها هم از انتخاب شدن محروم می شوند اینها یک چیزهایی است باید قبلاً معلوم بشود و بهر حال بنده عرض می کنم می کنم و خواهش دارم آقای سردار معظم هم حرارت خود را کم کند.

سردار معظم - بنده حرارتی ندارم ولی حق دفاع از پیشنهاد خود را دارم.

حاج شیخ اسدالله - خوب اگر هم حق دارید بعد از عرایض بنده بفرمائید بلی عرض کردم به عقیده بنده ممکن است نظریات در زمینه انتخاب اعضاء تغییر کند.

آقای سردار معظم می فرمایند از هیچ حق نمی توان نمایندگان را محروم کرد بنده باین فرمایش ایشان مغالطه زیرا این اشخاص یعنی کسانی که نامدار دوره فترت بوده اند یا داخل کار بوده اند نباید برای رسیدگی به عملیات خودشان برگزیده شوند زیرا این مسئله خلاف هر فلسفه و عقلی است.

کسی که متصدی امری بوده حق رسیدگی به عملیات خود را نداشته و هیچ وقت نخواهد توانست درباره خود قضاوت کند این است که عرض می کنم باید در این پیشنهاد در آن کمیسیون مذاکره شده و زمینه روشن تر شده به مجلس پیشنهاد کند آنوقت معلوم خواهد شد چه اشخاصی باید انتخاب شوند.

رئیس - آقای مستشار السلطه مخالفند؟
مستشار السلطه - بلی بنده با بیانات آقای حاج شیخ اسدالله مغالطه دارم بلکه ایشان کراتی در مجلس شورای ملی می شود که می خواهند بدانند خازم صکی بوده و خائن کیست کی خدمتورگی خیانت کرده است یا یکی لایق بوده یا لایق نبودن است این توافق نظر بین تمام و کلا و ملت ایران هست و این اختلافات نظری که فلاندر مجلس حکم فرماست سوء اثراتی خواهد داشت و در خارج تصور خواهند کرد که در مجلس ما این نمایندگان اشخاصی هستند که نمی خواهند برده از اعمال برداشته و حجاب او را بریده خود بنده عرایض منصفانه از این بود ولی می ترسم که از عرایض

بنده هم بعضی پیشنهاد های جدید زائیده شود زیرا می بینم چندین پیشنهاد جدید التولیه پیدا شده است این است که بنده منتظر هستم پیشنهاد اخیر آقایان در تحت مطالعه و شور و در آمده آنوقت در این زمینه بنده عرایض خود را عرض خواهم کرد.

قلندین - بنده فرمایش اخیر آقای مستشار السلطه را که فرمودند پیشنهاد میزاید نسبت به هم خودم تنقید می کنم ایشان باید به خودی بدانند که در مجلس پیشنهاد کردن آزاد است و قابل تنقید نیست همانطور که در جلسه گذشته عرض کردم الان هم تکرار می کنم بنده کاملاً با اجرای آن پیشنهاد اولیه موافق هستم و هیچ تردید و شک می کنم برای بنده موجود نیست ولی مقصود بنده اساساً این است که طوری بشود که این پیشنهاد موقع اجرا گذارده شود که فقط این مسئله حرف و برای دلخوشی نباشد که ملت ایران بگوید در مجلس حرفی زده شد بنده معتقدم پیشنهادی که در مجلس شورای ملی میشود و آقایان نمایندگان محترم هم با اجرای او تصمیم می گیرند باید طوری باشد که موافقت حصول نتیجه بیش بینی شده باشد و نتیجه هم بدست آید ما باز در تقریباً توافق نظر پیشنهاد کردیم که این پیشنهاد بکمیسیون مبتکرات یا یک کمیسیون دیگری که تشخص آن با خود مجلس خواهد بود ارجاع شود تا در آنجا مشاوری و تبادل نظر شود و باز زمینه پخته تری به مجلس تقدیم شده و بعد مجلس رأی خود را نسبت به اجرای آن بدهد و اطراف مسئله هم حرفهای زیاد زده شده است و امشب هم بعضی مذاکرات در اینجا باشد که بنده ناچارم اشاره بآنجا بکنم. اولاً شاهزاده نصرت الدوله می فرمایند اعضاء کمیسیون مزبور قاضی نیستند و نمیخواهند محاکمه کنند تا این که ما نسبت به آنها مخالفتی داشته باشیم بنده هم قبول دارم و عرض نکردم قاضی هستند مفتش هستند بنده عرض میکنم و عقیده دارم اعم از این که این کمیسیون بخواهد مستقیماً رسیدگی کند یا اینکه تفحیش کند بایستی آن اشخاصی که داخل آن کمیسیون می شوند اشخاصی باشند که خودشان در این قضایا مدعی علیه نباشند بنده در صورتی که فرض کنیم در دوره فترت وزیر بوده ام بهیچوجه نمیتوانم مفتش شده رسیدگی بعمل خودم یا غیر خودم بکنم اما این که رسیدگی به عملیات خودم نمی توانم و دلش حتی است به جهت اینکه بنده هر قدر هم با وجدان و صحیح العمل باشم چون مدعی علیه هستم حرفم در باره خودم مسدود نخواهد بود اما راجع به رسیدگی عمل دیگری اینجا آن اعتراض عمومی که مسئله نان بهم قرض دادن باشد داراست بهیچ چیزی هم جلوگیری نمی شود کرد این حرف اساسی است و ببرد هم نمیشود گفت نزدیک بنابر این هر حرفی نسبت به بقایای بزرگ نسبت به منتهی هم می شود زد و در نتیجه هر تفتیش هم که مفتش میکنند باید نتیجه اش به مجلس بیاید و بعد از آنکه راپورت آن به مجلس آمد آیا مجلس شورای ملی ترتیب اثر بآن خواهد داد یا خیر؟

اگر ترتیب اثر ندهد البته این حرفها هست و اگر بخواهد ترتیب اثر بدهد در صورتی که رعایت بعضی شرایط نسبت به مفتش بشود باز یکی هست این

ما باید تازه قانونی وضع کنیم که حاکی این مطلب باشد و از امروز باید مجلس شورای ملی که البته علاقمند باین مسئله است این دو قانون را باید قانونیکه شامل مطالب این دواصل متمم قانون اساسی باشد تهیه کند و الا صراحتاً عرض میکنم که مسئله مسئولیت وزراء در مملکت ما صورت خارجی و معنی ندارد

حرفها عود کنند.

پس بنابر این بنده بدون اینکه از تراکت خارج شوم عرض میکنم باید اشخاصی که انتخاب میکنند بطور کلی اشخاصی باشند که هیچ سوء فاهمی در اطراف آنها نباشد.

دیگر اینکه شاهزاده نصرت الدوله در ضمن فرمایشات خودشان اشاره کردند باینکه شاهزاده سلیمان میرزا راجع به مسئولیت وزراء و محاکمه وزراء با ایشان مذاکره کردند.

بنده از ابتداء افتتاح مجلس مواردی را در نظر داشتم که اگر مقتضی شود بعضی حرفها بزنم و حال چون اشاره باین قسمت شد به عملیات دوره فترت هم مربوط است لازم است خاطر آقایان محترم را متوجه و جلب بیک اصل مهم بکنم که به عقیده بنده آن مقدم بر همه حرفها است و تا کنونی از بند مشروطیت تا حال طرف توجه واقع نشده است و آن اینست که در دو اصل از اصول قانون اساسی یعنی متمم قانون اساسی تصریح شده و الان برای استحضار آقایان قرائت میکنم و بعد در آن زمینه بطور اختصار بعضی عرایض خواهم کرد.

آن دو اصل راجع به تعیین درجه مسئولیت وزراء و محاکمه آنها است و مکرر در بعضی از جا های قانون اساسی اشاره شده است که وزراء مسئول مجلسین هستند و نمایندگان ملت می توانند وزراء را در محاکمه آورند و محاکمه آنها هم بدین عالی توین ارجاع می شود و علاوه بر همه مردم هم متوجه این مسئله هستند که هیچ وزیر مسئول مجلس است اما درجه و حدود مسئولیت و اگر اتفاقاً تقصیری بکند طریق مجازات آنها معلوم نیست.

اصل شصت و ششم از متمم قانون اساسی میگوید «مسئولیت وزراء و سیاستی را که راجع بآنها میشود قانون معین خواهد کرد» بنده از دوره های سابق سابقه ندارم و نمی دانم همچو قانونی وضع شده یا نه اما آنچه بنده اطلاع دارم این است که همچو قانونی تا حال وضع نشده.

اصل هفتم از متمم قانون اساسی اینست «تعیین تقصیر و مجازات وارده بر وزراء در موقعی که مورد اتهام مجلس شورای ملی یا مجلس سنا شوند و یا در امور اداره خود دچار اتهامات شخص مدعیان گردند منوط بقانون مخصوصی خواهد بود» تعیین تقصیر و مجازات وارده بوزرا موقعی که مورد اتهام بشوند و یا در امور دیگر که مسئولیت آن با وزراء است هیچ معلوم نیست که موافق کدام قانون آقایان وزراء را محاکمه میکنند موافق کدام ماده تقصیرات آنها معین می شود و موافق کدام مورد باید آنان را مجازات کرد.

ما باید تازه قانونی وضع کنیم که حاکی این مطلب باشد و از امروز باید مجلس شورای ملی که البته علاقمند باین مسئله است این دو قانون را باید قانونیکه شامل مطالب این دواصل متمم قانون اساسی باشد تهیه کند و الا صراحتاً عرض میکنم که مسئله مسئولیت وزراء در مملکت ما صورت خارجی و معنی ندارد

و تمام لفظ و حرف است.

قانون اساسی می گوید وزراء مسئول هستند بنویسند باید قانون را بوزرا داد تا آنها اجرا کنند. حالا اگر اجرا نکردند مجازات آنها چیست؟ در حکم این مسئله معین شده؟

پس از جمله چیزهایی که لازم است و برای امروز ضرور خواهد خورد همین است که مجلس باید قانون آنرا تهیه کند و مادام که این قانون وضع نشود مسئولیت وزراء معنی ندارد دیگر اینکه آقای سردار معظم فرمودند برای اعضاء مجلس نمی توان شرط معین کرد.

صحیح است البته نمایندگان همه مساوی هستند ولی در بعضی از امور ممکن است مرجعیت خارجی ایجاد شود که بواسطه آن دلایل یا خردشان استتکاف از ورود بکمیسیون نمایند یا صلاح نباشد و این مسئله هم به مقام و کات برخواهد خورد و یک موضوعی است خارج از موضوع و کالت.

(گفته شد صحیح است)

چون این پیشنهادیکه باز در نفر آنرا اعضاء کرده اند شامل دو قسمت بود و پیشنهاد کردیم بودیم که باز ارجاع شود بکمیسیون مبتکرات یا یک کمیسیون دیگر حالا که پیشنهاد شده است کمیسیون دیگری معین شود که با سه نفر آقایان پیشنهاد کنندگان اولی در این خصوص مطالعه نمایند بنده هم موافق آن پیشنهاد هستم اکثر آقایان دیگر هم موافق باشند مذاکرات ختم شود.

رئیس - راجع به پیشنهاد دوم یعنی پیشنهاد هفتاد و نهمی در جلسه گذشته خیلی مذاکره شد از اول این جلسه هم تا حال مذاکرات شد گمان میکنم دیگر مذاکرات در این باب کافی است. آقایان مذاکرات را کافی نمی دانند؟

(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - باید اول به پیشنهاد هفتاد و نهمی رأی بگیریم ولی فعلاً دو فقره پیشنهاد رسیده است آنها هم قرائت میشود و بعد باین پیشنهاد رأی میگیریم. این دو پیشنهاد تقریباً مقدارش یکی است.

پیشنهاد ۱۰۰ فقری با این فقره پیشنهاد در حالیه تفاوتش اینست که پیشنهاد اولی اصل مطلب را بکمیسیون رسیدگی به عملیات دوره فترت است تصدیق نمیکند ولی این دو فقره پیشنهاد اصل مطلب را تصدیق میکنند ولی برای تعیین کیفیت رسیدگی امر را مراجعه به کمیسیون میکنند.

حال این دو پیشنهاد خوانده میشود بعد رأی گرفته میشود.

(آقای تدین در پیشنهاد را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

مقام منبر ریاست مجلس شورای ملی برای حصول توافق نظر در کیفیت عملی نمودن پیشنهاد رسیدگی به مجازات ادوار فترت ما ماضی کنندگان ذیل پیشنهاد می نمایم کمیسیون مرکب از شش نفر انتخاب شود که منطبق با سه نفر آقایان پیشنهاد کنندگان در طرق عملی نمودن اصل پیشنهاد که متفق علیه است مذاکرات نموده نتیجه نظریات خود

را بمجلس شورای ملی تقدیم دارند.
غضنفرخان - شیخ المرآتین زاده - سید فاضل کاشانی تدین - عبدالله مستند السلطه.

بنده پیشنهاد میکنم که پیشنهاد آقایان نمایندگان رجوع بکمیسیون شود مرکب از شش نفر که مجلس آنها را انتخاب می نماید که این شش نفر با سه نفر آقایان پیشنهاد کنندگان ترتیب رسیدگی و توسعه عملیات و متعین کنند که مجلس باید انتخاب نماید تمام را پیش بینی و مرتب نموده و بمجلس پیشنهاد نمایند تا مجلس با اکثریت و زمینه روشنی رأی بدهد حاج شیخ اسدالله مجلسی.

آقا سید فاضل - اجازه میفرمائید؟
رئیس - مذاکرات را آقایان کافی دانستند پس رأی میگیریم که مذاکرات راجع به پیشنهاد هفتاد و نهمی کافی است یا خیر؟ آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - در پیشنهاد یازده فقری دو دفعه باید رأی بگیریم. یک مرتبه که برود بکمیسیون مبتکرات اگر در شد باید رأی گرفته شود که بکمیسیون دیگری ارجاع شده اگر بکمیسیون دیگری ارجاع شد در پیشنهادی که حالا شد رأی میگیریم اول رأی میگیریم که پیشنهاد آقایان سردار معظم و شاهزاده سلیمان میرزا و شاهزاده نصرت الدوله بطوریکه در پیشنهاد یازده فقری ذکر شده برود بکمیسیون مبتکرات. آقایان بیکه تصویب می فرمایند قیام نمایند.

(عده قابلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - رأی میگیریم بکمیسیون دیگری ارجاع شود. آقایان بیکه تصویب می فرمایند این پیشنهاد بکمیسیون دیگری که بعد انتخاب خواهد شد برود قیام فرمایند.

(عده قابلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. راجع به پیشنهاد دوم که دو فقره است یکی پیشنهاد پنج فقری بود که آقای حاج شیخ اسدالله هم آن پیشنهاد را قبول نمودند اگر مخالفی نیست باید رأی گرفته شود.

مسئولان - بنده در اصل پیشنهاد موافق بودم که باید رسیدگی به عملیات زمامداران دوره فترت بشود ولی یک توضیحی آقای سردار معظم در ضمن بیانات خود فرمودند که معنی را تغییر داد فرمودند تنظیم عملیات دوره فترت اگر اینطور باشد بنده رأی نمیدهم و اگر مقصود رسیدگی باشد رأی بدهم.

سردار معظم - بنده گویا مطلب را بداد کردم ترتیبی در مملکت داده شده است اینها را باید فراموش کرد و نزدیکشان رفت یا باید تنظیم کرد و رسیدگی نمود.

عرض کردم در ضمن رسیدگی به عملیات با شخصی برخواهم خورد که عملیاتی از خوب و بد در سیاست مملکت نمودند اگر خوب است باید از آنها قدرشانی نمود. اگر بد است البته آنها را بیکه کار بد کرده اند کارهایشان بطور بد تلقی خواهد شد منتهی عرض کردم این کمیسیون محکمه و مدعی العموم نیست بلکه یک

هیئت تقنینیه است که وظیفه اش رسیدگی به عملیات زمام داران دوره فترت است که باید رسیدگی نموده و عملیات گذشته تنظیم شد.

رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)
آقا سید فاضل - بنده عرض می کنم پیشنهاد اخیر که حالا می خواهد مورد توجه واقع شده و در آن رأی گرفته شود. با آن پیشنهاد باز در نفری توافق قطعی دارد. مطلب متفق علیه همه است و قابل انکار هم نیست. نهایت از کثرت وقت خواستم طوری باشد که همه گونه تبادل افکار و اطراف آن بشود تا با رویه مطلوبی راپورت آن صادر و بمجلس پیشنهاد بشود و مجلس هر طور صلاح بداند عمل کند بالاخره بنده معتقدم آن پیشنهادی که اخیراً قسمتی از آن رد شد باین دو پیشنهاد موافق بود و اگر قصوری شده است در عبارت شده است.

رئیس - تماش رده پیشنهاد دوم مرتبه قرائت میشود و رأی میگیریم.

آقای تدین مجدداً پیشنهاد فوق الذکر را قرائت نمودند.

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد که الان قرائت شده آقایانی که تصویب می فرمایند قیام نمایند.

(جمعی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد چند دقیقه تنفس است بعد پیشنهاد دومی آقایان موضوع بحث خواهد شد در این موقع آقایان برای تنفس خارج و پس از نیم ساعت مجدداً جلسه تشکیل گردید.

رئیس - پیشنهاد آقایان سردار معظم و نصرت الدوله راجع به بودجه موضوع بحث است آقای سردار معظم اجازه

سردار معظم - آیا بنده اجازه دارم از پیشنهاد خود دفاع کنم؟

رئیس - البته چون پیشنهاد کردید بایست توضیح دهید.
(آقای تدین پیشنهاد را بر روی میز قرائت نمودند)

نظر باینکه توجه در اصلاح مالیه مملکت چهار نقطه نظر تهیه وجبات آسایش عمومی از جهت بکسب کردن و متناسب نمودن مالیاتهای موجوده وجه از جهت تبدیل جمع و خرج و جلوگیری از تفریط آن و ایجاد بودجه ثابت مملکتی از وظایف خاص مجلس شورای ملی است و کمی وقت و تر است که امور و اصلاحات لازم اجازه نمیدهند که در انتظار لایحه و قوانین مربوطه بماند مذکور مجلس شورای ملی اقدامی نمیدانند این پیشنهاد می شود

۱ - مجلس شورای ملی بکمیسیون بودجه خود اجازه میدهد که با مشارکت دولت بودجه های جمع و خرج را تهیه بکند و بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید.

۲ - مجلس شورای ملی بکمیسیون قوانین مالیه خود اجازه میدهد که با مشارکت دولت در داخل مطالعه در اوضاع مالیاتی و عوارض موجوده عملی شده نتیجه مطالعات خود را با اصلاحات لازم راپورت بمجلس تقدیم

دارد پیشنهاد کننده سردار معظم — تیمور تاش —

فیروز *

رئیس — آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب — بنده از آقای سردار معظم می خواهم استفسار کنم معلوم است کمیسیون بودجه باید به هیئت دولت تأکید نماید که هر چه زودتر بودجه را به مجلس بفرستد و هم چنین کمیسیون بودجه در ادارات دولت نظر گرفته ملاحظه کنند که معارج ادارات دولت چقدر است و از همان وقتیکه اعضای کمیسیون معین میشود این وظیفه آنها خواهد بود ولی مجلس اجازه دهد که کمیسیون بودجه با دولت در تهیه بودجه همشارکت کند اگر مقصود از مشارکت این است که بودجه را از دولت بخواهد البته دولت باید هر چه زودتر چنانچه عرض کردم بودجه را تهیه و کمیسیون بودجه ارسال دارد و اگر قصد از مشارکت این است که در ادارات دولت نظر کند و ملاحظه سرچ ادارات دولت را بنده تهیه می کنم بد از آنکه دولت بودجه را فرستاده نظریه خود را اتخاذ کرد ولی اگر مقصود چیز دیگر است که بودجه باید بدو از طرف دولت تهیه شده ولی تصویب آن از خصائص مجلس است و عقیده بنده این است که به دولت تأکید شود هر چه زودتر بودجه را به مجلس بفرستد نه اینکه با دولت مشارکت داشته باشد زیرا بنده از انظار مشارکت چیزی نمی فهمم

سردار معظم — البته وظایف عادی

کمیسیون بوده مجلس شورای ملی معین است بلی ما کارهای فوری داشتیم مینظر که آقای آقا سید یعقوب فرمودند تأکید می کردیم نه شما بنده بلکه هر یک از آقایان نمایندگانی لازم بود بدولت تأکید فرمایند که هر چه زودتر بودجه تقدیم مجلس شده و پس از آنکه دولت بودجه را مطابق صلاح خود تهیه کرد و مجلس شورای ملی پیشنهاد بود از مجرای مجلس شورای ملی بکمیسیون بودجه مراجعه میشود که او هم مطالعه کرده و رایورت بنده این قسمت را البته خود

بنده هم متوجه بودم ولی بنده اینطور عقیده دارم که اگر مجلس شورای ملی اجازه بکمیسیون بودجه خود بنده قدری از امراض ظواهر خارج شده و در ظاهر قانون بودت نمایم بالاخره میگویم بدی سبب طرف اولین اصلاح مملکت بردارد هیچ اشکالی نخواهد داشت بنده ما میدانیم یکی از اصلاحات فوری تهیه بودجه است و تا وقتی که این مملکت بودجه نداشته باشد و تا وقتی که جمع و خرج بود را معین نکرده و در تحت اصول معین نیاورد تا وقتی که احتیاجات روزانه خود را باعث مشقات سیاسی اخلاقی اجتماعی است رفع نکند یکقدم نمیتواند بطرف اصلاحات بردارد و اول قدم جدی تهیه بودجه است حالا اگر امر دال شده باینکه ما فقط بر طبق مراد نظامنامه اکتفا کنیم و در مجلس عانی بدولت یادآوری کرده بگوئیم آقای رئیس الوزرا آقای وزیر مالیه زودتر بودجه را تهیه نمایند مملکت بودجه لازم ندارد البته دولت هم یک جواب مقتضی بنا خواهد داد و ما هم خیال میکنیم وظیفه خود را انجام داده ایم پس بهتر این است که قمری عملی تر شده از حدود ظواهر

نظامنامه داخلی تجاوز نایم این است که بنده تقاضا کردم مجلس شورای ملی بکمیسیون بودجه خود اجازه دهد با دولت در تهیه بودجه مساعدت نماید یعنی کمیسیون بودجه این حق را داشته باشد و وزیر مالیه خواهش کند بکمیسیون بودجه آمده و با ایشان داخل مذاکره شده اصول معین در باب تهیه بودجه اتخاذ نماید که بودجه را بطور کلی یا جزء بجزء بهر طور صلاح بدانند تعیین نمایند و بدیهی است تمام این مطالب قابل بحث و مذاکره است و کمیسیون بودجه بالتجربه محتاج خواهد شد در مسائل مزبوره تصمیمی اتخاذ کرده و مجلس شورای ملی را بوقت بدید حالا اگر مجلس شورای ملی اجازه بدهد که وزیر مالیه بکمیسیون بودجه آمده مثل یک عضو کمیسیون بودجه با سایر اعضای کمیسیون تبادل نظر کرده و بودجه را تهیه کنند گمان میکنم بعمل و موفقیت نزدیکتر باشد از همین نقطه نظر بود که بنده این پیشنهاد را کردم لیکن بعضی از نمایندگان درست عقیده من توجه نفرموده اند البته این عدم توجه از نقطه نظر قاصر بودن عبارت بود باینجهت بنده باز هم با تبادل نظر بعضی آقایان نمایندگانی که مختصراً اصلاحی در این ماده کرده میخواهم تصور میکنم دیگر جای هیچ نوع سوء تفاهمی نخواهد بود بنده ماده او را باینطور اصلاح کردم که مجلس شورای ملی بکمیسیون بودجه خود اجازه می دهد که با دولت کمک نماید که بودجه های جمع و خرج تهیه شده به مجلس شورای ملی پیشنهاد شود گمان میکنم این عبارت بهتر است زیرا حق از دولت گرفته نشده و فقط مجلس حق مساعدت بکمیسیون بودجه می دهد و این بود خلاصه مقصود من حالا اگر این ترتیبی که اخیراً خواندم مقصود مرا می پروراند هیچ ولی اگر آقایان با اصل مقصود موافق هستند و باز تصور میکنند ببارت دیگری باید آنرا ادا کرد بنده هم موافقت خواهم کرد و ضمناً باید از منظور آقای رئیس الوزرا استفاده کرده و نظر ایشان را بفهمیم که آیا بخود ایشان موافقت هستند مشارکتی با وزیر مالیه بشود یا خیر؟

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

خیلی اهمیت میدهم و از طرف دیگر این پیشنهاد را اسباب تسهیل کار می دانم با پیشنهادی که شده است موافقم

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

خیلی اهمیت میدهم و از طرف دیگر این پیشنهاد را اسباب تسهیل کار می دانم با پیشنهادی که شده است موافقم

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

خیلی اهمیت میدهم و از طرف دیگر این پیشنهاد را اسباب تسهیل کار می دانم با پیشنهادی که شده است موافقم

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

خیلی اهمیت میدهم و از طرف دیگر این پیشنهاد را اسباب تسهیل کار می دانم با پیشنهادی که شده است موافقم

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

خیلی اهمیت میدهم و از طرف دیگر این پیشنهاد را اسباب تسهیل کار می دانم با پیشنهادی که شده است موافقم

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

خیلی اهمیت میدهم و از طرف دیگر این پیشنهاد را اسباب تسهیل کار می دانم با پیشنهادی که شده است موافقم

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

رئیس الوزرا — چون بنده سرعت تهیه بودجه

فرستاده میشود که با مضای مقامات صالحه و مقتضیه برسد و بموقع اجراء گذارده شود

در سنه ۱۹۰۶ این کنکرة پستی یا مجمع بین المللی دررم پایتخت ایتالیا تشکیل شد . کنکرة اخیر در شهر مادرید پایتخت اسپانیول در اکتبر ۱۹۲۰ یا سرطان ۱۲۹۹ تشکیل شد و زبانی فاصله بین تشکیل دو کنکرة اخیر بواسطه حدوث جنگ بود و گر نه می بایستی چند سال زودتر واقع شده باشد و معمول هم این است که هر دفعه در یک مرکزی تشکیل شود و امبدوارم و سالی پیش آید که یک روزی هم این کنکرة در طهران پایتخت ایران منعقد شود

زیرا هر دولتی این حق را دارد در دفعه اخیر که در مادرید بنا بود منعقد شود چون دولت ایران هم از سنه ۱۸۷۷ یعنی تقریباً چهل و یکسال قبل تا بحال جزو اتحاد پستی است از دولت ایران خواسته شد که نمایندگانی برای حفظ مصالح ایران بدارند بفرستد چون این مسئله معارن با زمان کابینه آقای مشیر الدوله بود آقای مشیر الدوله هیئت مأمورین را در تحت ریاست آقای میرزا حسین خان علانی که آنوقت در اروپا بودند مقرر فرمودند بدارند پروندواز طهران هم رئیس کل پست مسیو مولیر نظر باینکه اطلاعات کامل از مسئله داشت بدارند رفتند و در جلسات کنکرة حضور بهم رسانیدند و نظریات دولت را هم آقای مشیر الدوله روی کاغذ آورده و دستور کافی بمأمورین دادند و مأمورین هم بر طبق دستور دولت وقت اقدام کرده و دستور العملهای خود را خوشبختانه بموقع اجرا گذارند

اکنون یکی دو ماده آن را که اسباب مسرت آقایان خواهد شد عرض می کنم . يك مسئله راجع بحکیمت اجباری است سابق بر این حکیمت اجباری نبود یعنی اگر اختلافی بین دولت ایران و دول دیگر راجع بر روابط پستی پیدا میشد هر چند وزارت پست تقاضای حکیمت می نمود شاید طرف حاضر نمیشد . اغلب اوقات این اتفاق افتاده ولی در این کنکرة قبول کردند که حکیمت اجباری باشد یعنی اگر اختلافاتی حاصل شود يك مدتی صرب الاجل میشود و اگر طرف در طرف آنعت برای حکیمت حاضر نشد مرکز اتحاد پستی خود آن مسئله را تصفیه خواهد کرد این یکی از قضایا بود که رفع اشکال را در آتیه میکند و مسئله دیگری که خیلی اهمیت دارد و میدانم باعث مسرت آقایان خواهد شد این است که از چندی قبل يك دفاتر پستی خارجه در خاک ایران یعنی در بندر خلیج فارس و در هرستان برقرار بود و از سوء اتفاق در سنه ۱۹۰۶ در کنکرة دم هر قدر دولت ایران پیروست و اعتراض کرد طرف توجه واقع نشد اما در این مسئله دفعتاً مطابق دستورات کابینه وقت آقای علانی و مسیو مولیر اقداماتی کردند و خوشبختانه موفق شدند و کنکرة با اتفاق آراء این مسئله را قبول کرد که دفاتر پستی خارجه که در مملکت ایران برقرار است موقوف شود . البته همه تصدیق دارند که مضرت این مسئله خیلی بود علاوه بر اینکه لطمه بر استقلال مسا می زد اختلافی هم در امور پستی و عایدات پستی حاصل میشد

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

این قرارداد تا تاریخ ۱۹۲۲ که چند ماه دیگر مانده است باید بموقع اجرا گذاشته شود . این نکته را هم زائد نمی دانم عرض کنم که در آن موقع نماینده دولت فرانسه از نمایندگان ایران حمایت کرد و لازم است اظهار تشکر و امتنان کنیم گرچه کلیه دول همراهی کردند و نماینده انگلیس هم مساعدت کرده ولی مخصوصاً نماینده دولت فرانسه خیلی مساعدت کرده بضروریکه با اتفاق شصت و شش رأی نمایندگان شصت و شش دولت این مسئله را قبول نموده اند که دفاتر پستی خارجه در ایران موقوف شود و زیر پست و تلگراف هم از وقتی که این مسئله قبول شده است مشغول اقدامات بود و امیدواریم که اولیای دولت انگلستان هم قبل از انقضای موعد دفاتر را تسلیم دولت ایران بکنند و وزارت پست و تلگراف اطمینان می دهد که حفظ اتباع دولت انگلستان در ایران بشود این بود تاریخ کنکرة بین المللی و بعد در خانه کنکرة سه قرارداد بسته شده است که اول باید بنظر مجلس و پس از آن بصحه هما یونی برسد و بایستی این قرارداد در ظرف مدت معین بدارند فرستاده شده که در آنجا مبادله شده از آنو به ۱۹۲۲ بموقع اجرا گذاشته شود در این موقع دولت لازم می داند از مأمورینی که برای این کار رفته بودند خاصه آقای علانی که جدیدت اقدامات کافیه کرده و از مسیو مولیر هم همین طور بقد رسم خودش اظهار رضایت و قدردانی بشود البته آقایان نمایندگانی هم وقتی بمیلیات این مأمورین دقت کردند نظر بر این که از برجسته ترین موادی که ایشان تشویق خدمتگذاران دولت است هر کس میخواهد در حلیاس باشد البته از او قدر دانی خواهد شد و چون باید بنظر آقایان برسد این سه فقره کنوانسیون را تقدیم آقای رئیس میکنم و آن قسمت هایی که راجع بایران است ترجمه شده و بتدریج بنظر آقایان نمایندگان خواهد رسید و آقایان ارباب کیش و رولف خواهند فرمود پس از طبع به نمایندگانی تقسیم خواهند نمود و بعد از آنکه کمیسیون مطالعه نمود البته به مجلس تقدیم خواهد شد

رئیس — بر حسب معمول بکمیسیون پست و تلگراف میرود و اگر لازم باشد بکمیسیون خارجه هم ارجاع میشود . آقای سردار معظم از آقای رئیس الوزرا سؤالی دارند

سردار معظم — یکی از کارهایی که در دوره مرتب واقع شده امتیاز وقت شال ایران بود که به خوشناریا داده شده اگر چه اصل بیست و چهارم قانون اساسی طرز دادن امتیاز را تصریح می کند ولی بنده تأکیداً آنرا می خوانم

سردار معظم — یکی از کارهایی که در دوره مرتب واقع شده امتیاز وقت شال ایران بود که به خوشناریا داده شده اگر چه اصل بیست و چهارم قانون اساسی طرز دادن امتیاز را تصریح می کند ولی بنده تأکیداً آنرا می خوانم

اول ۲۴ — بستن عهدنامه ها و مقابله نامه ها اعطای امتیازات (انحصاری) تجارت و صنعتی و فلاحی و غیره اهم از این که طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد باستانی عهد نامه های که استتار آنها اصلاح دولت و ملت باشد بنا بر این البته باید این اصل از قانون اساسی هر نوع امتیازی بدون سیر کردن مجاری قانونی داده بشود در مملکت

دوره چهارم

ما از درجه اعتبار ساقط است و هیچ نوع اعتباری ما بر از امتیاز نمی توانیم قائل بشویم (گفتند صحیح است) منحصر امتیازاتی که در نظر دولت و ملت و مجلس شورای ملی اعتبار دارد امتیازاتی است که بتصویب مجلس شورای ملی رسیده باشد و لا غیر . بالتجربه امتیاز خوشناریا که این مدارج را طی نکرده فقراً از درجه اعتبار ساقط است گرچه از روز اول ساقط بود . باوجود این شنیده می شود مذاکراتی در اطراف این امتیاز برخلاف قانون که هیچ نوع اعتبار ندارد و از درجه اعتبار ساقط است در جریان است البته از نقطه نظر ما کنبه این مذاکرات بی مورد و بی اعتبار است ولی مخصوص که شاید بواسطه این عللی هم که عرض کردم یعنی بواسطه عدم موافقت با قانون اساسی مملکت ما دولتهای دیگر هم متوجه شده اند و در مرفوع خود مفتی شدن این امتیاز را گفته اند می خواستم از آقای رئیس الوزرا سؤال کنم که دولت در این خصوص چه اقداماتی کرده و چه اقدامی در مقابل جریان این مذاکرات اتخاذ فرموده اند آیا ممکن است ما را هم از تصمیمات خود مطلع فرمایند یا خیر ؟

رئیس الوزرا — ما منظور که آقای سردار معظم اظهار داشتند چون این امتیاز طی مدارج قانونی را نکرده دولت نمی تواند آن امتیاز را مشروع و معتبر بداند و همین نظر در مقابل مذاکراتی که شده است چه قبلاً و چه اخیراً اتخاذ شده و بطرف اخطار شده است

سردار معظم — بنده قانع شدم و نظریات دولت را در باطل شمردن این امتیاز تقدیم می نمایم

رئیس — چون کار دیگری در دستور نیست جلسه را ختم می کنیم جلسه آتیه روز پنجشنبه دوساعه قبل از غروب و دستور هم اولاً پیشنهاد آقای سردار معظم راجع بقانون انتخابات

تأیید — بودجه مجلس است که فردا توزیع خواهد شد

ثالثاً — انتخاب شش نفر برای مطالعه در پیشنهاد های سردار معظم راجع به تعیین طرز رسیدگی بمیلیات دوره قنرت مغالطی نیست

(گفته شد خیر)

مجلس سه ساعت و ربع از شب گذشته ختم شد

رئیس مجلس مؤتلف الملک

جلسه ۴۲

صورت مشروح مجلسی یوم پنج

شنبه ۱۶ شهر ربیع الاول سنه

یکهزار و سیصد و چهل و چهار قمری

مطابق ۲۵ عقرب یکهزار و

سیصد و شصت شمسی

مجلس نیم ساعت قبل از غروب در تحت ریاست

آقای سردار معظم نایب رئیس تشکیل گردید

صورت مجلس یوم ۳ شنبه بیست و سوم عقرب را

آقای تدین قرائت نمودند

نایب رئیس — آقای نصیر دیوان (اجازه)

نصیر دیوان — خواستم عرض کنم که آقای